

هشتمین دوره کتاب فصل در راه است

کتاب فصل؛ تحولی در داوری کتاب



حمایت از کتاب‌های برتر و تشویق محققان، مولفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته و با هدف ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی، به همت موسسه خانه کتاب برگزار می‌شود.

هشتمین دوره از جایزه «کتاب فصل» در آخرین روز بهار برندگان را می‌شناسد. به گفته مدیرعامل موسسه خانه کتاب، در این دوره از جایزه «کتاب فصل»، ۵ هزار و ۶۲۲ اثر منتشر شده در زمستان گذشته، داوری شده‌اند. جایزه کتاب فصل به منظور

کتابخانه

عکس: برنقی قدیمی

شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸
۲۶ جمادی الفانی ۲۰۱۳، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹
شماره ۱۸۶، پیاپی ۸۳۷
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir



شکسپیر مدرن تر
از نویسندگان
معاصر بود

۲۳



ابراهیمی دینانی
استاد آموزش
نگاه فلسفی

۱۵



موسیقی جهانی
ریشه در
ایران دارد

۸

تعویق نکوداشت استاد دینانی

مراسم رونمایی از کتاب «خرد و خردورزی» نوشته علی اوجبی و آیین پاسداشت دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، نویسنده و استاد حوزه فلسفه که قرار بود روز دوشنبه گذشته در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شود، به زمان دیگری موکول شد. پیش از این قرار بود در این مراسم با حضور استادان، صاحب نظران و علاقه مندان حوزه فلسفه، از کتاب «خرد و خردورزی» رونمایی و از مقام علمی دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی تجلیل شود. زمان برگزاری مراسم رونمایی از کتاب «خرد و خردورزی» و آیین پاسداشت دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، متعاقباً اعلام خواهد شد.

مدیرعامل خانه کتاب خبر داد

داوری ۵ هزار و ۶۶۲ کتاب در جایزه کتاب فصل

تغییراتی در آن اعمال شده؟ اظهار داشت: «ما همان اوایل کار و پس از برگزاری چهار دوره از این جایزه، آیین نامه را مورد بازبینی قرار دادیم و این بازبینی براساس تجربه برگزاری چهار دوره و گفت و گو با داوران، صاحب نظران و برگزیدگان صورت گرفت.» وی افزود: «ما چندین جلسه به صورت مبسوط در هیأت امنای خانه کتاب برای آیین نامه جدید و بازبینی آن با توجه به تجربیات گذشته برگزار کردیم و مهم ترین تغییری که رخ داد این بود که سطح مورد قبول برای اعلام اثری به عنوان کتاب برگزیده یا شایسته تقدیر را بالاتر بردیم به نحوی که تا حد ممکن به معیارهای کتاب سال نزدیک باشد.»



شجاعی همچنین درباره جایگاه کتاب فصل از نظر مخاطبان، تصریح کرد: «خوشبختانه این جایزه در بین نویسندگان و ناشران جایگاه خوبی پیدا کرده که مهم ترین شاهد این مدعا نیز پاسخ مثبتی است که به فراخوان این جایزه داده شده است تا جایی که برخی صاحب نظران و نویسندگان از جایزه کتاب فصل به عنوان تحولی در داوری های کتاب یاد می کنند و بر این باورند که از رهگذر چنین جایزه ای، تنوع تبلیغات و ارزیابی کتاب های فاخر و ارزشمند همواره گرم است و دستداران کتاب های جدید نیز در مدت زمان کوتاهی از انتشار تازه های کتاب و همچنین از کتاب های فاخر، مطلع می شوند.»

به گفته مدیرعامل خانه کتاب، در هشتمین دوره جایزه کتاب فصل ۵ هزار و ۶۶۲ عنوان کتاب به معرض داوری گذاشته شده‌اند. علی شجاعی صائین در گفت و گو با کتاب هفته با بیان این مطلب، از افزایش تعداد آثار برگزیده و آثار شایسته تقدیر در این دوره نسبت به دوره قبل خبر داد و گفت: «ما، در هشتمین دوره کتاب فصل خوشبختانه توانستیم به حدود ۹۰ درصد از کتاب های منتشر شده دسترسی پیدا کنیم که آن ها را وارد گردونه داوری کردیم، در حالی که در دوره های آغازین تنها یافتن ۶۰ تا ۷۰ درصد عناوین ممکن بود که داوری می شدند دلیلش هم این بود که هنوز در آغاز راه بودیم و این حرکت جایگاه و اعتبار لازم را پیدا نکرده بود اما خوشبختانه در هر دوره نسبت به دوره قبل، گامی رو به جلو برداشته ایم و مراسم پایانی را با دست پر تری برگزار می کنیم.»

مدیرعامل خانه کتاب یادآور شد: «قبلا هر کتابی را که داوران به آن امتیاز ۷۰ از ۱۰۰ می دادند به عنوان کتاب برگزیده معرفی می کردیم اما الان آثاری را بر مبنای ۹۰ از ۱۰۰ انتخاب می کنیم یعنی در واقع سطح توقع داوری خیلی بالا رفته و با این حال جالب است که تعداد آثار برگزیده هم به موازات آن افزایش پیدا کرده است.» شجاعی در پاسخ به این پرسش که چه میزان کار کارشناسی درباره هفت دوره گذشته جایزه کتاب فصل صورت گرفته و چه

کلاسیک های امین پور آمد

مجموعه شعرهای کلاسیک قیصر امین پور در یک کتاب منتشر شده است. این کتاب شامل غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی های این شاعر فقید است. شعرهایی از مجموعه های «در کوچه آفتاب»، «تنفس صبح»، «آینه های ناگهان»، «گل ها همه آفتابگرداند» و «دستور زبان عشق» در این کتاب ارائه شده‌اند. مجموعه شعرهای کلاسیک قیصر امین پور در ۲۹۵ صفحه از سوی انجمن شاعران ایران به چاپ رسیده است. قیصر امین پور متولد دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۸ در گنوند خوزستان بود که سه شنبه، هشتم آبان ماه سال ۱۳۸۶ در گذشت. «توفان در پراتزو» (نثر ادبی)، «منظومه ظهر روز دهم» (برای نوجوانان) (۱۳۶۵)، «مثل چشمه، مثل رود» (برای نوجوانان) (۱۳۶۸)، «بی بال پریدن» (نثر ادبی برای نوجوانان)، «گفت و گوهای بی گفت و گو» (۱۳۷۰)، «به قول پرستو» (برای نوجوانان) (۱۳۷۵)، «سنت و نوآوری در شعر معاصر» (۱۳۸۳) و «شعر و کودکی» (۱۳۸۶) از دیگر آثار او هستند.

در انقلاب ها و نهضت های آزادی بخش بزرگ دنیا، یکی از وسائل تبلیغات، همین رمان ها و داستان هاست؛ قصه های بسیار خوبی دارند؛ زیبایی ها را به بهترین وجهی در قالب های بسیار عالی ارائه کرده اند. بنده وقتی این کتاب ها را می خوانم و با انقلاب خودمان مقایسه می کنم، می بینم انقلاب ما مناظر خیلی خیلی عالی تر، پرشکوه تر، هیجان انگیز تر و زیباتری دارد که می تواند ارائه بدهد.

هنرمندان ما حقیقتاً مسئول اند و باید پاسخگو باشند. باید این زیبایی ها را که آنها می توانند ببینند، بیش از مردم عادی جست و جو کنند و ببینند و آنها را ارائه بدهند.

بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم هفتمین سالگرد تاسیس سازمان تبلیغات اسلامی ۶۷/۴۱

قصه های ائمه اطهار (ع)

به چاپ رسید

ایکنا - محمد کاظم مزینانی از انتشار مجموعه ۱۴ جلدی قصه های ائمه اطهار (ع) و بازنویسی داستان های کلیله و دمنه برای نوجوانان خبر داد.

این نویسنده درباره مجموعه ۱۴ جلدی قصه های ائمه اطهار (ع) گفت: «این مجموعه به صورت یک دوره چهارده جلدی و نیز یک کتاب تک جلدی به مخاطبان عرضه شده است.»

به گفته مزینانی در هر یک از جلد های این مجموعه منظوم، حکایتی از یکی از ائمه اطهار (ع) به صورت اشعار کودکانه و ساده روایت شده است. این مجموعه ۱۴ جلدی از سوی انتشارات قدیانی منتشر شده و منصوره محمد تصویرگری آن را برعهده داشته است.

بیش از ۱۰۰ جلد کتاب

در مباحث قرآنی و حدیثی

سرپرست دفتر تهیه و تألیف سازمان تبلیغات اسلامی از انتشار بیش از ۱۰۰ جلد کتاب در زمینه های دینی از جمله مباحث قرآنی، حدیثی و اعتقادی از سوی این سازمان تا پایان تابستان ۸۸ خبر داد.

معجید توسلی سرپرست دفتر تهیه و تألیف سازمان تبلیغات اسلامی با اعلام این خبر به ایکنا گفت: «سازمان تبلیغات اسلامی ۱۴۰ عنوان کتاب در زمینه های دینی با محورهای آموزشی، تبلیغی، ارزشی و ارشادی در مباحث مختلف قرآنی، حدیثی، تاریخی و اعتقادی آماده انتشار دارد.»

وی ادامه داد: «تمامی مراحل پیش از چاپ این آثار انجام شده و هم اکنون برای ناشران فرستاده شده است. مخاطبان این آثار نیز در سه گروه سنی کودکان و نوجوانان، جوانان و بزرگسالان قابل دسته بندی اند.» برخی از این آثار درباره دیدگاه های ارزشی و انقلاب اسلامی منتشر شده و برخی دیگر در راستای پاسخ به مسائل خرافی دینی و شبهاتی که درباره قرآن بیان می شود، منتشر شده اند که می تواند به عنوان منبع محکمی برای پاسخگویی به شمار آیند.

چاپ قرآن حکیم

با فونت نیریسی

قرآن حکیم با فونت احمد نیریسی و ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی از سوی مرکز طبع و نشر قرآن کریم منتشر می شود.

مرکز طبع و نشر قرآن کریم، چاپ قرآن حکیم با فونت نیریسی را در دست انتشار دارد. پیش از این، قرآن حکیم با فونت عثمان طه از سوی این مرکز به چاپ رسیده که با استقبال از سوی مخاطب مواجه شد. در چاپ جدید این قرآن علاوه بر تغییر فونت، تغییراتی نیز در صفحه بندی، چینش کلمات و ... انجام شده است که در مقایسه با چاپ قبلی بسیار بهتر و با قرائت سهل تر همراه است.

شعر ایران و جهان در یک همایش



مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از برگزاری نخستین همایش بین المللی شعر ایران و جهان در تهران و دو شهر دیگر کشور خبر داد. ۳۰ شاعر جهان، مهمان این همایش بین المللی خواهند بود. مصطفی امیدی همچنین اظهار داشت: از سه شهر اصفهان، شیراز و مشهد که نامزد برگزاری این همایش بودند، میزبانی شهر تاریخی اصفهان قطعی شده است.

مصطفی امیدی، مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تصمیم شورای سیاستگذاری چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر برای برگزاری کنگره بین المللی شعر ایران و جهان در ۲۷ مهرماه خبر داد.

به گفته امیدی، بر اساس مصوبه دومین جلسه شورای سیاستگذاری چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر، همایش شاعران ایران و جهان، همزمان با تهران، در دو شهر دیگر کشورمان نیز برگزار خواهد شد. امیدی، شرط حضور شاعران بین المللی در این همایش را انتشار مجموعه های تأثیرگذار از آنها در سطح بین الملل و شهرت جهانی آنان برشمرد و گفت: «هماهنگی های لازم با وزارت امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، برای دعوت از این شاعران صورت گرفته و مقدمات برگزاری همایش نیز فراهم شده است.»

مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت ارشاد با بیان این که آیین افتتاحیه این همایش در تهران خواهد بود، تصریح کرد: «در حاشیه این همایش، چندین نشست تخصصی و مراسم شعرخوانی در دانشگاه های معتبر کشور برگزار می شود.»

دبیری همایش بین المللی شعر ایران و جهان را موسی بیدج، شاعر و مترجم شعر عربی و عضو شورای سیاستگذاری چهارمین جشنواره شعر فجر بر عهده دارد.

مدیر دفتر نشر فرهنگ اسلامی در آستانه سالروز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی عنوان کرد

چاپ بیانات مقام معظم رهبری در ۲۸ کتاب

را جاری کرده اند، در واقع نصیحتی است که ایشان پیش از خواندن خطبه، به زوج ها گوشزد کرده اند.»

مدیرعامل دفتر نشر فرهنگ اسلامی با اشاره به این که تعدادی از این آثار با شمارگان بالا چندین بار تجدید چاپ شده اند، عناوین این مجموعه را به ترتیب زیر برشمرد: «بسیج راز عشق و ایمان»، «جوان از منظر رهبری»، «حساس ترین دوران تاریخ»، «از ژرفای نماز»، «از زلال حکمت»، «آفتاب در سایه»، «دولت سعادت»، «گفتاری در باب صبر»، «در سایه سار رمضان»، «رمضان در گفتار رهبری»، «پیشوای صادق»، «نقش نگار»، «جاودانه تاریخ»، «راهبردها در کلام رهبر»، «آزادی در نگاه مقام معظم رهبری»، «آمریکا در نگاه مقام معظم رهبری»، «حماسه سازان پایداری»، «نسیم مبارک عاشورا»، «هنر از دیدگاه سید علی خامنه ای»، «انتخابات نهم»، «چهار کتاب اصلی علم رجال»، «صلح امام حسین (ع) ترجمه»، «آینده در قلمرو اسلام ترجمه»، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، «نگرش های موضوعی کتاب و کتابخوانی» و «مطلع عشق».

دبیرستانی ها نقد فیلم و کتاب را یاد می گیرند

مهر - مدیر کل برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی گفت: «درس نقد فیلم، نقد کتاب و کارآفرینی وارد درس های اختیاری دوره متوسطه می شوند.»

حجت الاسلام والمسلمین علی ذوعلم با بیان این خبر افزود: «از سال ۱۳۸۶ در برنامه ریزی های خود بنا داشتیم که سه درس را به درس های اختیاری موجود اضافه کنیم که بدین ترتیب این درس ها را به شورای هماهنگی سازمان پژوهش و برنامه ریزی پیشنهاد دادیم.» ذوعلم در ادامه درباره تدوین درس نقد فیلم هم گفت: «قصد داریم با نقد فیلم بصیرت و آگاهی دانش آموزان را در مواجهه با رسانه های دیداری مانند فیلم های سینمایی، سریال های تلویزیونی و برنامه های اینترنتی بالا ببریم تا بتوانند با معیارها و مولفه های رسانه ای آشنا شوند و با تحلیل کارشناسانه فیلم ها را بررسی کنند.»

مدیر کل برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با بیان این که در دوره ای قرار گرفته ایم که رسانه ها تأثیر بسزایی بر مخاطبان خود دارند و ما چه بخوایم و چه نخواهیم کودکان و نوجوانانمان تحت تأثیر آنها هستند، تأکید کرد: «به همین منظوری توان دید درست و منطقی ای را برای آنها از همین سن های پایین ایجاد کرد.» ذوعلم تصریح کرد: «در این سه درس نمره اهمیتی ندارد و برنامه ما این است که توانمندی های تفکری و مهارتی دانش آموزان را بالا ببریم.»

نخستین کتاب فارسی جهان به کتابخانه ملی رفت

این کتاب که در آغاز تاریخ استعمار کشورهای اروپایی و با هدف تبلیغات دینی و مسیحی در شبه قاره هند توسط هلند به عنوان یکی از قدرت های بزرگ آن دوران منتشر شده، به دلیل نیاز کارگزاران استعمارگر به آشنایی با زبان و ادبیات فارسی که زبان رایج شبه قاره هند آن روز بوده، دارای بخش دستور زبان فارسی است. بر اساس این خبر، این نسخه که توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و در راستای وظیفه حفظ میراث مکتوب ایران و گردآوری مجموعه ای از تمامی کتاب های منتشر شده به زبان فارسی خریداری شده، نسخه ای کامل و سالم است که با پوست دباغی شده بز، صحافی و تجلید شده است.

این کتاب در حال حاضر در مجموعه ایران شناسی و اسلام شناسی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می شود.

نسخه ای از نخستین کتاب فارسی چاپ شده در جهان که در سال ۱۶۳۹ میلادی در شهر لایدن هلند منتشر شده است، توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران خریداری شد.

کتاب «داستان مسیح» نخستین کتاب چاپی با الفبای فارسی در ۹۰۰ صفحه همراه متن اصلی آن به زبان و خط لاتینی است که حدود ۴۰۰ سال قبل توسط مولانا قاسم لاهوری در دربار اکبر شاه - امپراتور مغولی هند - به زبان فارسی ترجمه شده است.

در این کتاب، علاوه بر زندگی حضرت مسیح (ع)، بخش هایی با عنوان های داستان سن پیدرو (زندگی پطروس مقدس) و عنصراهای زبان فارسی (دستور زبان فارسی) وجود دارد که بخش «عنصراهای زبان فارسی» نخستین دستور زبان فارسی تألیف شده در جهان نیز هست.

ذخیره (دانلود) رایگان کتاب های کتابخانه دیجیتال ارم

کاربران کتابخانه دیجیتال ارم با عضویت در سایت www.dlib.ir از امکان خواندن و دانلود رایگان ۱۰۰ درصد کتاب های این کتابخانه برخوردار می شوند. مدیر کتابخانه مجازی ارم، با اعلام این خبر گفت: این کتابخانه، پیش از این چکیده و نظرهای خوانندگان هر کتاب را در اختیار کاربران قرار داده بود. این اقدام در راستای ادامه سیاست های مدیران این کتابخانه مبنی بر جلب رضایت کاربران با ارائه سرویس های حرفه ای کتابخانه دیجیتال و الگوگیری از سایت های موقت این حوزه مانند سایت آمازون انجام شده است. عباس ریاضی خاطر نشان کرد: در آینده نزدیک، امکان ذخیره (دانلود) تمام کتاب های این کتابخانه فراهم خواهد شد. وی خاطر نشان کرد: کتابخانه دیجیتال ارم گنجینه ای غنی شامل ده ها هزار نسخه کتاب الکترونیکی full text از هزار و ۲۰۰ ناشر جهان است که در کنار این محتوای غنی، وب گاه مدیریت حرفه ای کتابخانه نیز برای استفاده کارشناسان کتابداری و متخصصان فناوری اطلاعات تدارک دیده شده است.»

افشای واقعیت های جدیدی از زندگی سلینجر



کارگزار ادبی جروم دیوید سلینجر، نویسنده آمریکایی رمان «ناتور دشت» که سال های مدید است امور انتشاراتی او را در دست دارد، گفت سلینجر ساله با مشکلات مربوط به کهولت روبه رو است و به طور کلی ناشنوا شده. این نویسنده سال هاست که در انزو زندگی می کند و رسانه ها از او خبری ندارند. به نوشته نیویورک پست، این کارگزار در اظهارنامه ای که هفته پیش به دادگاه فدرال منتهن ارائه کرد، از این امر پرده برداشت.

سلینجر پس از اعلام این خبر که دنباله ای بر رمان کلاسیک او «ناتور دشت» نوشته شده و این کتاب به زودی منتشر می شود، به دادگاه شکایت کرد. در همان زمان اعلام شد که رمان «۶۰ سال بعد: در دل دشت» که ادامه ماجرای «ناتور دشت» را که در سال ۱۹۵۱ نوشته شده، پی می گیرد توسط نویسنده ناشناخته ای به نام «جی.دی کالیفرنیا» نوشته شده است.

یونایتد پرس نیز اعلام کرد، کارگزار سلینجر که در دادگاه حضور یافته بود، گفت گرچه سلینجر ماه پیش تحت یک جراحی برای شکستگی استخوان لگن قرار گرفت و اکنون دوره نقاهت رابیت سرمی گذارد، اما او کاملا از این موضوع مطلع است و از دادگاه خواسته است تا با توجه به حقوق مولف، از انتشار این کتاب جلوگیری کند.

«وسبرگ» گفت که این نویسنده عزلت گزیده با مشکلات مربوط به کهولت روبه روست و به طور کلی شنوایی اش را از دست داده است.

گوتتر گراس به نویسنده روسی جایزه داد

گوتتر گراس برنده آلمانی نوبل ادبیات، جایزه «آلفرد دوبلین» ۲۰۰۹ را به او یکن روگه نویسنده و نمایشنامه نویس روسی الاصل آلمانی اهدا کرد. به گزارش خبرگزاری آلمان، او یکن روگه این جایزه ۱۵ هزار یورویی را به خاطر نخستین رمان خود با عنوان «در عصر روشنایی های اندک» که داستان یک خانواده کمونیست را از دهه ۳۰ قرن بیستم در زمان حکومت رژیم کمونیستی روایت می کند، دریافت کرد.

بر مبنای نظر هیأت داوران، نیروی گفت و گو، طنز تلخ و توانایی سرشار هنری در بخش های مختلف این کتاب، موجب ایجاد یک فرم تاریخی آلمانی شده و از این رو این هیأت وی را شایسته کسب این جایزه دانسته است.

علاوه بر روگه، نویسندگانی چون فولکر اچ. آلت و اسر، سوتسیا بانک، توماس هتجه، هریت کولر و مایکل رز، دیگر نامزد های کسب این جایزه در فهرست نهایی آن بودند.

جایزه ادبی «آلفرد دوبلین» به نوشته های داستانی تعلق می گیرد که هنوز در قالب یک کتاب منتشر نشده اند.

روگه که در سال ۱۹۵۴ در اورال روسیه به دنیا آمده است، به عنوان نویسنده تئاتر و تلویزیون شهرت دارد. وی همچنین آثار ادبیات روسیه را نیز به آلمانی ترجمه می کند و بیش از همه آثار آنتوان چخوف را برای ترجمه برمی گزیند.

از جمله قطعات تئاتری او می توان به «مرثیه بابلزبرگ»، «آشوب» و «پرونده بومه» اشاره کرد که در سال ۲۰۰۱ به کارگردانی آندر آس درسن در شهر درسدن روی صحنه رفت.

این جایزه ادبی در سال ۱۹۷۹ توسط گوتتر گراس و برای زنده نگه داشتن نام و یاد نویسنده رمان «میدان الکساندر برلین» شکل گرفت. گراس همچنین در مارس ۲۰۰۹ یک گردهمایی را برای قرائت آثار آلفرد دوبلین در آکادمی پاریس پلاتنز برگزار کرد که علاوه بر خود وی، میثائیل کومیف مولر و کارین کیوس نیز در آن حضور داشتند.

غیر واقعی بوده و او صد درصد سوئدی است. در واقع کالیفرنیا کسی نیست جز «کالتینگ» که ناشر کتاب است. او گفته که اول آوریل ۱۹۷۶ در «پوراس» محلی در حومه گوتبورگ متولد شده است. همچنین روشن شد عکسی که از «کالیفرنیا» در یک روزنامه بریتانیایی منتشر شده بود نیز دروغین است و به دوست او یعنی «گوستاوروت» تعلق دارد. «کالیفرنیا» گفت: او یک بازیگر است و من به او گفتم: خوب، برو بازی کن!

از سوی دیگر، منتقدان نیز بیکار ننشسته اند و «آیرون سیلورمن» با انتشار بیانیه ای که در اس.سی.بی منتشر شده، می گوید: «تلاش های دست و پا چلفتی وار سلینجر برای جلوگیری از انتشار کتاب باید با شکست روبه رو شود زیرا این یک کار مستقل است و نباید شامل حال کپی رایت شود. اثر و شخصیتی که سلینجر آفریده دیگر به خود او تعلق ندارد و اکنون به عنوان یک نماد فرهنگی جهانی شناخته می شود».

سلینجر که در ۳۲ سالگی رمان «ناتور دشت» را منتشر کرد، هرگز اجازه اجرای تئاتر یا ساخت فیلمی بر مبنای تنها رمانش را نداده و حتی با ساخت فیلمی توسط الیا کازان و اسپیلبرگ از این اثر نیز مخالفت کرد. خیلی ها همواره اعتقاد داشته اند که سلینجر می خواهد با این کار کمک کند تا هر خواننده ای خود را به جای «هولدن» قهرمان داستان ناتور دشت بگذارد و با او همذات پنداری کند. اما اکنون عده ای می گویند که هولدن در واقع سلینجر و سلینجر خود هولدن است.

فراز و فرود رامسفلد در کتابی جدید



یک روزنامه نگار آمریکایی، کتابی درباره دوره حضور «دونالد رامسفلد» به عنوان وزیر دفاع سابق آمریکا منتشر می کند.

به گزارش ادیتور پابلیشر، «برادلی گراهام» در کتاب جدید خود با عنوان «با دستورات خودش: داستان دونالد رامسفلد» که به زودی منتشر خواهد شد، جریان های جنجالی منتهی به کناره گیری رامسفلد از وزارت دفاع آمریکا را بررسی کرده است.

گراهام در این کتاب هفت بار با رامسفلد مصاحبه کرده و با چندین نفر از همکاران او نیز گفت و گوهایی انجام داده است. در قسمتی از این کتاب آمده: حوالی ماه سپتامبر سال ۲۰۰۶ رامسفلد و همسرش «جوئیس» درباره چشم انداز کناره گیری احتمالی او از وزارت دفاع گفت و گو کردند. جوئیس ماه ها بعد درباره این گفت و گوها گفت: «ما گفتیم که اگر کاخ سفید یا سنا در دست دموکرات ها بیفتند، راهی برای باقی ماندن رامسفلد وجود نخواهد داشت و موضوع او مورد بحث قرار خواهد گرفت و تا وقتی که او سمتش را ترک نکند، انتقادهای بی رحمانه ای از او خواهد شد.» گراهام می نویسد: «پرزیدنت بوش برای استعفای او آماده نبود و هر بار در مقابل درخواست استعفا مقاومت می کرد و حتی پیشنهادهای برخی مشاوران خود را هم در این باره رد می کرد و نامه های استعفا را نمی پذیرفت.»

به نوشته گراهام، بوش از این نگران بود که اثرات تغییر وزیر دفاع در شرایط جنگی خطرناک باشد. مصاحبه های نویسنده کتاب با مقام هایی که آن زمان در گیر و دار مسائل بودند، نشان می دهد که بحران و حملات خونین در عراق، باعث خراب شدن اوضاع شد و کاخ سفید نیز رهیافت های موجود در عراق را به چالش کشید و تحت چنین شرایطی سرانجام بوش تصمیم گرفت که رامسفلد را تغییر دهد. قرار است واکنشگن پست روز دوشنبه بخش های بیشتری از این کتاب را منتشر کند. این کتاب ۲۲ ژوئن (دوم تیرماه) به بازار خواهد آمد.

دستنویشته های برشت به کتابخانه زادگاهش سپرده شد

کتابخانه شهر آوسبورگ زادگاه برتولت برشت، مجموعه ارزشمندی از آثار و مدارک به جای مانده را از این شاعر و نمایشنامه نویس نامدار آلمانی از یکی از بازماندگان وی خریداری کرد.

به گزارش خبرگزاری اتریش، این اسناد به جای مانده از برشت، با حضور باربارا برشت شل دختر برتولت برشت از ۱۲ ژوئن در کتابخانه این شهر به نمایش گذاشته شد.

هلموت گیبیر رئیس این کتابخانه گفت: «این مجموعه، ارزشمندترین مجموعه از آثار برشت و مشتمل بر مدارک ثبت نام این نویسنده در دانشگاه مونیخ، ۷۰ نامه به همسر دومش هلنا وایگل، دفتر یادداشت مادرش و وصیت نامه برشت و همسر اوست. این در حالی است که کتابخانه آوسبورگ با کمک مالی حامیان خصوصی و چند انستیتو توانست در سال ۱۹۵۹ در برلین چشم از جهان فروبست.

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

پرونده سیمیندخت وحیدی

اگر می خواهید بدانید سیمیندخت وحیدی، شاعر پیشکسوت، چگونه شاعری را آغاز کرده، برای سرودن شعر نیاز به چه دارد، نگاهش به شعر امروز چیست، دوست دارد آثار چه نویسندگانی را بخواند و از نویسندگان خارجی کدامین را می پسندد، چند ساعت در روز مطالعه می کند، چگونه در زمان جنگ تحمیلی دو شادوش رزمندگان، تا خط مقدم رفت، به قصر شیرین و ابوغریب سر کشید و در جبهه چه وظیفه ای به عهده داشت، آخرین کتابش چیست و اوقات خود را چگونه سپری می کند؛ باید سراغ خبرگزاری کتاب ایران را بگیرید. آخرین پرونده ای که بخش مصاحبه «ایبنا» تدارک دیده، گفت و گویی مفصل با این بانوی شاعر است و بیش از آنچه اینجا نوشتم از او پرسیده و پاسخ گرفته است.

یادداشت هایی از اهل قلم

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از خانواده کتاب دوستان به دید مخاطبان می گذارد، هفته گذشته یادداشت هایی را از بیژن نوباه نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی - دکتر میرجلال الدین کزازی، فاطمه سعدونی، کارشناس کتابداری پزشکی و کتابدار کتابخانه شهید چمران سوسنگرد، شاهنامه پژوه و مدرس دانشگاه، غلام حسین سالمی، شاعر و مترجم و رضا نجفی، مترجم و منتقد ادبی، برای انتشار برگزید.

نوباه در یادداشت خود انتقادات تندی را روانه شیوه های رایج چاپ کتاب در ایران کرده است. او از عدم سیاستگذاری در مسائل سخت افزاری کتاب سخن گفته و در بخشی از یادداشت خود نوشته است: «برعکس کشورهای غربی که معتقدند تمام مردم دنیا از یک ساختار فیزیکی برخوردارند، روح و روان مردم جوامع گوناگون، متفاوت است و باید با توجه به این نیازها در زمان های گوناگون به تألیف و تدوین آثار مورد نیاز پرداخت و به تحکیم فرهنگ بومی توجه کرد.»

سعدونی از ضرورت تخصصی شدن منابع کتابخانه های عمومی نوشته است و کزازی سه گونه کتاب خوانی را برشمرده است. به باور او کتابخوانی می تواند «سویند»، «نیمه سویند» یا «ناسویند» باشد. سالمی از کم تریا بودن کتاب های شعر گله و شعر خوانی در ایران را با جهان مقایسه کرده است. نجفی نیز نبود منتقد حرفه ای در ادبیات ایران را، یکی از صدها پیچ و مهره معیوب این حوزه دانسته و برای آن راه حل هایی مطرح کرده است.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته آخرین اخبار از آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی را از نویسندگان غیر ایرانی به گوش جهان انگلیسی زبان رساند.

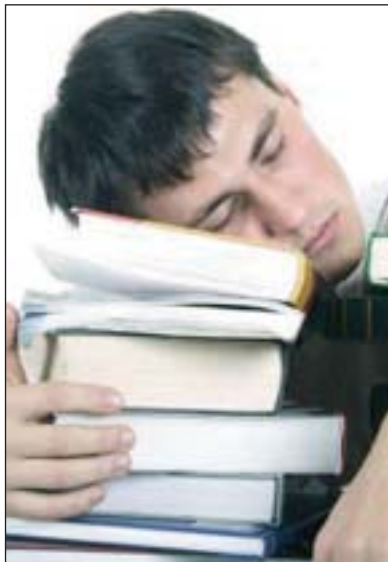
نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدید آورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان آنها را در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.



نگاهی به بایدها و نبایدهای کتاب های حوزه اعتیاد

کتاب به جای زرورق!



نویسنده از آنها می تواند به نگارش کتابی اصولی و کاربردی منجر شود.

بومی سازی: یک ضرورت

تا پنج سال پیش، کتاب های بسیاری در حوزه اعتیاد منتشر نمی شد به گونه ای که این آثار به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسید و آثار مکتوب اغلب به صورت بروشور بودند، اما اکنون کتاب های متنوع و کاربردی به همت برخی روان شناسان، جامعه شناسان و متخصصان این حوزه، رشد بسیار خوبی داشته است، اما جای خالی کتاب های تالیفی و پژوهشی در این میان به خوبی احساس می شود.

دکتر هدایت صحرایی، نویسنده کتاب «بررسی و شناخت اثرات روانی و جسمانی مواد مخدر» در این زمینه می گوید: «کتاب های کنونی اغلب ترجمه اند و نویسندگان کمتر سراغ نگارش و تالیف اثر رفته اند، در حالی که این موضوع یکی از معضلات بزرگ کتاب های این حوزه به شمار می آید که باید اصلاح شود.»

وی هدایت کتاب های این حوزه به سوی تالیف را یک ضرورت می داند و معتقد است: «محققان تجربی و کارشناسان اعتیاد، می توانند حاصل تجربیات خود را تهیه و تدوین کنند و در اختیار جامعه قرار دهند.»

صحرایی همچنین از بومی سازی به عنوان یکی از نواقص کتاب های حوزه اعتیاد نام می برد و ادامه می دهد: «کتاب هایی که در این حوزه منتشر می شوند، باید بر اساس الگوها و قالب های جامعه امروز ما باشند و جهت های غربی و شرقی نداشته باشند تا بتوانند کارکرد درستی در سطح جامعه ارائه دهند.»

دکتر شهرام محمدخانی، نویسنده کتاب «راهنمای عملی درمان شناخت رفتاری سوء مصرف مواد» نیز کتاب های حوزه مواد مخدر را در دو سطح تخصصی و عمومی ناکافی می داند و اظهار می دارد: «می توان گفت در حوزه کتاب های تخصصی و دانشگاهی اعتیاد، دچار نوعی کمبود منابع هستیم، به گونه ای که برخی دانشجویان رشته های روانشناسی، مددکاری، جامعه شناسی و ... عوامل بروز اعتیاد، راه های درمان و پیشگیری از آن را به خوبی نمی دانند.»

وی ادامه می دهد: «کتاب های کنونی، نمونه مناسبی برای دانشجویان ایرانی نیستند و نمی توانند نیازهای آنان را برآورده کنند به همین دلیل ضروری است که محققان و نویسندگان به دنبال خلق و آفرینش کتاب های مناسبی در این زمینه باشند.»

محمدخانی، توجه به کتاب های حوزه اعتیاد را ضروری می داند و می گوید: «شاید در نگاه اول، کتاب های مواد مخدر در مقایسه با کتاب های روان شناسی و دانشگاهی اهمیت چندانی نداشته باشند، اما باید دانست که مواد مخدر، اکنون یکی از معضلات اساسی هر کشوری به شمار می آید.»

بانگاهی به صحبت های کارشناسان و تجمیع نظرات مصاحبه شوندگان، به نظر می رسد کتاب هایی که درباره مواد مخدر نگاشته می شوند، نیازمند تحرکی جدی و پویا از سوی دست اندرکاران این حوزه اند؛ تحرکی که باید در میان متخصصان و بدنه نشر کشور از جمله نویسندگان، محققان، روان شناسان، درمانگران و ناشران مرتبط با این بخش، ایجاد شود.

حتی این مواد به سمت محرک ها (آفتامین ها) رفته است و این تغییر مواد، نیازمند اطلاع رسانی گسترده از سوی رسانه های مکتوب و تصویری است؛ تغییری که باید جدی گرفته شود.»

ابراهیمی به فعالیت های جمعیت تولد دوباره در این زمینه اشاره می کند و می گوید: «پژوهشکده اعتیاد، اکنون مشغول فعالیت های تخصصی روی افرادی است که در دام مواد مخدر صنعتی گرفتار شده اند و در این زمینه، مستندسازی، همراه تهیه و تالیف کتاب هایی را نیز آغاز کرده است.» وی همچنین به انتشار ۱۲ عنوان کتاب در این حوزه از سوی جمعیت تولد دوباره، اشاره می کند و می افزاید: «با توجه به فعالیت های پژوهشی و فرهنگی در این جمعیت، به دنبال نگارش آثاری با متون کاربردی و عملی برای خانواده ها و معاندان مبتلا به این بیماری هستیم.»

بروشور در برابر کتاب!

دکتر علی کریمی، روان شناس و نویسنده کتاب «راهنمای جامع مصرف مواد مخدر» حجم بروشور و کاتالوگ های حوزه اعتیاد را بیشتر از کتاب های منتشر شده در این بخش می داند و می گوید: «اکنون کتاب جامعی در زمینه مواد مخدر منتشر نشده است و در مراکز و مجتمع های درگیر با موضوع مواد مخدر، بیشتر شاهد تهیه و توزیع بروشور و کاتالوگ های اطلاع رسانی هستیم تا کتاب! و این موضوع چندندان خوشایند نیست.»

وی، اعتیاد را از جمله عوامل گسسته شدن پایه های خانواده در هر جامعه ای می داند و ادامه می دهد: «از آنجایی که خانواده، بنیان اصلی یک جامعه محسوب می شود، نیازمند برنامه ریزی قوی در این زمینه، به ویژه در بخش فرهنگی هستیم تا بتوانیم کتاب های مورد نیاز جامعه را تامین کنیم.»

کریمی تاکید می کند: «البته نیازی نیست که نویسندگان دنبال نگارش کتاب هایی با متون سخت و تخصصی علمی باشند، زیرا نگارش آثار به زبان ساده و علمی نیز می تواند تاثیر گذار و کاربردی باشد.»

آگاهی ناکافی و بی اطلاعی برخی نویسندگان و مترجمان از مواد مخدر، موجب شده که کتاب های انتشار یافته، سندیت علمی نداشته باشد.

دکتر نادعلی اسماعیلی، دیگر نویسنده کتاب های حوزه اعتیاد و مواد مخدر، در این باره معتقد است: «بی اطلاعی برخی نویسندگان موجب شده متون کتاب های این حوزه از برداشت های علمی مناسب برخوردار نباشند و نتوانند نیاز مخاطبان را برآورده سازند.» وی ادامه می دهد: «در این کتاب ها می خواهیم بیماری را درمان کنیم که تفکر بیمار دارد اما پزشکان تصور می کنند اومی توانم مسائلی از این قبیل رابه راحتی حل کنند، در حالی که نیازمند کاری اصولی و اساسی در این زمینه ایم.»

اسماعیلی به وجود نگرش جدید در موضوع کتاب های اعتیاد اشاره می کند و می گوید: «محققان و پژوهشگران باید فعالیت های تحقیقاتی و علمی درباره معاندان را دنبال و علت و عوامل اصلی گرایش به سمت مواد مخدر را پیدا کنند و به دنبال راهکاری جدید و اصولی برای درمان آن باشند. اکنون بسیاری از افراد تصور می کنند افسردگی، اضطراب و ... موجب بروز اعتیاد در میان افراد است، در حالی که این تصور اشتباه است.»

نویسنده «دایرةالمعارف پزشکی درمان اعتیاد» با بیان این که انتشار یک کتاب به تنهایی نمی تواند مشکل اعتیاد را حل کند، اظهار می دارد: «کتاب هایی که تاکنون در حوزه اعتیاد تالیف شده اند، نواقصی دارند که شناخت

وی بی انگیزه بودن ناشران را یکی از دیگر دلایل بی رونقی کتاب در این حوزه معرفی می کند و می گوید: «ناشر، معمولاً سراغ کتاب هایی می رود که سود و منفعتی برای او داشته باشد، چون دوست ندارد هزینه کند و کتابش در انبار باقی بماند و سرمایه اش به خطر بیفتد. از سوی دیگر، برخی مسوولان نیز از کتاب های این حوزه حمایت نمی کنند. پس نباید منتظر انتشار کتاب هایی با متون قوی و کارآمد بود.»

آشتیانی بر لزوم تحقیق و تالیف در حوزه اعتیاد و مواد مخدر تاکید می کند و می افزاید: «اختصاص بودجه های تحقیقی و پژوهشی در حوزه اعتیاد، از جمله اقداماتی اند که می توانند در کتاب های این حوزه تغییرات مثبتی ایجاد کنند.»

وی از انتشار کتاب های مختص معاندان به عنوان آثاری سطحی و غیر قابل تحمل نام می برد و اظهار می دارد: «گویا دست اندرکاران این حوزه، ناخواسته، پیشگیری و مقابله با اعتیاد را جدی نمی گیرند، در حالی که می توان بهره های بسیاری از کتاب های این حوزه برد.»

لطفاً جدی بگیرید!

بارها و بارها در رسانه ملی، گزارش هایی درباره افرادی پخش شده که به اعتیاد دچار بوده اند و در صحبت های خود، عوامل مختلفی را دلیل اصلی اعتیاد خود معرفی کرده اند؛ برخی از آنها دوستان ناباب، عده ای پدر و مادر معتاد و برخی دیگر بی اطلاعی و ناآگاهی از مواد مخدر و اثرات آن را دلیل گرایش خود به مواد مخدر معرفی کرده اند.

مدیرکل امور فرهنگی و اطلاع رسانی جمعیت «تولد دوباره» با تاکید بر بیمار بودن افراد معتاد، می گوید: «خلأ بزرگی که در حوزه کتاب های مربوط به مواد مخدر وجود دارد، کمبود آثار عمومی است که درباره بیماری اعتیاد، آگاهی و اطلاع رسانی می کنند؛ کتاب هایی که واقعیت های این بیماری را به خانواده ها و افراد مبتلا به آن نشان می دهند.»

رسول ابراهیمی ادامه می دهد: «بسیاری از خانواده ها با اعتیاد آشنایی کافی ندارند و آن را تنها یک نقص رفتاری می دانند، در حالی که اعتیاد یک بیماری است، یک بیماری که به راحتی قابل درمان نیست.» وی از اعتیاد به عنوان یک نوع بیماری ناشی از بی ایمانی نام می برد و می افزاید: «با این تعریف، باید کتاب هایی در حوزه اعتیاد تهیه و تالیف شوند که معنوی و دربردارنده نکات برتر اخلاقی و ایمانی باشند.»

ابراهیمی، کتاب های منتشر شده در حوزه اعتیاد را ناکافی می داند و معتقد است: «کتاب های کنونی دیگر نمی توانند برای متخصصان، بیماران و حتی خانواده ها کاربرد داشته باشند، زیرا پاسخگوی نیاز آنان نیستند و نتوانسته اند همزمان با علم و رویدادهای زمان، پیش بروند.» وی در این باره توضیح می دهد: «تا ۱۵ سال پیش، نوع مصرف مواد مخدر، سنتی بود اما در سال های اخیر، مصرف مواد مخدر، صنعتی و شیمیایی شده و

این روزها هریک از رسانه های جمعی سعی دارند به نوعی معضلی به نام اعتیاد را در قالب های نو و جدید به تصویر بکشند. در این میان، گرایش به سمت سوژه های مختلف و بهره وری از سبک و سیاق نگارش های متنوع، راهکاری نوین برای موفقیت افراد در حوزه نویسندگی به شمار می آید.

اعتیاد به مواد مخدر، معضلی دیرینه است که دولتمردان هر جامعه ای در نقاط مختلف جهان با آن دست به گریبانند و با روش های مختلف، سعی در کنترل، کاهش و برچیدن پایه های آن در کشور خود دارند. در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد، علاوه بر فعالیت روزنامه ها و تلویزیون ها، کتاب هانیز در این میان نقش بسزایی دارند. این کتاب هاسعی می کنند با مطالب متنوع و متفاوت، نقش خود را در قالب های مختلف و به عنوان یکی از روش های «آگاه سازی» ایفا کنند. در این گزارش نگاهی اجمالی به وضعیت کتاب های منتشر شده در حوزه اعتیاد و مواد مخدر داریم.

حمایتی که نیست!

«کتاب هایی که در حوزه اعتیاد منتشر می شوند، با نوعی بی مبری از سوی مسوولان و دست اندرکاران حوزه پیشگیری و درمان کشور روبه رو می شوند.» مدیرمسئول انتشارات جامعه نگر با بیان این مطلب به لزوم توجه به آثار منتشر شده در این حوزه تاکید می کند و می گوید: «اکنون، مراکز دولتی و خصوصی بسیاری در حوزه مبارزه با اعتیاد مشغول به کارند و می توانند در تهیه و تولید مطلب، همچنین انتشار کتاب با این موضوع همکاری داشته باشند، اما متأسفانه همکاری لازم بین آنها وجود ندارد.»

مرتضی زینلی ادامه می دهد: «در حالی که موضوع اعتیاد، برای نگارش و تبدیل شدن به کتاب ظرفیت های بسیاری دارد، اما کتاب های منتشر شده در این حوزه بسیار محدودند.»

کتاب های حوزه اعتیاد در یک تقسیم بندی، به دو قسمت علمی - تخصصی و عمومی تقسیم می شوند. زینلی در این باره معتقد است: «کتاب های علمی - تخصصی، اغلب مرجعی تخصصی برای روانشناسان، پزشکان و متخصصان درمان و ترک اعتیاد است، آثاری که دربردارنده مفاهیم علمی و کاربردی برای دست اندرکاران این حوزه به شمار می آیند و کتاب های حوزه عمومی که اغلب اطلاعاتی درباره راهکارهای پیشگیری و مراقبت های پس از ترک را شامل می شوند.»

اعتیاد به مواد مخدر، یکی از بیماری های قابل برگشتی است که برنامه ریزی برای جلوگیری از ابتلای دوباره فرد را به آن طلب می کند. وی در این باره می گوید: «تهیه و انتشار کتاب اطلاعات پزشکی عمومی در حوزه اعتیاد، یکی از نیازهای اساسی در این زمینه به شمار می آید؛ نیازی که متأسفانه از سوی کارشناسان، نویسندگان و مترجمان این حوزه نادیده گرفته می شود.» مدیرمسئول انتشارات رسانه تخصصی نیز که پیش از ۱۰ عنوان کتاب در حوزه اعتیاد منتشر کرده، با بیان این جمله که «کتاب های حوزه اعتیاد منتشر می شوند اما به اندازه کافی نیستند» می گوید: «در این حوزه، کتاب های متنوعی منتشر شده اند، اما برخی آثار با توجه به مخاطبانشان، کاربرد ندارند.»

محمد رضا آشتیانی با طرح این سوال که آیا کتاب های موجود، به در دام افتادگان اعتیاد کمک می کند؟ ادامه می دهد: «کتاب در حوزه های تخصصی و عمومی پیشگیری، تا حدود زیادی وجود دارد؛ اما برای افراد معتاد، کتاب های بسیار محدودی وجود دارد، در حالی که یکی از نیازهای اساسی در این حوزه به شمار می آید.»

انتشار کتاب اطلاعات پزشکی عمومی در حوزه اعتیاد، یکی از نیازهای اساسی به شمار می آید؛ نیازی که متأسفانه از سوی کارشناسان، نویسندگان و مترجمان این حوزه نادیده گرفته می شود

گزارشی درباره کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه‌ای برآمده از دل تاریخ



است. میزان مراجعه نمایندگان به این کتابخانه از بدو تاسیس، قابل قبول بوده است و با توجه به این که ما به شکل مجموعه‌ای بسته، خدمات و سرویس ارائه می‌کنیم، جامعه آماری افراد مراجعه‌کننده به کتابخانه ویژه نمایندگان حدود ۲۹۰ نفر است که انتظار می‌رود این مراجعات افزایش چشمگیری داشته باشد.»

وی میزان مراجعات به این بخش را به طور میانگین سه تا چهار مورد در روز می‌داند و معتقد است سال ۸۵ که کار اصلی این مرکز شروع شد، حدود ۳۰۰ نفر به این کتابخانه مراجعه کردند و سال ۸۶ این رقم دو برابر شد. سال ۸۷ نیز ۹۰۰ بار به این کتابخانه مراجعه شده و تا پایان اسفند ماه سال گذشته نمایندگان ۱۵۰۰ بار به این محل مراجعه کرده‌اند.

این مجموعه با شش دستگاه رایانه و چهار چاپگر سعی می‌کند خدمات مورد نیاز نمایندگان را در اسرع وقت در اختیارشان قرار دهد و در صورتی که کتاب مورد نیاز نمایندگان در این مجموعه نباشد، مسوول کتابخانه، آن کتاب را از کتابخانه اصلی مجلس شورای اسلامی برای نمایندگان تهیه می‌کند و به آنها امانت می‌دهد.

از دیگر فعالیت‌های کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس می‌توان به تهیه مجموعه‌های تاریخی و سیاسی مرتبط با حوزه فعالیت‌های کتابخانه مجلس اشاره کرد. در این زمینه نیز علاقه‌مندان و مجموعه‌دارانی که نسخه‌های ارزشمندی دارند و می‌خواهند از این آثار به نحوه مناسبی نگهداری شود و اطلاعات آنها در اختیار عموم پژوهشگران و محققان قرار گیرد، با اهدای مجموعه‌های خود یا فروش آنها به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، در راه حفظ و نگهداری از این آثار گام برمی‌دارند.

گفتنی است بخش اسناد این مرکز علاوه بر کتاب‌های تاریخی، اسناد، مدارک، قراردادهای و ... تصاویر مربوط به دوره‌های گوناگون یا شخصیت‌های تاریخی را نیز گردآوری کرده و آنها را به صورت مقاله یا کتاب در اختیار جویندگان قرار می‌دهد.

احسان الله شکرالهی، مدیر روابط عمومی کتابخانه مجلس شورای اسلامی در این باره می‌گوید: «تمامی پژوهشگران، محققان، دانشجویان و علاقه‌مندان به استفاده از منابع موجود در این کتابخانه پارلمانی می‌توانند تنها با در اختیار داشتن کارت ملی و ارائه آن، از تمامی خدمات این مجموعه بهره‌مند شوند.»

وی هدف اصلی این مجموعه را حفظ و نگهداری از اسناد و مدارک رخدادهای تاریخی می‌داند و معتقد است: «استفاده از صاحب نظران و پژوهشگران در رشته‌های گوناگون بخش‌های مختلف این کتابخانه، از عمده فعالیت‌هایی است که از زمان انتخاب رئیس جدید کتابخانه مجلس شورای اسلامی مورد توجه خاص قرار گرفته است.»

این کتابخانه علاوه بر مخاطبان خاص، مخاطبان عامی نیز دارد که در جستجوی پاره‌ای از تاریخ ایران به این مکان پامی‌گذارند و بعید به نظر می‌رسد با راهنمایی‌های مسوولان کتابخانه، دست خالی بازگردند. مسوولان این کتابخانه اعتقاد دارند در صورتی که اثر و کتاب مورد نیاز مراجعان اعم از متخصصان حوزه‌های گوناگون یا دیگر مخاطبانی که در پی اطلاعاتی کلی اند در این مکان قابل دسترسی نباشد، آنها را به مراکز یا کتابخانه‌های مرتبط ارجاع می‌دهند تا در کمترین زمان ممکن نیاز خود را برطرف سازند.

مرکز می‌گوید: «در این بخش کار اسکن منابع خطی با هدف حفظ و نگهداری از آثار و اسناد باقیمانده از دوران‌های گوناگون تاریخی با سرعت بالایی انجام می‌شود و تاکنون نزدیک به ۱۰ هزار نسخه از اسناد و کتاب‌های این مجموعه اسکن شده‌اند.»

در بخش خطی کتابخانه مجلس هم حدود ۲۵ هزار جلد کتاب وجود دارد که ۱۲ هزار جلد از آنها فهرست‌بندی شده‌اند. اکنون گروهی متشکل از ۱۲ نفر از فهرست‌نویسان ماهر کشور به فهرست‌کردن نسخه‌ها و اسناد خطی این مرکز می‌پردازند و پیش‌بینی می‌شود در آینده نزدیک تمامی کتاب‌های فهرست‌شده و نشده کتابخانه، تجدید چاپ شوند و اطلاعات آنها در اختیار علاقه‌مندان و مراجعان به کتابخانه قرار گیرد.

کتابخانه انقلاب اسلامی این مرکز که چند ماه از افتتاح آن می‌گذرد، در حال تکمیل مجموعه آثار و کتاب‌هایی است که از سال‌های ۱۳۴۰ تاکنون به نوعی با شکل‌گیری و ایجاد انقلاب اسلامی در ارتباط بوده‌اند و ارائه اطلاعات این مجموعه پس از رسیدن میزان این کتاب‌ها به حد معینی امکان‌پذیر خواهد بود.

اگرچه این بخش اکنون نیز به پژوهشگران این حوزه خدمات مناسبی ارائه می‌کند اما مسوولان آن عقیده دارند کتاب‌های مرتبط با انقلاب اسلامی، که حتی اکنون نیز در حال تألیف و انتشارند، فضایی بیش از آنچه اکنون به این بخش اختصاص داده شده می‌طلبند. آنها امیدوارند پس از تکمیل مجموعه کتاب‌های بخش انقلاب اسلامی و انتقال به ساختمان اصلی، که قرار است کتابخانه به آنجا منتقل شود، این مجموعه آن‌گونه که شایسته است، در دل دیگر آثار کتابخانه مجلس بدرخشد.

همان‌طور که از مجلس به عنوان خانه ملت یاد می‌شود، کتابخانه مجلس نیز علاوه بر سایر بازدیدکنندگان، خدماتی را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه می‌دهد و در راستای دستیابی به این هدف کتابخانه‌ای در فاصله کمی از صحن علنی مجلس شورای اسلامی برپا شده است تا نیازهای فوری و دیگر احتیاجات فرهنگی نمایندگان مردم در کمترین زمان ممکن برطرف شود.

در این زمینه کیانوش بیانی، کتابدار کتابخانه ویژه نمایندگان در مجلس شورای اسلامی و تنها مسوول این بخش می‌گوید: «هدف اصلی از تأسیس این بخش، تسهیل دسترسی نمایندگان به کتابخانه و کتاب

اعتصامی (اعتصام الملک) آغاز شد و باریاست افرادی نظیر ابراهیم شریفی، دکتر تقی تفضلی، فخری راستکار، محمد شهدادی، عبدالحسین حائری، غلامرضا فدایی عراقی و محمدعلی احمدی ابهری ادامه داشت اما سال قبل این سمت به حجت‌الاسلام دکتر رسول جعفریان واگذار شد.

حجت‌الاسلام رسول جعفریان، از تاریخ‌شناسان، مدرسان و پژوهشگرانی است که در زمینه تاریخ معاصر و تاریخ اسلام تألیفات فراوانی دارد و از بدو ورود خود به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تغییرات فراوانی را در ابعاد گوناگون فعالیت‌ها و بخش‌های خدماتی و اطلاع‌رسانی این مرکز انجام داد به گونه‌ای که برخی بخش‌ها و فعالیت‌ها را که پیش از این در حالت تعلیق به سر می‌بردند سامان بخشید.

این کتابخانه که در جوار مجلس شورای اسلامی قرار دارد، از بخش‌ها و قسمت‌های گوناگونی شکل گرفته است که از آن‌ها می‌توان به مرکز پژوهش‌های این کتابخانه، که در ساختمانی مستقل در خیابان فروردین قرار دارد، اشاره کرد. سازمان انتشارات، بخش کتابخانه انقلاب اسلامی، کتابخانه ایران‌شناسی، بخش فراهم‌آوری کتاب‌ها و منابع کتابخانه مجلس و بخش مخزن، از دیگر قسمت‌های این کتابخانه پارلمانی به شمار می‌روند.

مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی از بخش‌های اصلی و پرکار این کتابخانه است که با در اختیار داشتن آرشیو اسناد مجلس شورای ملی و مجلس سنای سابق، از غنی‌ترین آرشیوهای پارلمانی محسوب می‌شود.

این بخش با واگذاری بایگانی راکد مجلس در سال ۱۳۷۲ به طور رسمی تاسیس شد. پیش از این تاریخ، در کتابخانه با اسناد مانند کتاب‌های خطی برخورد می‌شد؛ یعنی اسناد را در دفتر ثبت و در مخزن خطی نگهداری می‌کردند، اما اکنون اسناد دریافتی در مخزن اسناد نگهداری و بر اساس اولویت‌های تعیین‌شده، فهرست‌نویسی می‌شوند. مهمترین اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه اسناد ملی است که در واقع تاریخ قانون‌گذاری ایران را دربرمی‌گیرد و شامل دوازده میلیون سند است.

سهراب یکه‌زارع، مسوول بخش خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در زمینه نگهداری و ارائه اطلاعات اسناد و نسخ خطی این

یک قرن و یک سال پیش، محمدعلی شاه، که به دشمن سرسخت دموکراسی و حکومت پارلمانتاریستی در ایران مشهور است، مجلس شورای اسلامی را به توپ بست تا علاوه بر نابودی مجلس و ایجاد رعب و وحشت در دل نمایندگان و مردم، تمامی اسناد و مدارک موجود در آن را از میان بردارد، غافل از آن که حافظه ملت ایران نه‌با به توپ بسته شدن و زور، بلکه با هیچ‌تر فند دیگری پاک نخواهد شد. وجود اسناد، مدارک، تصاویر و تابلوهای برجای مانده از این دوره تاریخی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مصداقی بر این مدعا است.

این روزها، یعنی یک قرن پس از چنین واقعه‌ای، کتابخانه مجلس شورای اسلامی تصمیم دارد موزه آثار و اسناد برجای مانده از دوره مشروطه نظیر تابلوهای نقاشی، تصاویر چهره نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی، اسناد و مدارک را افتتاح کند و آن را باردیگر در معرض دید پژوهشگران تاریخ و اندیشه ایرانیان قرار دهد.

علی ططری، رئیس مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی از فعالیت‌های این مرکز درباره این دوره تاریخی می‌گوید: «از سال گذشته تاکنون طرح‌های پژوهشی فراوانی در زمینه بررسی، استخراج اطلاعات و تصحیح اسناد باقیمانده از دوره‌های نخستین مجلس شورای ملی انجام داده‌ایم که از آن‌ها می‌توان اسناد آذربایجان، اسناد زنان، اسناد مطبوعات، اسناد بازرگانان و پیشه‌وران، اسناد دوره دوم مجلس شورای ملی و ... را نام برد که نتایج این مجموعه تحقیقات در قالب مقاله و در نهایت به صورت کتاب در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار می‌گیرد تا حلقه‌های مفقوده تاریخ را به یکدیگر پیوند دهند.»

یکی از این اقدامات که هم‌زمان با سالروز به توپ بسته شدن مجلس به بار می‌نشیند، رونمایی و معرفی کتاب «اسناد دوره اول شورای ملی» است که به همت مسعود کوهستانی نژاد تهیه و تدوین شده است.

درباره تاریخچه تأسیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، می‌توان گفت که طرح تاسیس کتابخانه مجلس در سال ۱۳۷۸ خورشیدی به مجلس شورای ملی ارائه شد و در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۷ به تصویب رسید. مراحل مقدماتی تاسیس، تهیه کتاب‌ها و ایجاد کتابخانه نیز توسط نماینده وقت زرتشتیان، ارباب کیخسرو انجام شد.

در ابتدا، کتاب‌ها در دو اتاق کوچک نگهداری می‌شدند اما بعدها (سال ۱۳۰۲) به کتابخانه مجلس، که برای همین کار آماده شده بود، انتقال یافتند و در سال ۱۳۰۴، این کتابخانه به طور رسمی افتتاح شد. پس از مدتی در قسمت جنوبی باغ بهارستان (مجلس) کتابخانه مجهزی ساخته و کتابخانه قبلی به آنجا منتقل شد.

این روند همچنان ادامه داشت تا این که چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کتابخانه تعطیل شد و تا دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این تعطیلی ادامه داشت. در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ کتابخانه به دستور امام خمینی (ره) بازگشایی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بخش تعمیر و صحافی نیز به کتابخانه اضافه شد و تا سال ۱۳۷۴ به فعالیت خود ادامه داد.

سال ۱۳۷۴ اساسنامه‌ای در مجلس تصویب شد که بر اساس آن، کتابخانه مجلس به موسسه‌ای مستقل با نام «کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی» تغییر یافت. ریاست کتابخانه مجلس از سال ۱۳۰۵ با یوسف



همراه با کتابفروشی و انتشارات طهوری از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۸۸

روزگار سپری شده کتابفروشی سالخورده



خیابان سالخورده انقلاب، مثل خانه ای قدیمی و فرسوده اما با ارزش، هنوز جذابیت های پنهانش را از دست نداده و هر گوشه اش حکایتی برای بازگفتن دارد. از دستفروشی های گرفته که به جای جنس های بنجل، کتاب های نایاب به مشتری هایشان تعارف می کنند تا کتابفروشی هایی که سال ها است دست در گردن پیاده رو انقلاب انداخته اند و رایحه خوش کتاب را در هوای اینجا پخش کرده اند.

یکی از این کتابفروشی ها که اهل کتاب، نامش را مثل رمزی مهم در ذهنشان حک کرده اند، کتابفروشی و انتشارات طهوری است. سال ۱۳۳۲ بود که عبدالغفار طهوری کرکره این کتابفروشی را جایی در خیابان ملت بالا کشید و بعدها در سال ۱۳۴۳ به خیابان انقلاب رویه روی دانشگاه تهران منتقلش کرد.

حالا چندسالی می شود که دیگر عبدالغفار طهوری پشت پیشخوان نمی ایستد و با هر نفس بوی کتاب های کتابفروشی اش را استشمام نمی کند. این روزها پسرش احمد رضا طهوری چرخ یکی از قدیمی ترین کتابفروشی های تهران را می گرداند.

کتابفروشی طهوری فقط یک اسم نیست، بلکه تاریخی است که ما را به نام ها، کتاب ها و نویسندگان زیادی گره می زند.

از کتابخانه تا کتابفروشی

خیابان ۱۲ فروردین را که رد می کنی و از نیزه های داغ آفتاب به خنکای سایه پیاده روی انقلاب پناه می بری، ویتترین کم و بیش کهنه کتابفروشی طهوری نظرم را جلب می کند. وارد که می شوم، کتاب ها آفاق تا آفاق نگاهم را می پوشانند. تا چشم کار می کند و تا آنجایی که دیوار بالا رفته، کتاب ها هم همراه قفسه ها بالا رفته اند. احمد رضا طهوری را که مشغول تورق روزنامه ای است، غافلگیر می کنی و حکایت یکی از قدیمی ترین کتابفروشی های پایتخت را از زبان او می شنویم: «پدرم کتابخانه طهوری را سال ۱۳۳۲ در میدان بهارستان، اول خیابان ملت باز کرد. آن وقت ها هنوز خیابان انقلاب، راسته کتابفروشی ها نشده بود و اهل این صنف در خیابان شاه آباد سابق جمع شده بودند. حتما می پرسید چرا می گویم کتابخانه طهوری؟ چون اکثر کتابفروشان قدیمی مثل مستوفی، منوچهری، زوار، سنایی و چندتایی دیگر که البته تعدادشان هم زیاد نیست، این اسم را انتخاب کرده بودند. عشق و علاقه به کتاب باعث شده بود آنها این کار را اقتصادی ببینند و به فکر سود و منفعت. آن طور که حالا رسم است. نباشند.»

او می گوید: «پدرم وصیت کرده بود اسم کتابخانه را هیچ وقت عوض نکنیم. اگر نگاه کنی تا دو سه سال پیش هم نشان ما کتابخانه طهوری بود و روی کتاب ها هم همین اسم درج می شد، اما به دلیل تفکیک این عنوان ها از هم، اجازه استفاده از نام کتابخانه به ما داده نشد.»

بوی کتاب مثل هوای تازه

احمد رضا طهوری از روزهایی می گوید که کتابفروشی به خیابان انقلاب منتقل شد: «به هر حال، سال ۱۳۴۲ اندیم خیابان انقلاب. فکر می کنم چهارمین کتابفروشی بودیم. پیش از ما کتابفروشی های «چهره»، «دانشجو» و «دهخدا» کرکره هایشان را بالا کشیده بودند. آن روزها تا ۱۰ شب به امید این که یک مشتری رد شود، باز می ماندیم. آن سال ها محدود صنفی ما ۱۰۰ متر بود. کتابفروشی های بعدی که می آمدند، باید از ما اجازه می گرفتند که مثلا کتابفروشی شان را ۲۰ متر آن طرف تر باز کنند. یادم هست سال های ۵۷-۵۶ دوران طلایی کتابفروشی های راسته خیابان انقلاب بود. سه ماه مانده به پیروزی انقلاب هم، تمام کتابفروشی ها بسته بودند. از ابتدای خیابان ۱۶

آذر تا خیابان وصال شیرازی، راه را گاردی ها بسته بودند.»

احمد رضا طهوری غبار خاطرات سال های دور را پس می زند و پدرش را به یاد می آورد که جمعه ها، دم در کتابفروشی می ایستاد و بوی کتاب مثل هوای تازه برایش بود: «این که می گویند فلانی خاک کتاب خورده، واقعا صحت دارد. قدیم ها که ماشین های صحافی، حرفه جینی و... دیجیتالی نبود، چاپخانه ها فضای سرب آلودی داشتند. حروف سربی ریز ریز را کنار هم می چیدند و صفحه بندی می کردند. پدرم فرم های چاپ شده را می آورد خانه و با هم فرم ها را ورق به ورق با دست تا می کردیم و می فرستادیم صحافی تا دوخت بزنند، جلد بچسبانند و بعد تحویلیمان دهند. در حقیقت بعضی از مراحل کار در خانه خودمان و به دست پدرم و اعضای خانواده سر و سامان داده می شد.»

نمایشگاه کتاب: نجات دهنده ناشران

این روزها کتابفروشی ها تغییر چهره داده اند. به هر شکل خودشان را بزک می کنند و برخی نیز در کنار کتاب، نوشت افزار هم می فروشند و هر کتابی سطحی و عامه پسندی را در ویتترین می گذارند تا فروششان را بالا ببرند. اما کتابفروشی هایی هم هستند که در برابر این موج مقاومت می کنند و بر این عقیده اند که باید اصالت ها و ریشه هایشان را حفظ کنند و اسیر تب بازار نشوند.

احمد رضا طهوری در این باره می گوید: «این ایراد را به ما هم می گیرند که چرا سیستم کتابفروشی مان را مثل بقیه نوسازی نکردیم، اما من این کتابفروشی ها را موفق نمی دانم. ممکن است گاهی که می کارند، بلند باشد، ولی ریشه اش عمیق نیست. به قول پدرم «فیل هم بزرگ است اما باید دید به درد چه کاری می خورد.» ما مشتری های خودمان را داریم. هنوز مشتری های قدیمی ما حتی از آمریکا، انگلیس و ژاپن، کشورهای دیگر که به ایران

پسر، کپی برابر اصل پدر

علی مهدی زاده: سید عبدالغفار طهوری در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در شهرستان خلخال دیده به جهان گشود. پدرش از عالمان دینی بود که بیش از ۲۵ سال از عمرش را در مکاتب علمی و حوزوی از جمله در مدرسه عالی سپهسالار تهران (شهید مطهری) کسب دانش کرد و سپس در خلخال به تدریس پرداخت.

عبدالغفار طهوری دوران کودکی و نوجوانی را در همان شهر زیر نظر پدر و در پرتو تعلیمات او گذراند و سپس راهی تهران شد. او در این شهر چند شغل را تجربه کرد، اما هیچ یک را موافق طبع خود نیافت تا این که نزد یکی از ناشران و کتابفروشان معتبر به نام نورالله ایرانپرست - فرزند مرحوم محمد علی داعی الاسلام، مولف کتاب معتبر فرهنگ نظام - که مردی دانشمند به شمار می رفت و مدیریت کتابخانه دانش را بر عهده داشت، به کار پرداخت. این کتابخانه که محل عرضه و فروش متون کهن ادب فارسی، نسخه های خطی و چاپ سنگی بود، محل گرد همایی فرهیختگان و دانشمندی چون استادان عباس اقبال آشتیانی، بدیع الزمان فروزانفر، ملک الشعرای بهار، قاسم غنی، پرویز ناتل خانلری، عبدالحسین زرین کوب، محمد معین و... به شمار می رفت.

مرحوم طهوری از مصاحبت و مراتب فضل و کمال ایشان بهره ها برد، چنانچه خود در مقاله ای با عنوان «استاد استادان» در مجله کلک (شماره ۱۱-۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۹) از آن سال ها و علم اندوزی از محضر این استادان می گوید. طهوری چندی بعد، از کتابخانه دانش بیرون آمد تا به شکل مستقل ادامه فعالیت دهد. ابتدا حجره کوچکی اجاره کرد و بعد مغازه ای در خیابان ملت گرفت. او کتاب را کالا و خود را فروشنده نمی دانست، بلکه به آن عشق می ورزید، به همین دلیل نام مغازه خود را کتابخانه نامید.

جالب آن که از همان آغاز، مغازه اش مجمع اصحاب فرهنگ و زبان و ادبیات ایران زمین به حساب می آمد.

طهوری، نخستین کتاب خود را با نام «تذکره الملوک» در همین هنگام با کوشش استاد محمد دبیر سیاقی زیر چاپ برد و سپس سلسله «انتشارات زبان و فرهنگ ایران» را بنیان نهاد و آثار استادانی چون مرحوم پورداوود، سعید نفیسی، جلال الدین همایی، عباس اقبال آشتیانی، دکتر محمد دبیر سیاقی و دکتر مهدی محقق را منتشر کرد.

وی در سال ۱۳۴۳ به خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران آمد و تا پایان عمر در همان جا به چاپ و نشر متون با ارزش فرهنگ ایران و به ویژه عرفان و تصوف، اهتمام ورزید.

مرحوم طهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کار کتابشناسی که به حق در آن استاد بود، پرداخت. اگرچه شمار کتاب های انتشار یافته توسط آن مرکز چندان چشمگیر نبود، اما آن مرحوم در طول نیم قرن فعالیت فرهنگی اش، دست به تجدید نظر در افکارش نزد و تغییر مسیر نداد. او تا پایان عمر، خود را خادم کتاب می دانست به صورتی که در سال ۱۳۷۲ (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی مراسمی از وی تجلیل به عمل آورد.

سرانجام، این انسان دردمند و صاحب فرهنگ و ناشر کتاب های تاریخ ایران در آذرماه ۱۳۷۴ در سن ۷۲ سالگی جان به جان آفرین سپرد و به سوی معبود شتافت.

باز می گردند، سری به طهوری می زنند. جالب است بدانید سال پیش کنگره زبان فارسی که در تهران برگزار شد، مسوول کنگره به مهمانان خارجی گفته بود کتاب های مورد نظرتان را می توانید فقط در چند کتابفروشی پیدا کنید که یکی از آنها طهوری است. آنانی که اهل کتابند، از قفسه های شمامی می توانند بفهمند کتابفروشی تان معتبر است یا نه؟»

البته طهوری اعتراف می کند که این روزها دخل و خرج چندان با هم جور در نمی آید و آنها هم مجبور شده اند بعضی از کتاب ها را با وجود عدم تمایلشان، پشت ویتترین بگذارند.

او می گوید: «در چرخه کتاب از نویسنده، حرفه جین و مسوول صحافی گرفته تا ناشر و فروشنده، تنها کسی که سود می برد، خواننده است! نویسندگی در ایران حرفه دوم و سوم به حساب می آید. هیچ ناشری هم از پول کتاب نه ویلایی خریده نه ماشینی و نه... مگر این که آدم سرمایه داری باشد. الان ما به طور مستقیم برای چاپ کتاب سرمایه گذاری می کنیم. در واقع کتابفروشی ما انتشارات را می چرخاند. برای همین نمایشگاه کتاب نعمت و نجات دهنده ناشرهاست. الان فاکتورهای ما موجود است که ۳۵ درصد به موزعان پرداخت می کنیم. این تقریبا نصف سود است. حالا شما بقیه هزینه ها را هم حساب کنید. سهم ناشر در خوشبینانه ترین شکل و با در نظر گرفتن فروش رفتن کتاب، در چاپ اول ۲۰ تا ۲۵ درصد و در چاپ دوم که دیگر هزینه حرفه جینی و... وجود ندارد، ۳۰ درصد است. ما سالی ۱۵ تا ۱۰ کتاب چاپ یا تجدید چاپ می کنیم و روزانه هم چیزی حدود ۱۵۰ کتاب می فروشیم.»

نسلی که به تاریخ پیوستند

«درم داران عالم را کرم نیست/ کرم داران عالم را» درم نیست» این شعری است که همیشه عبدالغفار طهوری با خودش زمزمه می کرد و شاید همین شعر باعث شده بود که او دنبال هدف دیگری از تاسیس انتشارات و کتابفروشی طهوری باشد و شاید همین نگاه و عقیده باعث شده بود که او به دانشجویان کتاب قسطی بفروشد و بعضی وقت ها حتی مجانی به آنها کتاب بدهد.

دکتر مریم میراحمدی و دکتر قاسم انصاری، همان دانشجویانی بودند که حالا استادان بنام دانشگاهند و کتاب هایشان را به پاس محبت های عبدالغفار طهوری، بدون حق التألیف در این انتشارات به چاپ رساندند. حالا دیگر کمتر کتابفروشی ای را می توان سراغ گرفت که با مشتریانش رابطه ای به این شکل داشته باشد. انگار باید گفت نسلی از کتابفروشان به تاریخ پیوستند که دیگر مانند شان نخواهد آمد.

سال ۱۳۳۲ بود که عبدالغفار طهوری کرکره این کتابفروشی را در خیابان ملت بالا کشید و بعدها در سال ۱۳۴۳ به خیابان انقلاب رویه روی دانشگاه تهران منتقلش کرد



مؤلف کتاب برگ‌هایی از داستان:

موسیقی جهانی ریشه در ایران دارد

که از زمان پیش از اسلام وجود داشته‌اند و زیربنای موسیقی قرآنی را تشکیل می‌دهند.

بر اساس پژوهش‌های شما در این کتاب، دوره‌های اوج و افول موسیقی ایران چه دوره‌هایی هستند؟ اوج موسیقی ایران، اواخر دوره ساسانی است. در زمان حکومت خسرو پرویز موسیقیدانان معروف آن دوره، باربد، نکبسا، رامتین، سرکش، بامشاد و آزادوار چنگی را می‌توان نام برد. به عقیده من دلیل پیشرو بودن موسیقی ایران در آن دوره، اولاً گستره سرزمینی ایران، قدرت دربار ساسانی و ثروتی است که در آن حکومت انباشته شده بود و در ثانی، توجه مردم ایران آن دوره به موسیقی و اعتلای آن کمک بسیاری کرده بود.

اگر به زمینه‌های تاریخی مراجعه کنیم، در می‌یابیم که در زمان بهرام گور موسیقیدانان چندان در ایران فعال نبوده‌اند، تا جایی که او برای محافل خود، از هند موسیقیدانان را به ایران دعوت می‌کرد.

با ورود اسلام به ایران، موسیقی ما بین عرب‌ها رایج شد. کانون‌هایی در مکه، مدینه، بغداد و دمشق به وجود آمدند؛ یعنی دربار اموی و عباسی آن زمان، بعد از آن این موسیقی به اسپانیا رفت و در اندلس اسلامی و اسپانیای امروزی رشد پیدا کرد. ژان دورینگ پژوهشگر و موسیقیدان فرانسوی، زمانی به ایران آمد و در تالار وحدت، تمامی دستگاه‌های موسیقی ایرانی را با سازی که خودش ساخته بود نواخت. او در جواب این که آیا این دستگاه‌ها هنوز در موسیقی فرانسه مورد استفاده قرار می‌گیرند گفت که موسیقی مقامی فرانسه، دقیقاً در همین دستگاه‌ها بوده است و او در حال بازسازی دوباره آنهاست.

اوضاع پژوهش‌های حوزه موسیقی را چطور ارزیابی می‌کنید و فکر می‌کنید در حوزه تالیف تا چه حد تأثیرگذار بوده‌ایم؟

فعالیت‌های تأثیرگذار و مثبتی در سال‌های اخیر در زمینه موسیقی ایرانی صورت گرفته است و اساتیدی نیز با ایجاد گروه‌های موسیقی و تربیت هنرجویان قدم‌های مثبتی برای حفظ و اعتلای موسیقی برداشته‌اند. کسانی چون استاد شجریان با ایجاد گروه‌هایی برای احیای موسیقی مقامی و محلی و افرادی چون محمدرضا لطفی با انتشار کتاب سال‌شیدا را می‌توان به عنوان نمونه نام برد. همچنین پژوهش‌هایی در زمینه موسیقی ایرانی انجام شده و مولفان هم به این حوزه توجه بیشتری نشان داده‌اند.



کشورهای جهان، در دستگاه ماهر ماست. اکنون دستگاه ماهر ایرانی به عنوان یک دستگاه حماسی شناخته می‌شود و تأثیری بسیار عمیق بر موسیقی جهان گذاشته است.

اوضاع موسیقی امروزمان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا ما هم از دیگر کشورها تأثیر پذیرفته‌ایم؟

موسیقی ایرانی از نظر معنویت و قدمت بی‌نظیر است، اما موسیقی ما با ورود ژانرهای ضعیفی از موسیقی کشورهای دیگر دچار مشکل شده است و به‌عبارتی با همان مشکل تهاجم فرهنگی روبه‌روست. دلیل دیگر نزول موسیقی ایرانی، کم‌توجهی مسئولانی است که در این زمینه فعالند. البته اگر تأثیر موسیقی اصلی را در موسیقی ایران امروز می‌دیدیم، می‌توانستیم به آینده آن امیدوار باشیم، اما متأسفانه آنچه از موسیقی غربی در ایران می‌بینیم، شکل منحرف و بی‌مایه آن است.

در خوانش قرآن و آنچه الحان قرآنی نامیده می‌شود، موسیقی اصیل ایرانی تا چه حد تأثیرگذار بوده؟ تأثیر موسیقی عربی در این زمینه بیشتر بوده یا موسیقی ایرانی؟

موسیقی قرآنی در هفت دستگاه تلاوت می‌شود. صبا، نهاوند، عجم، بیات، سه‌گاه، حجاز و راست. این دستگاه‌ها همه دربرگیرنده موسیقی ایرانی هستند.

ماندولین است که ایتالیایی‌ها سازنده اصلی آن هستند. مشاهده می‌کنید که ساز ایرانی بریط، چه تأثیر عمیقی بر موسیقی جهان گذاشته است. از این موارد بسیار است و نمونه دیگرش ساز چنگ است که در موسیقی هزار سوم قبل از میلاد بین‌النهرین آثاری از ظهور آن دیده‌ایم و علاوه بر این یکی از سازهای اصلی کلیسایی در جهان است و به تمامی کشورهای جهان رفته است.

یکی از نکات دیگری که شما در کتاب به آن اشاره کرده‌اید، تأثیر گام‌های موسیقی ایرانی بر موسیقی اروپا است. لطفاً در این باره توضیح دهید.

در سراسر موسیقی اروپا و آمریکا، دو گام بزرگ یا ماژور و کوچک یا مینور وجود دارد. گام ماژور همان ماهر ایران است و گام مینور با دستگاه همایون و مایه اصفهان ما برابری می‌کند. همچنین به گفته استاد علینقی وزیری کل موسیقی اروپا را می‌شود در دستگاه ماهر نواخت. اما ما هفت دستگاه موسیقایی داریم، در حالی که کل موسیقی اروپا در نهایت با سه دستگاه نواخته می‌شود و به عبارتی ما چهار دستگاه بیشتر از دیگر کشورهای جهان جای مانور داریم. این در حالی است که ما با هفت دستگاه اصیل، در موسیقی زمینگیر شده‌ایم. نکته قابل توجه دیگر این که تمامی سرودهای ملی

دکتر حسن رضا رفیعی گرچه فارغ‌التحصیل رشته مدیریت آموزشی است، اما در آخرین اثر خود سعی در توضیح سرگذشت موسیقی ایران و تأثیر آن بر موسیقی جهان دارد. این اثر، بهانه گفت‌وگوی ما درباره گذشته موسیقی ایران و کتاب تازه منتشر شده اوست.

لطفاً در باره طرح جلد کتاب توضیح دهید و این که ادعای وجود موسیقی اصیل ایرانی در شش هزار سال پیش به شیوه امروزی تا چه حد قابل قبول است؟

طرح جلد کتاب، مستندترین تصویری است که گویای قدمت موسیقی ایرانی است. بر اساس مستندات تاریخی سال ۱۳۴۹، دلگاز استاد باستان‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا که سرپرستی حفاری‌ها در تپه چغامیش را برعهده داشت، این تصویر را روی لوحی سفالی متعلق به چهار هزاره پیش از میلاد مشاهده کرد. کاوشگران متعجب بودند که چگونه از تمامی مجموعه‌های موسیقی دنیا در آن دوره استفاده می‌شده است.

سازهای جهان در سه دسته اصلی بادی، ضربی و زهی یا تار قرار می‌گیرند که با توجه به این لوح می‌توان گفت ۶ هزار سال پیش در ایران، موسیقی پیشرفته‌ای در حد ارکسترهای امروزی وجود داشته است. البته بعد از این نیز، کاوش‌هایی در بین‌النهرین، ملایر، تخت جمشید و هفت تپه خوزستان از قدمت موسیقی ایران خبر می‌دهد.

شما در فصل دوم کتاب درباره تأثیر موسیقی ایرانی بر موسیقی جهانی نوشته‌اید. این تأثیرات را چگونه می‌بینید؟

اکثر سازهای موسیقی اروپایی، ریشه در موسیقی ایران دارند. برای مثال ما سازی داشتیم به اسم بریط که نامش برگرفته از نام باربد موسیقیدان معروف ایرانی است. این ساز در موسیقی غربی عود و در اروپایی لوت، روت، لیوتو نامیده می‌شود. در روسیه بالالایکا، در چینی پی‌پا و در ژاپنی پی‌وا نامیده می‌شود و یونانی‌ها هم این ساز را باری توس که همان نام باربد را تداعی می‌کند دارند که در اصل همان بریط ایرانی است. همچنین سازی چون عود در سه اندازه بزرگ، متوسط و کوچک در جهان نواخته می‌شود. عود متوسط سی‌ترین است که با گیتار امروز اسپانیا برابری می‌کند و بریط کوچک

معرفی کتاب

نگاهی کوتاه به آخرین اثر حسین حداد

صدها مأخذ در خدمت داستان ایرانی



«مأخذ شناسی توصیفی عناصر داستانی ایرانی» نام آخرین اثری است که از زنده‌یاد حسین حداد به چاپ رسیده است. این کتاب که بر پایه یک پژوهش گروهی و با نظارت این پژوهشگر گردآوری و چاپ شده، مجموعه‌ای است از گفتارهای کوتاه و مقالات و مصاحبه‌های بسیار که در سه فصل ادبیات داستانی متون کهن، ادبیات داستانی متون دینی و ادبیات عامیانه گردآوری شده است.

مأخذشناسی توصیفی عناصر داستان ایران، با نام فردوسی آغاز می‌شود و از زندگی فردوسی گرفته تا نفوذ او در جامعه ایرانی سخن می‌گوید و سپس با آوردن مقالاتی کوتاه شاخص‌ترین نظرهای

به اعلام نظر پژوهشگران حوزه ادبیات در مورد آن می‌پردازد. ادبیات عامیانه عنوان آخرین فصل این کتاب است که با مقاله‌ای از محمدجعفر محبوب در معرفی یک کتاب ایرانی آغاز می‌شود و با گفتارهایی درباره افسانه‌های ایرانی پایان می‌پذیرد. این فصل از کتاب به معرفی قصه‌های کهن ایرانی می‌پردازد که بسیاری از آنها حاصل ادبیات شفاهی ایران زمین‌اند که بعدها مکتوب شده و با روایات بسیاری، سرگذشت پیدایش خود را توضیح می‌دهند. ادبیات کودکان نیز سرفصل‌های بسیاری از این بخش را به خود اختصاص داده است و با تفسیرهای بسیاری از مولفان مختلف، به عنوان یکی از فرزندان ادب عامیانه معرفی می‌شود.

«مأخذشناسی توصیفی عناصر داستان ایرانی» مجموعه‌ای است از گفتارهای نزدیک به سیصد تن از پژوهشگران و صاحب‌نظران ادبی که به عنوان بخشی از طرح «بازیابی عناصر داستانی» گردآوری شده است. این طرح به همت کارگاه رمان و قصه حوزه هنری از سال ۱۳۸۰ فعالیتش را آغاز کرده و این کتاب را به عنوان بخشی از فعالیت خود منتشر کرده است.

اساتید ادبیات و پژوهشگران درباره شاهنامه و داستان‌های آن را بیان می‌کند. اما بخش اول این کتاب، گرچه پر است از نام فردوسی، اما به او محدود نمی‌ماند. نظامی، عطار، مولوی، سنایی و دیگر ادیبان ایران کهن، بخش‌های نخستین فصل این کتاب را به خود اختصاص می‌دهند و گردآورندگان کتاب، نه تنها به آوردن توضیحاتی از سرگذشت این ادبا و آثارشان می‌پردازند، بلکه مقالات تحلیلی در خصوص آثارشان، تحلیل شخصیت‌های داستان‌هایشان، نحوه نگرششان به اجتماع، زنان و حتی تطبیق اثرشان با ادبیات دیگر کشورها می‌پردازد.

فصل دوم این کتاب به «ادبیات داستانی و متون دینی» اختصاص دارد. این فصل با تحلیلی از ابراهیم باستانی پاریزی درباره «شخصیت‌های تاریخی در مثنوی معنوی» آغاز می‌شود و سپس به داستان‌هایی در ادب فارسی می‌پردازد که از متون دینی و کتاب قرآن الهام گرفته‌اند، اما این بخش تنها به تحلیل داستان‌های ادبیات فارسی نمی‌پردازد، بلکه بخشی‌هایی چون «هدف‌هاوشیوه‌های داستان‌پردازی در قرآن» را هم به عنوان سرفصل‌های خود طرح کرده و با ذکر منبع،



نگاهی به آثار اقتباس شده سینمایی از آثار نویسنده نامدار انگلیسی

شکسپیر؛ محبوب سینمای هزاره سوم

سینمای جهان از روزهای ابتدایی فعالیت خود همواره با عنصر با اهمیت فیلمنامه روبه رو بوده و البته بسیاری از آثار درخشان تاریخ سینما نیز با استفاده از متون ادبی و داستان های بلند و کوتاه ساخته شده اند. اقتباس، موضوع تازه ای در این برهه از زمان نیست و اتفاقی متداول در سینمای جهان به شمار می آید. بنابراین تعجبی ندارد که هفتاد درصد از حجم فیلم های ارزشمند جهان، برگرفته از ادبیات داستانی کلاسیک و مدرن باشد که البته منحصر به فرهنگ خاصی نیستند و سراسر کره خاکی را دربر می گیرند.

موضوع مورد بحث این مطلب، ساخت فیلم های سینمایی جهان فیلسمازان بر اساس نمایشنامه های «ویلیام شکسپیر» نویسنده فقیه انگلیسی و مداومت و اصرار بر این کار است.

این که اکنون ده پروژه بزرگ جهانی بر اساس آثار این نویسنده قرن شانزدهمی بریتانیا ساخته می شود، به خوبی روشن می سازد که توانایی دراماتیک نمایشنامه های شکسپیر تا چه اندازه است و صداها سال بعد هم می تواند برای مخاطبان مدرنش جذاب باشد و البته شاید این سوال را در ذهن هر مخاطب جدی ادبیات نمایشی و سینما نیز متبادر سازد که آیا ادبیات غرب شاهکار تازه ای برای ارائه ندارد یا مساله چیز دیگری است؟!

شکسپیر هم اقتباس می کرد!

با توجه به تعداد نمایشنامه هایی که هر ساله از شکسپیر به صحنه می آمد، می توان این طور نتیجه گرفت که او نمایشنامه ها را بسیار سریع می نوشته است.

شکسپیر خود نیز طرح های قصه هایش را از تاریخ و افسانه های قدیمی می گرفته است. به عنوان مثال، او نمایشنامه های بسیاری را با اقتباس از کتابی به نام «شرح وقایع انگلستان، اسکاتلند، ایرلند» اثر «هالینشده» نوشته است که از آن جمله می توان به «هانری پنجم»، «ریچارد سوم» و «لیر شاه» اشاره کرد.

از دیگر آثار ویلیام شکسپیر می توان به هملت، اتللو، هانری پنجم، هانری ششم، تاجر ونیزی، آن طور که تو بخواهی، مکبث، رومئو و ژولیت، توفان و تلاش بی ثمر عشق اشاره کرد.

«رومئو و ژولیت» مهم ترین اثر تراژیک و غم انگیز شکسپیر، قرن هاست که به عنوان نماد یک قصه کلاسیک عاشقانه، بارها مورد اقتباس بسیاری از کارگردانان تاریخ تئاتر قرار گرفته است.

اما «هملت» را باید ستاره تابناکی در میان آثار شکسپیر بدانیم، اثری که با فلسفه ای محکم و بازی زبانی قدرتمند، تاثیر گذارترین اثر ادبی تمام دوران اروپا و زبان و ادبیات لاتین و انگلیسی نامیده و بارها در سینما اقتباس شده است. چهار اثر مهمی که می توان آنها را به عنوان آثار شاخص نام برد، از این قرار است: هملت اثر «زفیولی» که بسیار وفادارانه و امانتدارانه با قصه برخورد کرده است. هملت اثر «کوزینتسوف»، فیلمی که هر چند با سیاه نمایی های خاص سینمای شرق کمی از فضای آثار شکسپیر دور شده، اما به هر

حال مورد توجه بسیاری از منتقدان، کارشناسان و علاقه مندان سینما قرار گرفته است. هملت سوم را باید فیلم قوی و منحصر به فرد «سرلارنس الیویه» نامید که هنوز هم در فهرست بهترین اقتباس های سینمایی در صدر جدول قرار می گیرد.

اکنون نیز ده پروژه جهانی بر اساس آثار ویلیام شکسپیر در حال ساخت یا آماده نمایش اند. این فیلم ها تنها منحصر به سینمای صنعتی هالیوود و اقتباس های پر طمطراق آن نیست و در بسیاری از کشورهای جهان اقتباس های مدرنی را از روایت اصلی این نویسنده ارائه می دهد. این موضوع نشان می دهد مخاطبان این روزهای تاریخ سینما، از شکل روایت های پیچیده سینمایی از آثار شکسپیر لذت نمی برند و نیازمند نگاه تازه ای به بحث اقتباس در این حوزه اند.

عاشقانه تکراری هنوز هم فیلم می شود

«رومئو و ژولیت» از مهمترین آثار تراژیک شکسپیر، قرن هاست که به عنوان اثری که نماد یک قصه کلاسیک عاشقانه به حساب می آید، بارها با استقبال و اقتباس بسیاری از کارگردانان تئاتر و سپس، سینما روبه رو شده است.

به زودی فیلم تازه ای بر اساس این رمان عاشقانه از سینماهای جهان نمایش داده خواهد شد که باز هم به داستان اشک آور این دو دلداه بریتانیایی می پردازد. این فیلم «رومئو و ژولیت در برابر زندگی مردگان» نام دارد و آن را «رایان دنمارک» بر اساس نمایشنامه مشهور ویلیام شکسپیر، نمایشنامه نویس قرن شانزدهم بریتانیا، کارگردانی کرده است.

از آثار قبلی این فیلمساز می توان به کارگردانی آثاری نظیر «غوطه وری»، «تاریخ یکم» و «بیشترین شانس برای موفقیت» اشاره کرد. وی علاوه بر کارگردانی، فیلمنامه این اثر اقتباسی را نیز نوشته است.

مکبث: تراژدی محبوب فرانسویان

مکبث نیز به عنوان یک تراژدی کلاسیک در هنرهای نمایشی غرب، اثری نیست که به سادگی از ذهن کارگردانان علاقه مند به ادبیات شکسپیر دور بماند.

«مثل سایه بیا» با نگاهی تازه به این نمایشنامه به زودی بر پرده سینماهای جهان اکران خواهد شد. این فیلم را «جان میبوری» کارگردانی خواهد کرد و فیلمنامه را نیز «جینفر لی» و «وینسنت رگان» از روی داستان شکسپیر اقتباس کرده اند.

از آثار «جان میبوری» می توان به فیلم هایی نظیر «پوچی»، «لبه عشق» و «آکت» اشاره کرد. این فیلم محصول کشور فرانسه است و نشان از رونق سینمای اقتباسی در سینمای مدرن فرانسه دارد که اخیرا به شدت تحت تاثیر نئورئالیسم اجتماعی است و بدنه آن تن به روند عادی فیلمسازی در جهان



تمام می شود. شکسپیر این نمایش را در سال ۱۶۱۱ در حضور ملکه الیزابت اجرا کرد.

هملت داستان دیگری دارد

به اعتقاد اکثر کارشناسان و منتقدان، هملت بزرگ ترین و جاودانه ترین نمایشنامه تمامی اعصار است. بنابراین تعجبی ندارد که بیشترین اقتباس های نمایشی و سینمایی از روی این اثر انجام شده باشد. این نمایشنامه که ویلیام شکسپیر در سال ۱۶۰۳ آن را نوشت، تاکنون توسط تعداد زیادی از کارگردانان بزرگ تئاتر و سینما به صحنه آمده یا به تصویر کشیده شده است.

ساخت آخرین هملت مهم سینما، به سال ۲۰۰۰ برمی گردد؛ جایی که «مایکل آلمریدا» قصد داشت هملت را آداپته کند و در سال ۲۰۰۰ به شهر نیویورک آورد، که هر چند فیلم جمع و جور و بی زرق و برقی بود، اما گویی نسبت به اسلاف خود موفق تر و جسورانه تر به نظر می رسد.

این بار «پتان هوک» نقش هملت را بازی کرد و در کنارش «دایان ونورا»، «سام شپارد» و «دکایل مک لاکلن» به ایفای نقش پرداختند.

«هملتی که کمبود محبت دارد» نام فیلم تازه اقتباسی از هملت است که در سال ۲۰۰۹ توسط دو کارگردان جوان سینمای مستقل آمریکا ساخته می شود و نگاهی روانشناختی به این نمایشنامه دارد و برگرفته از نوشته های فروید به داستان هملت است.

الف فینس هم شکسپیر را دوست دارد

«الف فینس» بازیگر فیلم های سینمایی هالیوود که از بازی های او باید به «بیمار انگلیسی» اشاره کرد نیز قصد دارد با داستان «کوریلانوس» شکسپیر، فیلم تازه ای بسازد و البته خود وی نیز به عنوان بازیگر نقش اول در آن بازی خواهد کرد.

«جان لوگان» فیلمنامه را بر اساس نمایشنامه شکسپیر نوشته است و «جان هارت» فینس را در ایفای نقش به عنوان بازیگر همراهی می کند.

توفان شکسپیری در هزاره سوم

نمایشنامه توفان از مهجورترین آثار این نمایشنامه نویس انگلیسی است که نسبت به دیگر نمایشنامه های وی، کمتر از آن اقتباس شده است. به زودی شاهد اثر تازه ای در سینما بر اساس این داستان خواهیم بود.

این فیلم را «جولی تیمور» کارگردانی کرده و فیلمنامه آن را نیز خود وی بر اساس نمایشنامه «توفان» اثر شکسپیر نوشته است.

تیمور پیش از این، فیلم هایی چون «فریدا»، «عبور از جهان» و «تیتوس» را در کارنامه هنری خود دارد. سینما همچنان در حال برنامه ریزی برای اقتباس های بیشتر از آثار شکسپیر است و اگرچه این موضوع می تواند به عنوان یک ضعف برای یافتن سوژه های بکر باشد، اما نگاه تازه و به روز به هر اثر کلاسیکی نیز به عنوان خلاقیت لحاظ می شود و امتیاز منفی در کارنامه یک سینماگر محسوب نخواهد شد.

داده است. البته تنها فرانسویان نیستند که دلداه این نمایشنامه اند و قصد اقتباس دارند، زیرا همزمان، دو فیلم دیگر نیز در سطح جهانی بر اساس این نمایشنامه ساخته خواهند شد. نخستین اثر را «تادلویسو» از آمریکا خواهد ساخت و دومین فیلم هم مانند فیلم قبلی محصول کشور آمریکاست و کارگردانی آن بر عهده «نیکلاس پاتون» است.

هندوستان نیز شکسپیر می سازد

علاقه به ساختن فیلم از نمایشنامه های ویلیام شکسپیر تنها محدود به اروپا و هالیوود نیست و تب اقتباس کردن از آثار وی به سرزمین هفتاد و دو ملت نیز رسیده است.

سینمای هندوستان قصد دارد با بهره گیری از این منابع نمایشی، نشان دهد که می تواند علاوه بر ارائه آثار سطحی، اقتباس های بزرگ سینمایی خوب نیز تولید کند.

افسانه زمستان در میان آثار شکسپیر محبوب هندی ها شده است. این فیلم را «واریس حسین» فیلمساز مسلمان هندی، کارگردانی خواهد کرد که فیلمنامه آن را از نمایشنامه «افسانه زمستان» شکسپیر اقتباس کرده است.

افسانه بر خلاف سایر آثار شکسپیر با پایانی خوش

مجموعه را تکمیل کنیم و در کنار خریداری مجموعه ها، سایر کتاب های منتشر شده در تهران و شهرستان ها را نیز که در زمینه علوم انسانی اند، گردآوری کنیم و در این مجموعه جای دهیم» کتابخانه مجلس شورای اسلامی نه تنها مأمی برای تاریخی است که دوستش می داریم، بلکه از ورای اندیشه های امروزی ما، سخن از پیشینیان می گوید و با فراغ بال، انتظار مراجعانی را می کشد تا پس از سال ها، اسناد، دست نوشته ها و کتاب هایی را ورق بزنند که رنگ و بویی از تاریخ سیاسی ایران دارند.

صورت گرفته است و این مرکز هزینه پایان نامه های این حوزه اعم از حقوق، سیاست، فلسفه، جامعه شناسی، تاریخ و... را تقبل می کند و در نهایت نسخه ای از پایان نامه را نیز در این مجموعه در اختیار علاقه مندان قرار می دهد. علی اکبر زارع بیدکی، مدیر فراهم آوری کتابخانه مجلس شورای اسلامی در این باره می گوید: «طرح تکمیل مجموعه کتاب های این کتابخانه هیچ گاه متوقف نخواهد شد و به پایان نیز نمی رسد. ما تصمیم داریم با حضور در نمایشگاه های داخلی و استانی، منابع موجود در این

کتابخانه ای برآمده از دل تاریخ

ادامه از صفحه ۶

اخیرا نیز بخش فراهم آوری این مرکز درصدد است که مجموعه پایان نامه های علوم انسانی خود را تکمیل کند تا از این طریق، علاوه بر افزایش دو برابری مراجعان خود، که اغلب آنها را دانشجویان تشکیل می دهند، منابع مورد نیاز مخاطبان را افزایش بخشد. در این راستا، هماهنگی هایی نیز با برخی از دانشگاه های تهران و شهرستان ها



آسیب شناسی انتشار متون ادبی و دلایل باز ماندن راه های کتاب سازی

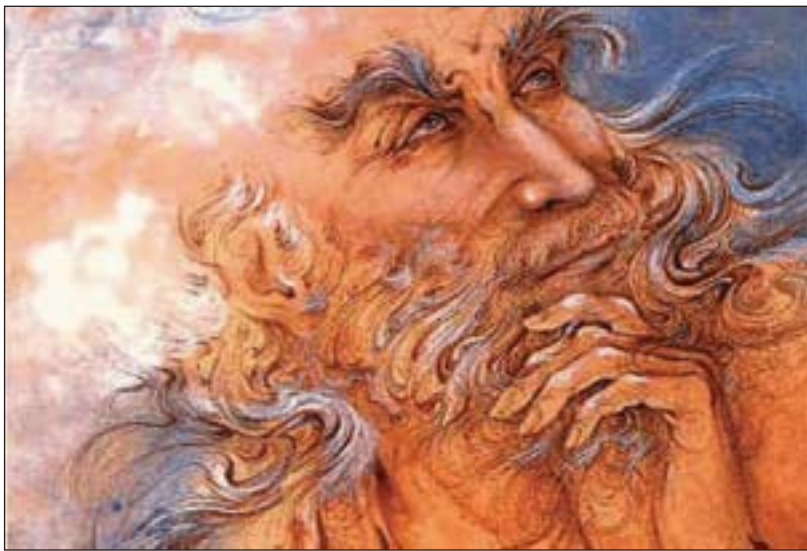
حافظ به روایت آقای ایکس

وسط شد یک ویتترین خوش آب و رنگ با یک ماموریت دشوار و غیر ممکن؛ بار گذاشتن دیگ مدرنیته و پختن آش عجیب و غریبی که نخود و لوبیای آن تاریخ و فرهنگ این مملکت باشد!

مراقبت از کلاسیک ها؛ چرا؟

فقدان یک دستگاه نظارتی هدفمند یا عدم وجود سازمان یا موسسه ای که فعالیت عمده اش درباره تنقیح و تصحیح متون کهن ادبی باشد، باعث شده بازار کتاب از آثاری انباشته شود که نه تنها غلط های چاپی بی شماری دارند، بلکه از پیش پا افتاده ترین استانداردهای چاپ یک متن کهن نیز بی بهره اند. آذر جبارزاده، صاحب نظر حوزه کتاب و یکی از منتقدان این شیوه های نخ نما شده فرهنگی درباره شیوع این جریان می نویسد: «با وجود چنین آسیب هایی، افرادی حق استفاده از آثار ادبی را در زمره حقوقی می دانند که همه جوامع در استفاده از آن سهیم اند و هرگز نمی توان دور آثار ادبی یا هنری سیم خاردار کشید و مانع استفاده افراد شد. این گونه افراد، بیراه هم نمی گویند و اعتقاد دارند نباید افراد را از نعمت استفاده از آثار ادبی که در میان تمامی افراد محبوبیت دارند، محروم کرد. همچنین، حقوق مولف را مانند اختراعات یا اکتشافات دانشمندان می دانند که باید فرمول های اختراع یا اکتشاف شده خود را در اختیار همگان قرار دهند. اما این نکته را نادیده گرفته اند که همان فرمول یا قانون کشف شده نیز توسط سازمان هایی ثبت می شوند و هرگاه مورد استفاده قرار می گیرند، باید با اجازه کتبی از دانشمند صاحب فرمول باشد. به بیانی دیگر، یک فرمول طبق موارد مصرف از دانشمند خریداری شده و سپس توسط یک سازمان مورد استفاده قرار می گیرد. در حقیقت هیچ گاه حق استفاده از قوانین علمی ثبت شده به یک فرد حقیقی سپرده نمی شود، بلکه به افراد حقوقی داده می شود.»

به احتمال فراوان شما نیز هنگام پرسه زدن در بازار کتاب، به ویژه اگر کتابخوان حرفه ای باشید، دیده اید که چطور هر چند وقت یک بار ویتترین ها تغییر می کنند و کتاب های جدید، جای کتاب های قدیمی تر را می گیرند. به قول براتیگان بادهایی که می وزند، خبر از تغییر فصل می دهند، به گونه ای که هر از گاهی، بازار یک نوع کتاب پشت ویتترین ها گرم می شود. حالا به تبع بازار جهانی مولوی، تب مولوی خوانی در ایران راه افتاده است. شاید گزارش بعدی ما آسیب شناسی آثاری باشد که درباره مولوی نوشته شده اند. به قول خودش: این سخن بگذار تا وقت دگر!...



ظاهرا کتاب سازی در حوزه ادبیات فقط به سرقت های معمولی و دم دستی ادبی محدود نمی شود، به گونه ای که هیچ اثری از دستبرد سارقان حرفه ای در امان نیست. البته دیوان های شعر در این میان وضع رقت بارتری دارند چرا که تقریباً هیچ موسسه یا جمعیتی وجود ندارد که بر چاپ و انتشار این آثار نظارت داشته باشد.

در این آشفته بازار اگر فروشنده سر کوجه ما هم با یک ناشر «زرد» سلام و علیکی داشته باشد یا چند بار با هم فالوده ای خورده باشند، می تواند یک دیوان حافظ را بردارد و چاپ کند و زیرش هم با خط نستعلیق طلا کوب بنویسد: «دیوان حافظ به روایت فلانی یا بهمانی!»

نمونه این کار را بعضی از به ظاهر روشنفکران ما هم انجام دادند و آب هم از آب تکان نخورد. در روز روشن با هزار شعبده، یک لباس پادشاه دوختند و دادند دانشمند محترمی مثل استاد خرماشاهی برایش مقدمه بنویسد و دست آخر هم پرو پاگاندای مطبوعاتی راه انداختند و یک کتاب بی ارزش را به عنوان نگاه جدید به حافظ و قرائت مدرن از شعر خواجه شیراز به زور به خورد مخاطب دادند!

خواننده مسحور شده هم از ترس این که به بی سوادی متهم نشود، جرات نداشت بگوید این چه آش شله قلمکار بی نمکی است که شما پخته اید؟! این که کلاغ را رنگ کرده اید و دارید به اسم قناری به مردم قالب می کنید. آرتور رمبوی بیچاره هم این

تاثیر پذیری هم کم و بیش روشن شد.

تفسیر خواجه شیراز

از پشت عینک دودی آرتور رمبوی

چند اسم را به شکل نامرتب و پراکنده روی کاغذ تحریر نوشته ام و قصد دارم یکی یکی با همه آنها تماس بگیرم. اغلب اسم ها استادان دانشکده های ادبیاتند که لافاقل به اندازه موهای سر من، با این گونه مسائل برخورد داشته اند، ولی کثرت اطلاعاتی که در حاشیه این پدیده شرم آور به چشم می خورد، باعث شد مسیر نوشتن این گزارش تغییر کند.

آذر جبارزاده درباره آسیب شناسی سرقت های ادبی می گوید: «در قانون مطبوعات می خوانیم که سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر، هر چند به صورت ترجمه، اما با وجود چنین قانونی هیچ ضمانت اجرایی وجود ندارد. تنها قانونی که می تواند از یک اثر ادبی حمایت کند، قانون پیمان برن است و سرقت ادبی بیشتر مختص جوامعی است که مطابق پیمان برن (copyright) عمل نمی کنند.

نداشتن حق عضویت در چنین قانونی سبب می شود هیچ فرد حقیقی یا حقوقی قادر نباشد فعالیت یا اثر خود را ثبت کند. در نتیجه، هرگز فرصت دفاع را نیز نخواهد داشت. حتی اگر فردی بتواند ثابت کند که نوشته اش سرقت شده و ادعای تملک کند، هیچ مرجعی نمی تواند حقی برای وی قائل شود در نتیجه این پدیده زشت همچنان ادامه خواهد یافت.»

از قدیم و ندیم گفته اند شرط اول جذب مخاطب، استفاده درست و به موقع از اصل غافلگیری است، به ویژه برای نویسنده این کلمات که ترجیح می دهد برای به دام انداختن خواننده و مجاب کردن او به منظور تعقیب یک گزارش کاملاً معمولی، از هر ترفندی استفاده کند، هر چند مجبور باشد مخاطبش را به چند صد سال پیش برده پس عجلان این حکایت شنیدنی را بخوانید تا برویم سر اصل مطلب. انوری ابیوردی، شاعر سده ششم ه. ق، روزی از جایی می گذشت. جمعی از مردم را دید که گوش به سخن کسی فراداده اند. اندکی پا سست کرد و با شنیدن سخن مرد سخنگو، چکامه ای از خود را شناخت که او با آب و تاب تمام می خواند و چنین وامی نمود که خود سراینده آن است. شاعر دچار حیرت شد و برآشفتم و از مرد سخنگو پرسید: «این چکامه که خواندی، از کیست؟» مرد پاسخ داد: «از انوری است.» شاعر باز پرسید: «انوری کیست؟» مرد با بی شرمی تمام، پاسخ داد: «خود منم!»

شاعر که از گستاخی آن دزد مرد سخت دچار حیرت شده بود، بالحنی خشم آلود گفت: «شعر دزدی شنیده بودیم؛ اما شاعر دزدی ندیده بودیم!»

می بینید که طبق اسناد تاریخی، قضیه کتاب سازی و ماجرای سرقت های ادبی و جعل و تقلب در حوزه ادبیات، دست کم سابقه چند صد ساله دارد. به گونه ای که بین شاعران اصطلاح معروفی به وجود آمده بود که می گفتند: «دیوان فلانی لافاقل خون چند شاعر را به گردن دارد!»

الان هم اگر بگردید، حتما کتاب شعری رامی یابید که خون چند کتاب دیگر را به گردن داشته باشد. البته تاثیر پذیری شاعران و نویسندگان از هم اجتناب ناپذیر است و باید بین یک تاثیر پذیری شرافتمندانه و سرقت ادبی تفاوت قائل شد.

تقریباً هیچ جای جهان نیست که شاعران و نویسندگان از هم تاثیر نپذیرفته باشند. نمونه اش کشور روسیه با آن غول های حیرت آور ادبی که معلوم نیست اگر نبودند، ادبیات اروپا چطور می توانست سرش را جلوی تاریخ بالا بگیرد!

داستانایوسکی، سلطان رمان شخصیت و نویسنده رمان هایی مانند «برادران کارامازوف» و «جنایت و مکافات» و «ابله» می گوید: «ما همه از زیر شنل گوگول بیرون آمده ایم.»

اما آن چیزی که قرار است در این گزارش پته اش روی آب ریخته شود، کتاب سازی و نسبت آن با سرقت های ادبی است. فکر می کنم فرق سرقت و

جذابیت های پنهان نویسنده شدن

یعقوب حامدی: ضرب المثل مشهوری می گوید: مردم دنیا اغلب دو شغل دارند، یکی شغل اصلی خودشان است و دیگری نقد فیلم و سینما! من می گویم در ایران شغل سومی را هم باید به دو شغل قبلی اضافه کرد؛ با عنوان صاحب نظر یا کارشناس ادبیات فارسی با تمام پراکندگی هایی که در این حوزه به چشم می خورد!

مهم نیست که ما نانو، کارگر، معلم، روزنامه نگار یا مهندسیم. مهم این است که توانایی اظهار نظر درباره مهم ترین مباحث ادبی به شکل منحصر به فردی در ما به چشم می خورد. همه ما اگر قدر خودمان را بدانیم، حافظ پژوه، مفسر شاهنامه و سعدی شناسان بزرگی هستیم که با ارائه نیمی از اطلاعاتمان قطعا دیوار ادبیات ترک بر می دارد!

ما اغلب آدم های بد و خودخواهی نیستیم ولی به صورت حیرت انگیزی دچار یک نارسایی مزمنیم. این تساهل و تسامح در حوزه تصحیح و انتشار متون ادبی کهن اگر به مرور زمان پیدا کند،

نه تنها به فرهنگ و ادبیات ما لطمه قابل توجهی می زند، بلکه نسل بعدی را از نعمت مطالعه متون منقح فارسی محروم می کند.

دکتر زهرا پارساپور، پژوهشگر، استاد ادبیات فارسی و متخصص تصحیح متون کهن در این باره می گوید: «این مساله، موضوع بی اهمیتی نیست که با اظهار نظرهای شتابزده امکان طرح جدی آن را فراموش کنیم بلکه جزو مهم ترین مباحث امروز جامعه ادبی ما محسوب می شود. به نظر من، بزرگ ترین مانع بر سر راه ارائه یک کار علمی و قابل اعتنا در جامعه دانشگاهی ما، عدم کنکاش برای یافتن نسخه های خطی متعدد است. کسی که داعیه تصحیح یک متن را دارد، دست کم باید در جمع آوری نسخه های قدیمی جدیت به خرج دهد که متأسفانه این پیگیری و جدیت امروزه کمتر به چشم می خورد. الان شاهد چاپ و انتشار کتاب های چند جلدی هستیم که فقط از روی یک نسخه تهیه شده اند. این سهل انگاری باعث می شود هر کسی دست به تصحیح متون ادبی بزند که در این شرایط به شکل طبیعی راه کتاب سازی هموار می شود.»

دکتر پارساپور در ادامه می گوید: «اولین شرط یک تصحیح قابل

قبول و علمی، یافتن نسخه های متعدد در کتابخانه های داخلی و خارج است، در صورتی که امروزه کار تصحیح بیشتر به رونویسی از روی یک نسخه دم دستی شباهت دارد تا یک کار علمی. گاهی ظرفیت های بالقوه برای انتشار یک اثر اصیل و روشمند، مغلوب سهل انگاری و کاهلی شخص مصحح یا گردآورنده می شود. بد نیست این را هم بگویم که ظاهراً این اواخر برای تصحیح و انتشار چند اثر بزرگ تاریخی، نسخه اصلی را داده اند به یک تایپیست و گفته اند تایپ کن، بدون آن که قبلاً کار تحقیقی و علمی روی این آثار انجام شده باشد! این در حالی است که امروزه روش های تصحیح تازه ای در جهان مطرح شده که بیش از پیش اهمیت حفظ و نگهداری متون کهن را به ما یادآوری می کنند ولی در بعضی دانشگاه های ما تصحیح هایی صورت می گیرد که ابتدایی ترین اصول تصحیح در آنها رعایت نمی شود. این کتاب ها بیشتر رونویسی محسوب می شوند تا تصحیح، تا جایی که می توان آنها را به عنوان مصداق روشن و آشکار کتاب سازی به شمار آورد و گر نه چه دلیلی دارد که متن را قربانی جذابیت های کاذب چاپ کتاب و میل فزاینده کسب شهرت کنیم؟»



فناوری اطلاعات یا IT که به عنوان یکی از رشته‌های دانشگاهی شناخته می‌شود، کاربردهای فراوانی دارد. همچنین امروزه متخصصان معتقدند که می‌توان از مدیریت دقیق فناوری اطلاعات برای پیشبرد اهداف در سازمان‌ها و تشکل‌های دولتی و خصوصی استفاده کرد. اگرچه مدیریت فناوری اطلاعات در برخی کشورها جایگاه ویژه‌ای یافته اما در ایران هنوز شناخت دقیقی از این رشته دانشگاهی جدید وجود ندارد. کتاب «مدیریت فناوری اطلاعات» که به تازگی توسط چهار متخصص حوزه IT با نام‌های دکتر علی اکبر جلالی، مهندس سعید روحانی، مهندس محمدامین زارع و مهندس مرتضی معلق تألیف شده برای پاسخگویی به این نیاز علمی کشور است. گفت‌وگویی که در پی می‌آید با دو مولف کتاب یعنی مهندس سعید روحانی، مدیر بخش مشاوره شرکت پردازش سیستم‌های مجازی و مهندس محمدامین زارع، کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات انجام شده است.

گفت‌وگو با مؤلفان کتاب «مدیریت فناوری اطلاعات»

ضرورت حمایت از تألیف کتب علمی

آیا در ترجمه مقالات، نیاز علمی کشور هم سنجیده شده یا صرفاً ترجمه شده‌اند؟

سعید روحانی: محتوای این کتاب در راستای پاسخ به سوالات مدیران و کارشناسان IT تنظیم شده است. چندین سال است که نیازهای علمی مدیران IT در برخوردی که با سازمان‌های مختلف داشته‌ایم، آشنا می‌شویم. از این رو بارها و بارها ملاحظه شده که بعضی مدیران برای پاسخگویی به نیازهای مدیریتی در حوزه فناوری اطلاعات، مقالات علمی را جستجو و گریخته ترجمه کرده‌اند و برداشت‌های اشتباهی از مفهوم ترجمه‌ها را در سازمان‌های مربوطه شان تسری داده‌اند. این نوع برخورد‌های غیرعلمی مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای را برای سازمان‌ها به وجود آورده است. با توجه به وجود چنین مشکلاتی با استفاده از صدها مقاله و چندین کتاب به عنوان منبع، تنگناها و مشکلات حوزه مدیریت IT را هدف قرار دادیم.

محمد امین زمانی: حدود چهار سال است که کلاس‌های آموزش مدیریت فناوری اطلاعات برای مدیران در دانشگاه علم و صنعت ایران برگزار می‌شوند و در این دوره‌ها، دقیقاً با نیاز مدیران به بحث‌های مدیریتی حوزه IT آشنا شدیم. بنابراین، در انتخاب محتوای مقالات علمی موجود در این کتاب به این نیازها توجه شده است.

منظور شما از منابع معتبری که کتاب مذکور از آنها بهره گرفته است چیست؟

محمد امین زمانی: مجموعه اصلی رفرنس‌های ما به مقالاتی که در سایت مدیریت ارشد فناوری اطلاعات (CITO) آمریکا منتشر می‌شود برمی‌گردد. سازمان علمی و شناخته شده در دنیای امروز است که وظایف مدیران ارشد IT را مشخص می‌کند. همچنین تعدادی مقالات علمی دیگر را از شرکت‌های مطرح حوزه IT مثل SAP و HP تهیه کرده‌ایم که در اصول و راهنمای شرکت‌های IT کاربرد دارند. سومین مرجع ما نیز کتاب‌های لاتین حوزه IT مثل کتاب‌های آقای توربن (Tarban) هستند که در انتهای هر فصل، فهرست کامل رفرنس‌های مربوط به آن فصل آورده شده است.

آیا کتاب خارجی مشابه این کتاب هم وجود دارد که شما از آن الگوبرداری کرده باشید؟

سعید روحانی: قبل از تألیف کتاب در سایت آمازون با عنوان management IT جست‌وجو کردیم و چند کتاب با همین نام یافتیم. اما وقتی به سرفصل‌های آنها نگاه کردیم، متوجه شدیم آنچه ما دنبالش می‌گردیم نیستند. بیشتر آنها به مبانی مثل سخت‌افزار، نرم‌افزار، برنامه‌ریزی، شبکه، پشتیبانی و اصول روزمره حوزه فناوری اطلاعات اشاره داشتند در حالی که ما در جست‌وجوی تئوری‌های مدیریت و نهادینه‌سازی IT در یک سازمان بودیم. شاید این کتاب خلاقانه علمی بزرگی را حتی در سطح بین‌المللی پر کند.

کتاب، بعد از چه مدتی تألیف و منتشر شد؟
ما یک تیم چهار نفره بودیم که هر یک روی تعدادی از فصل‌های کتاب تمرکز کرده بودیم. تألیف کتاب سه ماه و ویرایش آن یک ماه به طول انجامید و روی هم رفته در مدت ۴.۵ ماه به چاپ رسید.
ادامه در صفحه ۱۳



کتاب مدیریت IT تا چه حد به این مشکل پرداخته است؟

سعید روحانی: این کتاب در ۱۰ فصل تنظیم شده که هر یک به یکی از وظایف مدیریتی در حوزه فناوری اطلاعات اشاره می‌کند. مباحث در ده فصل به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که نه تنها یک مدیر IT بلکه یک فرد عادی، دانشجوی رشته IT و مدیریت صنایع نیز می‌تواند با کمک آنها، حوزه مدیریت فناوری اطلاعات را بشناسد. این مباحث از برنامه‌ریزی راهبردی فناوری اطلاعات شروع شده با موضوع‌های معماری سازمانی، فناوری اطلاعات، مدیریت فرآیندهای کسب‌وکار، سازماندهی فناوری اطلاعات، مدیریت خدمات فناوری اطلاعات، استانداردهای مدیریت فناوری اطلاعات، کنترل و ارزیابی IT، مدیریت دارایی‌های فناوری اطلاعات ادامه یافته و با موضوع مدیریت پروژه‌های فناوری اطلاعات خاتمه می‌یابد.

مخاطبان این کتاب چه کسانی‌اند؟

سعید روحانی: مخاطبان را می‌توانیم به سه دسته تقسیم بندی کنیم. یک دسته، افرادی هستند که می‌خواهند با مفهوم کلی IT و مدیریت آن آشنا شوند که این کتاب با زبان بسیار ساده و روان این مفهوم را به آنها آموزش می‌دهد. دسته دوم، دانشجویان رشته‌های صنایع، IT، مدیریت فناوری اطلاعات و کامپیوترند البته مدیران و کارشناسان IT در سازمانی که با پروژه‌های فناوری اطلاعات درگیرند و می‌خواهند اقدامات آکادمیک و علمی را بشناسند نیز می‌توانند این کتاب را مطالعه کنند.

کتاب تألیف است یا ترجمه؟

محمد امین زارع: این کتاب با استفاده از منابع روز تألیف و مطابق با ساختار بومی کشور تعریف شده است.

آیا تألیف یا ترجمه مقالات علمی هم در کتاب آمده است؟

سعید روحانی: از ترجمه مجموعه مقالات علمی در حوزه مدیریت IT که در انتهای هر فصل منبع آنها آمده، استفاده شده است. ولی ساختار کتاب و مجموعه مطالبی که در آن ارائه شده، حالت تألیف دارند.

میان سازمان‌هایی از جمله شهرداری‌ها و راهنمایی و رانندگی کشور دیده می‌شود و یکی از دلایل این خلأ آن است که هر کس با سلیقه ایده خاص در IT کار کرده بدون این که تئوری‌های صحیح این حوزه را بشناسد.

راه‌های عملی شدن تئوری‌های موجود در کتاب چیست؟

سعید روحانی: این تئوری‌ها در کل دنیا اجرایی شده‌اند و سنگ بزرگی نیست که نشانه نزدن باشد. اجرایی شدن تئوری‌های این کتاب به شخصیت و فرهنگ سازمانی هر سازمان بستگی دارد و در عین حال تعهد و پابندی همه سطوح سازمان از مدیریت ارشد گرفته تا تمام کارشناسان به اصول مطرح شده در کتاب، تئوری‌های آن را عملی می‌کند.

شاخصه‌های استاندارد است که در کتاب به آنها اشاره شده در سازمان‌های ایران موجود است؟

محمد امین زارع: متأسفانه سازمان‌های استاندارد‌های کشورمان در زمینه IT بسیار ضعیف است.

پس کارشناسان چگونه می‌توانند استانداردهای معرفی شده در کتاب را به کار گیرند؟

محمد امین زارع: باید دوره‌های آموزشی استاندارد‌های بین‌المللی در داخل کشور برگزار شود یعنی کارشناسان بین‌المللی بیایند و با ارزیابی کیفیت کار، گواهی‌نامه‌های مربوطه را صادر کنند که هنوز این امر به شکل گسترده در ایران جا نیفتاده است.

امروزه سازمان‌های ما با مقوله فناوری اطلاعات از ریشه درگیر شده‌اند. این مقوله‌ها سیستم، نرم‌افزار، سخت‌افزار و شبکه‌اند که نیاز به مدیریت دارند

ضرورت بحث درباره مدیریت IT در کتابی به همین نام چه بوده است؟

سعید روحانی: امروزه سازمان‌های ما با مقوله فناوری اطلاعات از ریشه درگیر شده‌اند. یعنی هر سازمان همواره با مقوله‌هایی درگیر است که از جنس فناوری اطلاعات‌اند. این مقوله‌ها سیستم، نرم‌افزار، سخت‌افزار و شبکه‌اند که نیاز به مدیریت دارند. در علوم مدیریتی، مدیریت سازمانی، روش‌ها و تئوری‌های مختلفی وجود دارد. اما تئوری‌ها و چارچوب‌های حوزه فناوری اطلاعات که یک حوزه تخصصی و فرابخشی‌اند، جایی مستند نشده‌اند. بنابراین تصمیم گرفتیم کتابی با عنوان «مدیریت فناوری اطلاعات» تعریف کنیم که مبنای کار در آن، براساس یک مدیر ارشد فناوری (CIO) باشد. این مدیر ارشد فناوری اطلاعات بنا به نظریه‌های مدیریتی باید به عنوان یک مدیر میانی وظایف مدیریتی را انجام می‌داد که شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و کنترل بود.

محمد امین زارع: حریم علم پیشرفت می‌کند و به تبع آن نیاز به حوزه‌های بین‌رشته‌ای نیز بیشتر می‌شود. بحث مدیریت IT هم یک بحث بین‌رشته‌ای است که رشته‌های فنی، مهندسی نرم‌افزار و مهندسی صنایع را با مدیریت پیوند داده است. تلفیق دو حوزه IT و مدیریت کنترل، ارتباطات، سازماندهی سیستم‌های کاری و تصمیم‌گیری در فناوری اطلاعات را به آسانی فراهم می‌آورد. اما خلأ مدیریت فناوری اطلاعات سبب می‌شود مدیران IT بدون تحصیلات مدیریتی و با دیدگاه مهندسی مدیریت کنند که مشکلات فراوانی ایجاد می‌شود.

شما در کتاب حاضر به چه مشکلاتی از حوزه IT می‌پردازید؟

سعید روحانی: عدم برنامه‌ریزی صحیح، عدم توجه به هماهنگی‌های سازمانی و عدم توجه به اصول کنترل و روش‌های درست انجام کار. امروزه مدیریت براساس اطلاعات است نه شانس. مدیر باید با اطلاعات صحیح تغذیه شود تا بتواند تصمیم‌سازی کند. عدم اطلاعات صحیح مدیر سبب می‌شود بسیاری از سازمان‌ها اشتباه تصمیم گرفته، نادرست عمل کنند و بودجه‌های کلانی را هدر دهند. تهیه اطلاعات تصمیم‌سازی با کمک سیستم‌هایی در هر سازمان است که روی سخت‌افزارهای قابل انطباق با همین سیستم‌ها قابل ذخیره‌اند و در کل سازمان جاری می‌شوند. همچنین، عدم یکپارچگی اطلاعات در سیستم‌ها از مشکلات دیگر سازمان‌ها است. بسیار شاهد بوده‌ایم که یک نوع سخت‌افزار یا نرم‌افزاری برای سازمانی خریداری می‌شود که نرم‌افزار قابل انطباق با آن سخت‌افزار موجود نیست. عدم انطباق و یکپارچگی اطلاعات مدیریت کشور، ما را با ناکافی بودن اطلاعات مواجه کرده است از این رو نمی‌توان درست تصمیم‌گیری کرد. عدم یکپارچگی اطلاعات به سه نوع افقی، عمودی و بین‌سازمانی تقسیم می‌شود که هر یک معنای خاصی دارد. فقدان هماهنگی بین سیستم‌های عمودی یعنی عدم هماهنگی اطلاعاتی که از کف سازمان به مدیر می‌رسد. عدم یکپارچگی بین سازمانی که ما با آن بسیار فاصله داریم و عدم ارتباط اطلاعات منظم که



بنفشه محمودی

اول تیرماه، همزمان با سالروز صدور فرمان حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر تاسیس سازمان تبلیغات اسلامی، روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی نام گرفته است. در ۱۸ سالی که از تاسیس این سازمان می گذرد، تلاش های بی شماری برای توسعه فرهنگ دینی توسط این سازمان و موسسات وابسته به آن صورت گرفته است که از جمله مهم ترین آنها می توان به انتشار آثار ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس اشاره کرد. موسسه انتشارات امیرکبیر به عنوان یکی از زیرمجموعه های این سازمان در توسعه ادبیات دفاع مقدس فعالیت های زیادی داشته است و به نوعی، از فعال ترین موسسات وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به شمار می رود. با احمد نثاری رئیس موسسه انتشارات امیرکبیر درباره فعالیت های این موسسه در حوزه ادبیات انقلاب و دفاع مقدس گفت وگویی انجام داده ایم. او معتقد است که همسویی و تعامل در خانواده بزرگ سازمان تبلیغات اسلامی، می تواند در راه توسعه و اثربخشی ادبیات انقلاب و دفاع مقدس تاثیر بسزایی داشته باشد.

احمد نثاری؛ رئیس مؤسسه انتشارات امیرکبیر:

جهت گیری ها باید همسو با نیاز مخاطب باشد

اگر از آن غفلت کنیم، قطعاً عقب می مانیم و نمی توانیم کار خود را همسو با جامعه پیش ببریم.

رسیدن کتاب های ادبیات انقلاب و دفاع مقدس به چاپ های متعدد، نشان می دهد که این گونه ادبی هواخواهان زیادی در جامعه دارد. سازمان تبلیغات اسلامی و موسسه انتشارات امیرکبیر چه برنامه هایی برای امتداد این موج ادبی دارند؟

قطعاً تلاش می کنیم از تمام ظرفیت گروه های اندیشمند و فرهنگی و صاحبان تجربه استفاده کنیم و به مرور به افراد نوظهوری که می توانند به این فضا وارد شوند نیز نزدیک شویم و بتوانیم از تمام ظرفیت های موجود برای امتداد این موج استفاده کنیم. البته نباید نقش ابزارهای روز و شناخت درست مفاهیم را هم در این جهت از یاد ببریم.

آیا برای معرفی فعالیت های سازمان تبلیغات اسلامی و انتشارات امیرکبیر در راستای اشاعه ادبیات دفاع مقدس و انقلاب فعالیت کافی صورت گرفته است؟

این نکته از مواردی است که من به عنوان رئیس موسسه نسبت به آن انتقاد دارم. ما نتوانسته ایم در این جهت خیلی خوب عمل و در متن جامعه جریان سازی کنیم. چون زمانی می توانیم موفق باشیم که بازخورد تولیدات خود را در جامعه ببینیم. مقام معظم رهبری همواره در ملاقات با اهالی فرهنگ، از آنها می پرسند که بازخورد فعالیت هایشان در جامعه چه بوده است؟ ما هم باید به این مساله دقت داشته باشیم که تولیدات ما تا چه حد باعث تقویت ایمان و اعتقاد مردم به مبانی اسلامی شده اند. ما باید بتوانیم در جهت تولید و عرضه این آثار جریان سازی کنیم. اگر تمام موسسات و نهادهای زیرمجموعه سازمان تبلیغات اسلامی در کنار هم قرار بگیرند، می توانیم ادعا کنیم که از تمام ظرفیت های خود استفاده کرده ایم و تنها در این صورت است که می توانیم موفقیت در عرصه های کلان را متصور باشیم اما الان متأسفانه این طور نیست که بتوانیم با مشارکت و همراهی، یک جریان سازی صحیح را دنبال کنیم، توسعه دهیم و مدیریت کنیم چرا که اگر تمام اجزا به خوبی در کنار یکدیگر قرار بگیرند، می توانیم به توسعه این بخش امیدوار باشیم. ما از نظر محتوا مشکلی نداریم اما نحوه بهره برداری و استفاده از این محتوا مهم است که اگر اتفاق بیفتد می توانیم سهم خود را مشخص کنیم که با شمارگان سه هزار تایی اتفاق نمی افتد! هم باید شمارگان بالا برود و هم محتوا در قالب های متفاوتی در جامعه پخش شود از این رو همسویی و تعامل در خانواده بزرگ سازمان تبلیغات اسلامی می تواند در این راه تاثیر بسزایی داشته باشد.

نویسندگان این ژانرها تا چه حد از همکاری با موسسه انتشارات امیرکبیر در حوزه ادبیات انقلاب و دفاع مقدس استقبال می کنند؟

موسسه انتشارات امیرکبیر یک مجموعه بزرگ با بیش از ۵۰ سال قدمت است و بزرگ ترین بنگاه نشر چه قبل و چه بعد از انقلاب بوده است. بنابراین چنین حسن شهرت و قدمتی برای اهل فکر و فرهنگ در خور توجه است و خیلی از آنها افتخار می کنند که کتاب هایشان با نشان این موسسه منتشر شود. این ظرفیت وجود دارد و ما باید از آن بهترین استفاده را بکنیم. موسساتی مثل تیبان و سوره مهر هم ظرفیت خوبی در این زمینه دارند که اگر در کنار هم قرار بگیریم، اهداف سازمان تبلیغات اسلامی به خوبی محقق می شود و جامعه نیز تحت تاثیر فعالیت های آن قرار خواهد گرفت.



ارزیابی شما از نقش سازمان تبلیغات اسلامی و انتشارات امیرکبیر در حوزه انتشار آثار ادبیات دفاع مقدس چیست و فکر می کنید به اندازه کافی در این زمینه تلاش صورت گرفته است؟

قطعاً تلاش کافی صورت نگرفته و باید برای تحقق آن کار بیشتری بکنیم. به عقیده من تولیدات ما در این زمینه باید ناظر به نیازهای روز جامعه باشد. جامعه ما در حال رشد است و تنها زمانی می توانیم اعلام کنیم که به همه اهداف خود رسیده ایم که بتوانیم همگام با نیاز جامعه، کتاب تولید کنیم. ما در حال حاضر با تمام توان خود در این راستا حرکت می کنیم اما هنوز خیلی نتوانسته ایم به نیازهای روز جامعه پاسخ دهیم. وقتی کتابی مانند «دا» منتشر می شود و به چاپ های متعدد می رسد، عکس العمل مردم را می بینیم اما نباید به همین یک اتفاق بسنده کنیم، بلکه باید صدها کتاب در حد آن منتشر کنیم تا بتوانیم ادعا کنیم که به نیازهای روز جامعه پاسخ گفته ایم. این ایده در ذهن آقای دکتر خاموشی ریاست محترم سازمان تبلیغات اسلامی وجود دارد و وی نیز به دنبال تحقق این معنا و مفهوم است.

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات اسلامی و زیرمجموعه های آن

سازمان تبلیغات از آغاز تا امروز

سازمان تبلیغات اسلامی در یکم تیرماه سال ۱۳۶۰ به فرمان امام خمینی (ره) تاسیس شد و از آن پس سالروز تاسیس آن با عنوان روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی نام گذاری شد. این نهاد با هدف اعتلای فرهنگ پربرار اسلامی، تبلور حیات معنوی و تبیین و ترویج شاخص های اعتقادی فعال شد. سیاستگذاری، برنامه ریزی، هدایت، ساماندهی، پشتیبانی و نظارت بر تبلیغات دینی. مردمی، تلاش برای احیا و اشاعه فرهنگ و تاریخ تشیع از همه راه های ممکن، تحقیق و بررسی در خصوص تبلیغات سوء و تهاجم فرهنگی دشمنان، انجام مطالعات راهبردی و بررسی های کاربردی در زمینه نیازهای فرهنگی اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان و طراحی برنامه ها و شیوه های تبلیغی نوین و اصلاح و احیای روش های سنتی در تبلیغات اسلامی و ... از جمله اهداف این سازمان است. در میان این اهداف، بخشی نیز به تدوین و انتشار کتب و نشریات مناسب و ضروری برای معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی، تبیین مواضع انقلاب اسلامی و انجام پژوهش های لازم، به ویژه در زمینه نظام تربیتی و مبانی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حکومت اختصاص دارد. موسسه انتشارات امیرکبیر، دارالقرآن، حوزه هنری، خبرگزاری مهر، پژوهشکده باقر العلوم، موسسه تیبان و روزنامه تهران تایمز، همکاران این سازمان در بخش امور مجامع و موسسات وابسته هستند که در این میان انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری) و موسسه انتشارات امیرکبیر به طور مستقیم وظیفه نشر کتاب را برعهده دارند. نمی توان نقش این دو موسسه انتشاراتی را در جریان سازی ادبی پس از انقلاب نادیده گرفت؛ نقشی که با هدف اشاعه ادبیات دفاع مقدس و انقلاب اسلامی باید بیش از پیش مورد توجه سیاستگذاران این سازمان قرار گیرد. خلق آثار با کیفیت تر در این دو حوزه می تواند به آشنایی عمومی مردم با ادبیات پس از انقلاب بینجامد و آنان را با آرمان های این انقلاب بیش از پیش آشنا کند. این وظیفه بی گمان با همکاری تنگاتنگ همه نهادهای وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی از فعل به عمل می رسد.



گفت و گو با کاظم زبرجدی مدیر داخلی بنیاد شهید چمران

سایه شهرت نظامی چمران بر شخصیت علمی او

کاظم زبرجدی برای نخستین بار در سال ۱۳۵۸، پس از تشکیل سپاه پاسداران، شهید دکتر مصطفی چمران را ملاقات کرد. زبرجدی دوره‌های آموزش نظامی را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و زیر نظر شهید چمران طی کرد. پس از این دوره‌های آموزشی، همراه دکتر چمران در خط مقدم جبهه حضور یافت و تا زمان شهادت، وی را همراهی کرد. این هم‌رزم دکتر چمران در حال حاضر به عنوان مدیر داخلی بنیاد شهید چمران به نشر و تبلیغ اندیشه‌های وی می‌پردازد. به اعتقاد زبرجدی، مردم، شهید چمران را بیشتر با نقش نظامی‌اش می‌شناسند و شخصیت علمی و عرفانی‌اش مغفول مانده است.

بنیاد شهید چمران بخش قابل توجهی از فعالیت‌های خود را بر انتشار آثار این شهید متمرکز کرده است. این بنیاد تاکنون چند کتاب در این رابطه در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است؟

در ابتدا خوب است به نکته‌ای اشاره می‌کنم؛ کتاب‌هایی که این بنیاد منتشر می‌کند، از اصالت و سلامت کامل برخوردارند و نظارت دقیقی بر آنها صورت می‌گیرد. این کتاب‌ها بیشتر به طبقه بندی دست‌نوشته‌ها و سخنرانی‌های دکتر چمران پرداخته‌اند و موضوعات مختلفی را در اندیشه وی طرح کرده‌اند.

موضوع کتاب‌ها بیشتر خاطره‌اند یا آثار تحلیلی هم در میان آنها یافت می‌شود؟

اساس فعالیت‌های ما، آثار شهید چمران است. در میان آثار ایشان نوشته‌های تحلیلی و فلسفی به صورت توأمان وجود دارد. علاوه بر این می‌توان در آثار او نوشته‌های علمی و کتاب‌های عرفانی نیز یافت. کتاب «انسان و خدا» از آثاری است که شهید چمران در آمریکا نوشته است. در این کتاب که رویکردی فلسفی دارد، اثبات خدا از نظرات متفاوت و از دریچه‌های مختلف و با برهان‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. در این کتاب، شهید چمران به محدودیت علم، مراتب نفس، موضوع خواب و مباحث دیگری می‌پردازد که احاطه‌نویسنده را نسبت به رویکردهای علمی، فلسفی و عرفانی نشان می‌دهد. در کتاب «بینش و نیایش»، ایشان جهان بینی خود را توضیح می‌دهد و تاثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر منطقه و جهان را تشریح می‌کند.

دکتر چمران در کتاب «کردستان» به ترتیب، به شیوه‌های آزادسازی پایه و مشکلاتی که بر سر راه آزادسازی وجود داشت، پرداخته و در کتاب «بنیان» گروه‌های سیاسی این کشور، جنگ داخلی و ظرفیت‌های آن را برای مبارزه با رژیم صهیونیستی، مورد بررسی قرار داده است. عنوان‌های اخیر که به آنها اشاره کردم، نشان‌دهنده رویکردهای سیاسی



و اجتماعی شهید چمران است. همین‌طور، وی ترجمه‌ای عارفانه از «دعای کمیل» انجام داده که ما آن را با خط خودشان چاپ کرده‌ایم. از بررسی موضوعات و عناوین کتاب‌های دکتر چمران می‌توان نتیجه گرفت که این شهید بزرگوار به موضوعات متنوع و مختلفی پرداخته و یک انسان چندبعدی و کامل بوده است.

چه آثار جدیدی در دست تولید دارید؟

به زودی دست‌نوشته‌های عرفانی دکتر چمران، همراه با بخشی از نیایش‌های ایشان در قالب کتابی، با عنوان «عارفانه» به بازار کتاب خواهد آمد. آثار شهید چمران بسیار زیادند؛ ایشان ۲۰۰ نوار کاست سخنرانی و همچنین تعداد فراوانی دست‌نوشته دارند که هنوز منتشر نشده‌اند. آقای مهندس مهدی چمران نیز سواس و دقت فراوانی در تصحیح و طبقه‌بندی آثار برادر شهیدش دارد و به همین دلیل این آثار آرام آرام روانه بازار کتاب می‌شوند. مهندس مهدی چمران در حال نگارش کتابی درباره زندگی شخصی و خصوصی شهید دکتر چمران است و با این که به مراحل چاپ نزدیک شده، اما سواس ایشان و خود من و تاکید بر تولید اثری کامل و سالم، انتشار آن را به تاخیر انداخته است.

گویا برخی از کتاب‌ها به صورت نرم‌افزار هم ارائه شده‌اند.

بله، نرم‌افزاری شامل ۳۰۰ قطعه عکس ۱۵۰ قطعه دست‌نوشته، ۳۰۰ دقیقه سخنرانی، متن کامل ۵ عنوان کتاب و فیلم‌هایی از لحظات شهادت ایشان را ارائه کرده‌ایم که برای استفاده راحت‌تر متقاضیان و مخاطبان، محتویات این نرم‌افزار در لوح فشرده‌های جداگانه نیز ارائه شده‌اند.

به نظر می‌رسد که سیاست‌های بنیاد بیشتر بر مبنای

انتشار آثار شهید چمران، شکل گرفته است. چرا بنیاد در زمینه انتشار کتاب‌هایی در مورد شهید چمران، فعال نیست؟

این جزو هدف‌گیری‌ها و سیاست‌های کلی بنیاد شهید مصطفی چمران است که آثار ایشان منتشر شود؛ ولی ما بر انتشار کتاب‌هایی که درباره شهید چمران منتشر می‌شوند نظارت داریم. برخی از این آثار و کتاب‌ها، اصالت ندارند و حتی برخی از آنها، زندگی ایشان را تحریف هم کرده‌اند.

هر وقت با چنین کتاب‌هایی مواجه شده‌ایم که حاوی مطالب نادرست بوده‌اند، ناشر یا مولف را از نادرستی مطالب کتاب آگاه کرده و موضع‌گیری کرده‌ایم.

آیا بنیاد برای نظارت بر کتاب‌هایی که در مورد شهید چمران منتشر می‌شوند، ابزار قانونی هم دارد؟

خیر. توصیه‌های ما و جناب آقای مهندس چمران، پیشنهاد قانونی ندارند؛ اما ما به دلیل آگاهی نسبت به زندگی و اندیشه‌های دکتر چمران و نیز به دلیل مسئولیتی که در این زمینه داریم، به ناشرانی که در کتاب‌های خود اشتباهاتی داشته‌اند، تذکر می‌دهیم. در بسیاری از مواقع ناشران از این توصیه‌ها استقبال کرده و اغلاط و اشتباهات کتاب‌ها را اصلاح می‌کنند؛ اما گاهی هم با کم‌لطفی ناشران و کم‌اعتنایی آنها مواجه می‌شویم. چندی پیش، شاهد انتشار کتابی درباره زندگی شهید چمران بودیم که حتی در آن تحریفاتی در مورد زندگی ایشان صورت گرفته بود. خانم عاده - همسر شهید چمران - از محتویات این کتاب، بسیار ناراحت شد. خلاصه آن که نظارت ما بر کتاب‌هایی که در مورد شهید چمران منتشر می‌شوند، جنبه راهنمایی دارد که بسیاری از ناشران به این راهنمایی‌ها و ارشادها توجه می‌کنند و برخی هم نه.

فکر می‌کنید کدام جنبه از ابعاد شخصیتی شهید چمران مورد غفلت قرار گرفته است؟

دکتر چمران اوایل انقلاب به ایران آمد و در همان ابتدای ورودشان به کشور، درگیر مسائل و مشکلات انقلاب شد و برای رفع این مشکلات کوشید. پس از مدت کوتاهی نیز، کشور ما دچار جنگ تحمیلی شد و شهید چمران برای آموزش تاکتیک و دانسته‌های نظامی‌اش وارد جنگ شد. به این ترتیب، یکی از جنبه‌های شخصیتی شهید چمران که از دیده‌ها پنهان ماند و وی نیز هیچ فرصتی برای ارائه آن نیافت، جنبه علمی شخصیت ایشان است. شهید چمران در رشته «فیزیک پلاسما و الکترونیک» از دانشگاه برکلی به عنوان شاگرد اول مدرک دکترا گرفت. یکی از تلاش‌های بنیاد برای معرفی شخصیت علمی شهید چمران، ترجمه پایان‌نامه ایشان و چاپ آن بود. «باریکه الکترونی در مکترون‌ها با کاتد سرد» عنوان

رساله دکترای شهید چمران است که توسط دکتر امراللهی ترجمه شده و از طریق انتشارات بنیاد شهید چمران در اختیار علاقه‌مندان به موضوعات علمی قرار گرفته است. با چاپ این کتاب تلاش کردیم نشان دهیم که شهید چمران علاوه بر بعد نظامی - که در ذهن مردم غالب است - دارای بعد علمی نیز بوده است.

البته بعد علمی شهید چمران در امور نظامی هم بارز بوده است.

دقیقاً همین‌طور است؛ دکتر چمران به دلیل آموزش‌های پیشرفته نظامی‌ای که دیده بود، در صحنه جنگ نیز نگاهی عالمانه داشت و این نگاه عالمانه در میدان نبرد، امری است که هنوز آنچنان که شاید و باید مطرح نشده است. شهید چمران در ابتدای حضور خود در بخش‌های مختلف کشور اموری را پایه‌گذاری کرد که ما همچنان از برکات آن استفاده می‌کنیم. لشکرهای بعضی به دلیل همین تدابیر عالمانه دکتر چمران، نتوانستند اهواز را تصرف کنند. مردم، غالباً دکتر چمران را در لباس نظامی دیده بودند و از طرفی غالباً نمی‌دانند که در مدیریت نظامی تدابیر علمی تا چه حد اهمیت دارد. از همین رو کمتر کسی در کشور ما ابعاد علمی شهید چمران را می‌شناسد.

چه عاملی سبب شد که دکتر چمران تمام مطامع و مدارک دنیوی در آمریکا را رها کند، به ایران بیاید و در خطوط مقدم علیه تجاوزگرانی که به خاک ایران حمله کرده بودند، بچنگد؟

هنگامی که دست‌نوشته‌های شهید دکتر چمران را مطالعه می‌کنید، متوجه می‌شوید که ایشان از همان دوران نوجوانی با جدیت یک عارف، روح و تن خود را تربیت می‌کرد. وی پیش از جهاد اصغر به جهاد اکبر پرداخته بود، شیطان درونش را کشته بود و تمام وجودش را متوجه خدا کرده بود. امکان ندارد نوشته‌ای از دکتر چمران بخوانید و رد پای از سمت و سوی خدایی در آن پیدا نکنید. همین تربیت و تزکیه نفس و جهت‌گیری خدایی شهید چمران سبب شده بود که همه مطامع و مظاهر دنیوی در چشم او به نفع حقیقت‌طلبی و خدادوستی کنار رود.

برخورد مخاطبان در نمایشگاه کتاب با غرفه بنیاد شهید چمران چگونه بود؟

در غرفه بنیاد، با طیف گسترده‌ای از مخاطبان روبه‌رو بودیم. به این معنا که اقشار مختلف مردم با افکار کاملاً متفاوت، اشتیاق فراوانی برای آشنایی با آرمان‌ها و نگاه‌های شهید مصطفی چمران داشتند. استقبال مردم از غرفه ما چنان زیاد بود که موجب تعجب و شگفتی غرفه‌های اطراف ما شده بود. ما سه نفر را در غرفه مستقر کرده بودیم، اما استقبال به حدی بود که به سختی می‌توانستیم پاسخگوی همه مراجعان باشیم.

چاپ کتاب‌های تخصصی رادر کشور تقویت کنیم، کم‌نیستند نویسندگان و متخصصانی که از تالیف کتاب‌های علمی استقبال می‌کنند. مشکل دیگر، توزیع و اطلاع‌رسانی در حوزه کتاب‌های تخصصی است. هنوز خیلی‌ها از چاپ این کتاب مطلع نبوده و کانون‌های توزیع نیز بسیار محدودند. بخش‌های خصوصی هم ترجیح می‌دهند کتاب‌هایی را توزیع کنند که مخاطبان عام دارند در این میان مشکل توزیع در شهرستان‌ها و نقاط دورافتاده کشور مشهودتر است که امیدوارم به حل این مشکل توجه جدی شود.

آیا کتاب به چاپ دوم هم خواهد رسید؟

محمدامین زارعی: این کتاب برای چاپ بعدی نیازمند بازنگری و تغییر است که در پی منابع علمی آن هستیم.

بررسی مواجهه می‌شد که اگر کمی بیشتر صبر می‌کردیم، مطالب کتاب تا زگی خود را از دست می‌دادند. در پایان تصمیم گرفتیم این کتاب را خودمان با سرمایه شخصی چاپ کنیم. اگر بخش‌های دولتی یا خصوصی سرمایه‌گذاری می‌کردند با فروش همین کتاب به کارمندانمان سرمایه صرف شده دوباره به خودشان برمی‌گشت. اما این جرأت وجود داشت که از یک کتاب تخصصی حمایت کنند اگر چه می‌دانستند کارشناسانشان به آن نیاز دارند. بنابراین خودمان شماره انتشار بین‌المللی و فیبا گرفتیم و با چاپخانه قرارداد بستیم و هنگامی که کتاب آماده شد همه به خوبی از آن استقبال کردند ولی آیا در چاپ دوم کتاب ما می‌توانیم این همه انرژی صرف کنیم؟ تا وقتی سرمایه‌گذار و پشتیبانی کتاب کافی نباشد؛ مطمئناً انگیزه چاپ کتاب هم کم خواهد بود. اگر بتوانیم فرهنگ حمایت

ضرورت حمایت از تألیف کتب علمی

ادامه از صفحه ۹

مشکلات تألیف یک کتاب علمی در ایران چیست؟

سعید روحانی: این مشکلات به دو حوزه تألیف و انتشار کتاب مربوط است. به دلیل نیاز علمی شدیدی که به مبحث مدیریت فناوری اطلاعات احساس می‌شود، در مدت کوتاه و حدود چهار ماه کتاب را تألیف و ویرایش کردیم اما مشکلات اساسی مربوط به چاپ کتاب کم نبود. شش ماه دنبال یک سرمایه‌گذار برای چاپ کتاب بودیم؛ از بانک ملت که بخشی دولتی است تا شرکت‌های خصوصی هم به دنبال جذب سرمایه بودیم اما چون کتاب تخصصی بود، با فرآیندهای طولانی

درباره کتاب، زیبایی و فلسفه هنر در گفت و گو: افلاطون

تأملات ایرانی در هنر و زیبایی

کتاب «زیبایی و فلسفه هنر در گفت و گو: افلاطون» به کوشش منیره پنج تنی شامل گفت و گوهایی است با دکتر سعید بینای مطلق، دکتر سید محمدرضا بهشتی، دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر محمد ضیمران و دکتر شمس الملوک مصطفوی درباره زیبایی و فلسفه هنر. این کتاب در بهار ۱۳۸۸ با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و قیمت ۴۶۰۰ تومان از سوی فرهنگستان هنر منتشر شده است. سخن گفتن در باب «هنر» و «زیبایی» و پرسش «از» و «درباره» آن‌ها متعلق به روزگار کنونی تاریخ بشریت نیست و سابقه آن به گذشته‌هایی بس دور بازمی‌گردد. اما دانش زیباشناسی و فلسفه هنر، بی‌شک از قرن هجدهم میلادی سامان یافته و برآمده از رویکرد جدید به علم و حقیقت در عصر جدید است.

با مروری بر تاریخ اندیشه، به وضوح می‌توان دریافت که بخشی از مهم‌ترین تأملات درباره هنر و زیبایی، در سنت اندیشه یونان باستان وجود داشته است. به طور خاص نخستین پرسش‌های صریح در این باب را می‌توان در نظام فکری افلاطون یافت. در واقع کتاب «زیبایی و فلسفه هنر در گفت و گو: افلاطون» نخستین جلد از مجموعه کتاب‌هایی است که در آینده به همت فرهنگستان هنر و کوشش منیره پنج تنی منتشر می‌شود. این کتاب درآمدی است برای پرداختن به این حوزه مهم در قالب مجموعه گفت و گوهایی با استادان و صاحب‌نظران که در آن هر یک به پرسش‌هایی مشابه پاسخ می‌دهند. تلاش این است که بدین سان تجربه‌ای از سنت دیالوگ‌های سقراطی در رساله‌های افلاطون را در حوزه زبان فارسی ارائه کرده باشند. همچنین تلاش شده با پاسخ به پرسش‌های مشابه فرصتی را برای مخاطب مهیا کنند که با کنار هم نهادن پاسخ‌ها، پاسخ دهندگان را ارزیابی کند. همچنین فرصت اندیشیدن به موضوع از جهات گوناگون پس از مواجهه با چنین پاسخ‌هایی به مخاطب دست دهد. البته این امر پیش شرطی را لازم دارد و آن، آشنایی حداقلی خواننده با مباحث و موضوعاتی است که به بحث گذاشته شده‌اند. اگرچه این کتاب می‌تواند در نگاه نخست جنبه آموزشی داشته باشد، اما بیش از آن، مخاطب خود را به چالش، پرسش و بررسی پاسخ‌ها می‌کشاند. نمایه پایان کتاب در این جا کارکردی موثر می‌یابد و به کمک آن می‌توان موضوعی مشخص را یافت و کنار هم قرار داد و ارزیابی کرد. گویی این نمایه کلی بودن فهرست ابتدای کتاب را جبران می‌کند که تنها با عنوان «پرسش و پاسخ دکتر...» همه چیز را ختم به خیر کرده است.

این کتاب از گفت و گو برای سخن گفتن با مخاطب خود بهره می‌برد؛ شیوه‌ای که با توجه به اهداف انتشار این کتاب می‌توانسته یکی از بهترین گزینه‌ها محسوب شود. در این کتاب بحث از زیبایی و هنر در اندیشه افلاطون با عطف نظر توأمان به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی وی، طرح و این موضوع به درستی ضروری دانسته شده است که باید هر دوی این امور را برای مواجهه‌ای درخور با اندیشه‌های افلاطون در این باره در نظر داشت. اینچنین است که «فهم افلاطون در بستر اندیشه خود او پررنگ می‌شود و عبور از مقولات و الگوهای تبیینی متأخر و فراهم آوردن امکان بازبازی اندیشه افلاطون در افق فکری ما» مدنظر قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، کوشش این کتاب یا بهتر است بگوییم این گفت و گوها از یک

سو، جست‌وجویی است برای بازبازی اندیشه افلاطون در باب زیبایی و هنر در بستر اندیشه و آثار وی و از سوی دیگر، مواجهه ساختن این اندیشه با پرسش‌ها و مسائل زمانه ما در این دو عرصه. اینچنین است که گفت و گو می‌تواند یاریگر باشد برای گام نهادن در چنین مسیری که بی‌شک در عین سادگی دشواری‌های بسیاری نیز دارد. این گفت و گو، تنها، رخدادی میان مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده نیست یا فرصتی برای مخاطب در مقایسه و ارزیابی آرای افراد گوناگون درباره یک موضوع. این گفت و گوها فرصتی است برای مصاحبه‌شوندگان تا با نظرات دیگر همکاران خود در باب موضوعاتی مشخص در این حوزه آشنا شوند و این، کار مؤلف را سخت‌تر می‌کند. سخت‌تر از این بابت که اگر کسانی که با آن‌ها گفت و گو شده، اندیشه‌ورزانی جدی باشند. آن‌گاه احتمالاً مصاحبه‌کننده ناچار خواهد بود ویراست دوم کتاب را سراسر متفاوت از ویراست نخست ارائه دهد. به این دلیل که هر یک از این افراد با خواندن این کتاب به زوایای بسیار دیگری از موضوعات که از آن غافل بوده‌اند آگاه خواهند شد و ضروری خواهند دانست که سخنانشان را بازبینی کنند و سازمانی مجدد دهند؛ ضرورتی که مؤلف/مصاحبه‌کننده نیز خود به آن اذعان دارد.

اما شاید بتوان نقدهایی را نیز بر این کار وارد دانست؛ مواردی چون چیدمان سؤالات که می‌تواند با تغییراتی اندک، سامانی بهتر بیابد (مانند سؤال ۴۱ پرسش و پاسخ دکتر سعید بینای مطلق که می‌توانست در آغاز یا پایان گفت و گو خوش‌تر بنشیند و در موقعیت فعلی سکنه‌ای را در گفت و گو ایجاد کرده است) یا درآمدی که می‌توانست در آغاز هر گفت و گو بیاید و توصیفی مناسب باشد از مصاحبه‌شونده (نه چون بیوگرافی کنونی افراد که در پنج صفحه پایانی کتاب آمده است و مشخص نیست دقیقاً چه ملاک‌هایی در محتوای آن‌ها مدنظر بوده است). نکته دیگر، شاید ضعف بخش کتاب‌شناسی باشد که به گفته مؤلف قرار بوده گزیده‌ای از منابع به زبان‌های فارسی و انگلیسی باشند که در کتابخانه‌های داخل کشور در دسترس اند. اما اگر بپذیریم که کتاب‌های فارسی موجود و مهم در این باره، همین مواردند و در کنار آن‌ها فهرستی از پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع کتاب را می‌آوریم؛ شایسته بود فهرستی از مقالات فارسی در این حوزه نیز ارائه شود. همچنین چه



ضرورتی داشته است که فقط نام سه کتاب به زبان انگلیسی بدون آوردن تاریخ انتشار آن‌ها را ذکر کنیم؛ تنها به این دلیل که این سه عنوان در کتابخانه‌های ایران در دسترس بوده‌اند؛ آن‌هم در روزگاری که می‌توان اگر نه نسخه چاپی بسیاری از این کتاب‌ها که دست کم فایل پی‌دی‌اف آن‌ها را در فضای بی‌کران مجازی یافت.

ضرورت مبانی فکری هنر

دکتر محمد ضیمران درباره ضرورت‌های پرداختن به فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی در ایران گفت: «رشته فلسفه هنر در سه دانشگاه ایران و در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری وجود دارد و اکنون دانشجویان زیادی به این حوزه می‌پردازند. این رشته یکی از رشته‌های پر رونق در غرب است که در ایران نیز طرفداران بسیاری دارد. بنابراین، نخستین دلیل در ضرورت پرداختن به این حوزه، همین امر است.» از طرف دیگر، برخی از افرادی که در رشته‌های هنری فعالیتند به مبانی نظری هنر نیز بسیار علاقه‌مندند و دوست دارند با مبانی فکری و اندیشگی این حوزه به خوبی آشنا شوند. در واقع می‌توان گفت کسی که کار هنری می‌کند ولی مبانی نظری هنر را نمی‌داند، کارش تقلیدی خواهد شد و شاید یکی از علت‌های کپی کردن آثار هنری، همین جهل به مبانی به وجود آورنده این آثار هنری باشد.

یک سوال از نویسنده

منیره پنج تنی، مؤلف کتاب «زیبایی و فلسفه هنر در گفت و گو: افلاطون» در پاسخ به این سؤال که چرا پرسش‌هایی مشخص را با استادان و مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته است، گفت: «در طرح این کتاب مهم‌ترین نکته‌ای که از ابتدا مدنظر بود توجه به مواضع شخصی استادان در موضوعات فلسفه هنر و در ادامه اختلاف نظریات آن‌ها در موضوعات مشترک بود. چنان‌که این امر را می‌توان در سؤالاتی دید که به بحث و پرسش درباره یک موضوع مشترک می‌پردازند. با چنین رویکردی، می‌توان به اندیشه‌های استادان در مباحث مشخص دست یافت. پیگیری این مسأله در وهله اول به نفع جامعه فلسفی ایران است زیرا پرداختن به موضوعات مشترک از سوی استادان و مکتوب شدن آن‌ها، می‌تواند بستر اندیشیدن دوباره به موضوعات را فراهم آورد.»

از این رهگذر مشخص می‌شود که اندیشمندان کنونی ایران درباره یک موضوع مشخص چگونه می‌اندیشند و چگونه می‌توان این اندیشه‌ها را طبقه‌بندی کرد. این کتاب زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که مخاطبان بتوانند با بررسی پاسخ‌ها، قضاوت کنند که در ایران از افلاطون یک یا چند خوانش وجود دارد. به این معنی که آیا می‌توان به یک اندیشه و برداشت واحد از افلاطون در زیبایی و فلسفه هنر او رسید یا این که ما با چند برداشت و تفسیر از وی مواجهیم و این اختلافات تا چه اندازه بنیادین و جدی است؟

به گفته ضیمران، این کتاب بر مبنای سنت سقراطی شکل گرفته است: «باید توجه داشت که همه آدم‌ها حوصله خواندن آثار افلاطون را ندارند. این گفت و گوها کمک می‌کند که خود این آثار نیز خوانده شوند و فرد بفهمد که افلاطون راجع به چه چیزهایی فکر کرده است. از طرف دیگر، خواننده این کتاب می‌تواند جواب پنج نفر را با رویکردها و نگاه‌های مختلف به یک سؤال واحد مطالعه کند و با مقایسه آن‌ها نکات فراوانی به دست آورد که به نظر من این امر ارزش بسیاری دارد.»

وی در پاسخ به این سؤال که آیا بهتر نیست بیشتر به ترجمه آثاری که در این حوزه وجود دارند پرداخته شود؟ گفت: «هرچه در غرب تولید می‌شود وحی منزل نیست که اگر ترجمه شود همه مسائل ما نیز حل شود. لازم است اهل فکر ما نیز ذهن خود را باز کنند. البته ترجمه کار مهمی است اما در کنار آن، فکر کردن راجع به همان موضوعات و اظهار نظر درباره آن‌ها نیز باید انجام گیرد. ما نباید فکر کنیم آدم‌های میان‌مایه و سطح‌پایینی هستیم که باید مقلد کورکورانه آن چیزهایی باشیم که در غرب تولید شده‌اند.»

پیوند فلسفه با هنر

دکتر شمس الملوک مصطفوی، با تأکید بر ارزش فلسفه، درباره موضوع کتاب «زیبایی و فلسفه هنر در گفت و گو: افلاطون» گفت: «مهم است که ما نشان دهیم فلسفه در چه جاهایی می‌تواند راهگشا باشد. فلسفه باید وارد حوزه‌های علوم دیگر شود. این ضرورت زمان ماست. فلسفه‌های مضاف به ما نشان می‌دهند که فلسفه می‌تواند همه جا حضور داشته باشد و نقش آفرینی کند. در واقع در بسیاری از کشورهای فیلسوفان در حوزه‌های مختلف طرح مسأله می‌کنند و این امر فعالیت فلسفی است؛ اما در ایران فلسفه به شکل محض مطرح می‌شود.» استادیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال با اشاره به این که ما در ایران در حوزه فلسفه هنر منابع خوبی نداریم و سرفصل‌ها مشخص نیستند افزود: «در فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، مبانی هنر و زیبایی‌شناسی می‌شوند و بنابراین، مهم‌ترین دستاورد فلسفه هنر پیوند میان فلسفه و تفکر نظری با هنر و زیبایی است.» اما باید توجه داشت که ضروری نیست اگر کسی در فلسفه هنر کار می‌کند، حتماً هنرمند باشد. وقتی از موسیقی حرف می‌زنم لازم نیست نوازنده باشم اما باید موسیقی‌شناس باشم. از طرف دیگر، فلسفه می‌تواند به کار هنرمندان غنا ببخشد چرا که هنرمندان در چنین شرایطی، مسائل را همه‌جانبه‌تر و عمیق‌تر می‌بینند و در عین حال کسی که کارش نقد ادبی و هنری است، حتماً باید فلسفه بداند چرا که از مفاهیم فلسفی استفاده می‌کند و بنابراین باید درکی عمیق از موضوعات فلسفی داشته باشد.

دکتر مصطفوی، سبک و سیاق این کتاب را به شیوه رساله‌های افلاطون در قالب گفت و گو می‌داند و می‌گوید: «در گفت و گو جوانب مختلف موضوع مطرح می‌شود. برای مثال اگر به من می‌گفتند چیزی درباره زیبایی‌شناسی و هنر افلاطون بنویس، چه بسا از بسیاری از نکات طرح شده در این کتاب غفلت می‌کردم. یعنی محورهایی را تعریف و روی آن‌ها کار می‌کردم و مقاله‌ای کتابی می‌نوشتم و در نهایت، چه بسا به بسیاری از جزئیات مهم بی‌توجه می‌ماندم.»



استاد آموزش نگاه فلسفی

علی اوجبی، نویسنده حوزه فلسفه و معاون فرهنگی خانه کتاب، فروردین ماه سال جاری کتابی با عنوان «خرد و خردورزی» را تدوین کرد که در نمایشگاه کتاب امسال توزیع شد. این کتاب شامل ۳۱ مقاله است که نویسندگان و استادان این حوزه درباره غلامحسین ابراهیمی دینانی نوشته‌اند.

پیش از آن که ابراهیمی دینانی را در خلال گفت و گو با اوجبی بیشتر بشناسیم، بجاست ابتدا قدری درباره این استاد فلسفه بخوانیم.

غلامحسین ابراهیمی دینانی، متولد پنجم دی ماه سال ۱۳۱۳ در روستای دینان، حومه شهر اصفهان، پس از پایان تحصیلات ابتدایی در همان روستا بر اساس انگیزه‌های دینی به حوزه علمیه اصفهان رفت و در مدرسه نیم آورد که از مدارس قدیمی و معروف آن شهر است، به تحصیل علوم دینی از قبیل صرف، نحو، منطق، معانی و بیان، اصول و فقه پرداخت. وی بعد از آن برای تکمیل تحصیلات به شهر قم وارد شد و در محضر استادان بزرگ آن شهر به تحصیل فقه و اصول ادامه داد. ابراهیمی دینانی در همان ایام، ضمن این که در درس‌های خارج فقه و اصول شرکت می‌کرد، در درس‌های فلسفه علامه طباطبایی نیز حضور می‌یافت و علاوه بر درس‌های روزانه خود که اغلب تدریس کتاب اسفار ملاصدرا و شفا ابن سینا را شامل می‌شد، جلسه‌های خصوصی تدریس فلسفه در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه را به عهده داشت.

پس از وفات آیت‌الله بروجردی، که رئیس حوزه علمیه قم بود، دینانی بنا به علی‌قم را ترک کرد و با ورود به تهران، از طریق کنکور به دانشگاه تهران وارد شد و تا اخذ درجه دکتری در رشته فلسفه به تحصیلات خود ادامه داد. پس از اخذ درجه دکتری، به دانشگاه فردوسی مشهد رفت و در آنجا به تدریس فلسفه اسلامی مشغول بود تا در سال ۱۳۶۲ به دانشگاه تهران منتقل شد. وی تاکنون در گروه فلسفه این دانشگاه به تدریس فلسفه اشتغال دارد.

این نویسنده و استاد حوزه فلسفه در خلال این مدت علاوه بر تدریس، به تالیف کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف فلسفی مبادرت کرده است که تعدادی از آنها عبارتند از: «قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی» در سه مجلد، «شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی»، «منطق و معرفت در نظر غزالی»، «معاد دیدگاه حکیم مدرس زنوزی»، «اسماء و صفات حق تبارک و تعالی»، «وجود رابط و مستقل در فلسفه اسلامی»، مجموعه مقالات «نیایش فیلسوف» و «دفتر عقل و آیت عشق». اوجبی درباره شیوه آشنایی خود با غلامحسین

ابراهیمی دینانی می‌گوید: «سابقه آشنایی من با استاد به سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ برمی‌گردد؛ زمانی که مشغول تحصیل در دبیرستان در رشته ریاضی، اما علاقه‌مند به فلسفه بودم. در همان زمان به مجموعه مشکلاتی برمی‌خوردم که پاسخشان را در جای دیگری پیدا نمی‌کردم تا این که با کتاب «قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی» وی آشنا شدم.»

اوجبی می‌گوید: «در همان تورق ابتدایی احساس کردم گمشده‌ام را پیدا کرده‌ام و متوجه شدم اثر ویژگی‌های خاصی دارد و این به ذهن نقاد و هوشمند نویسنده مربوط است.»

آشنایی حضوری اوجبی با ابراهیمی دینانی مربوط به زمانی است که این استاد می‌خواست کتاب «حکمت خاقانیه» فاضل هندی را تهیه کند و از اوجبی می‌خواهد بر این اثر مقدمه بنویسد.

معاون فرهنگی خانه کتاب، درباره ویژگی‌های برجسته دینانی می‌گوید: «در گفت‌وگو با ایشان و خواندن آثارش، فلسفی فکر کردن را آموختم و نگاه فلسفی شد. با این که تحصیلات فلسفی‌ام در حوزه بود، اما کلاس‌های درسی وی متفاوت بود، چون دانشجویان در کلاس‌های وی نگاه فلسفی پیدامی‌کنند. شیوه تدریس او هم به این صورت است که در مورد بدیهی‌ترین مسائل فلسفی یک سؤال مطرح می‌کند و در این سؤال تردید و تشکیک می‌شود و سپس با شیوه دیالکتیکی به بحث و گفت‌وگو می‌پردازد.»

اوجبی که معتقد است اغلب فیلسوفان دوره ما نگاه درونی دارند و هر یک از متفکران پیشین را به صورت حلقه‌های جدا از هم می‌بینند، می‌گوید: «دینانی نگاه بیرونی دارد به این معنا که متفکران را از گذشته تا امروز به صورت یک جریان و پیکره و اندام واحد می‌بیند.» تدوینگر کتاب «خرد و خردورزی» درباره آثار ابراهیمی دینانی معتقد است: «به نظر تک‌نگاری‌های وی، آثار نو بدیعی‌اند و در آنها به نکته‌هایی اشاره شده که تاکنون به ذهن خطور نکرده است. در واقع، وی از متون موجود استفاده اما از آنها نکات بکر و تازه‌ای استخراج می‌کند. به نظر من این نوآوری شاخصه اصلی آثار دینانی است.»

اوجبی تصریح می‌کند: «مجموع ویژگی‌هایی که ذکر کردم، موجب شد دل‌بستگی‌ام به وی مضاعف شود و حدود سه سال پیش بود که به این فکر افتادم مجموعه‌ای فراهم و از وی قدردانی کنم، چون همان‌طور که فلسفه از تاثیرگذارترین دانش‌هاست، فلاسفه هم از مؤثرترین متفکران جامعه‌اند و باید به جامعه به ویژه جوانان معرفی شوند.»



اوجبی با اشاره به ویژگی‌های کتاب گردآوری شده می‌گوید: «من عنوان دینانی را «فیلسوف گفت‌وگو» می‌گذارم چون به شدت اهل گفت‌وگو است و از نقد و نقادی استقبال می‌کند. از طرفی، بیان جذابی دارد که این یک حسن است چون بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران نظریات قوی و خوبی دارند اما قدرت انتقال خوبی ندارند و چه بسیار افرادی بوده‌اند که در جلسات دکتر دینانی به فلسفه علاقه‌مند شده‌اند.»

وی در ادامه بحثش به بیان ویژگی‌های شخصیتی دینانی می‌پردازد و می‌گوید: «حضور ذهن دینانی فوق‌العاده است. در بسیاری از بحث‌ها موضوع از پیش معلوم نبود اما حضور ذهن قوی وی موجب می‌شد بحث به خوبی پیش برود و جذاب شود. وی همچنین برای فلسفه تعصب قائل است و به شدت از عقیده‌اش دفاع می‌کند.»

علاقه معاون فرهنگی خانه کتاب به آثار دینانی نیز قابل توجه است. او می‌گوید: «به نظر هر یک از آثار دینانی دریایی از معرفت‌اند، هم تک‌نگاری‌های وی و هم آثار تاریخی و فلسفی‌اش، زیرا هر کدام، یک خلاء فلسفی را پر کرده‌اند. مساله مهم‌تر این که تمام آثار دینانی حاصل دغدغه شخصی اوست و هیچ‌یک به صورت سفارشی نگاشته نشده‌اند. علاقه شخصی من به کتاب «اصول و قواعد فلسفه» بیشتر است که شاید به دلیل خاطرات شیرینی است که از این کتاب دارم. به نظر من اثر، نخستین و آخرین کتاب کامل در حوزه فلسفه است و با این که بارها تجدید چاپ شده، اما جا

دارد باز هم تکمیل شود.» این نویسنده حوزه فلسفه، یکی دیگر از دلایل ممتاز بودن آثار دینانی را تالیف آثار مستقل می‌داند و مطرح می‌کند: «دینانی هیچ‌گاه شرحی بر آثار ننوشته است، بلکه به تالیف آثار مستقل پرداخته و در آنها به نکات بدیعی اشاره کرده است.»

اوجبی علت تبحر دینانی در حوزه فلسفه را یادگیری فلسفه نزد استادان سرشناس می‌داند و معتقد است: «دینانی فلسفه را نزد افرادی از قبیل علامه طباطبایی و ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخته است و به عنوان ملازم و همراه علامه طباطبایی در جلسات ایشان حضور داشته و در تعدادی از جلسات هم با هنری کرین از متفکران فلسفه غربی به بحث و گفت‌وگو پرداخته است.»

از نظر اوجبی، دینانی نخستین کسی است که از آثار سهروردی غبار زدوده است. وی در این باره می‌گوید: «برخی حوزه‌ها در فلسفه مثل حکمت اشراق و اندیشه‌های سهروردی مهجور مانده‌اند، در حالی که حکمت اشراق دست کمی از حکمت صدرایی ندارد.

نخستین کسی که آثار منزوی سهروردی را دوباره احیا کرد، دینانی بود که کتابی هم با عنوان «شعاع اندیشه و شهود سهروردی» تالیف کرد و برخلاف عده‌ای که شایع کرده‌اند سهروردی مشرک است، دینانی او را به عنوان یک موحد و یک فرد نوآور در منطق و فلسفه معرفی کرده است.»

اوجبی درباره کتاب «خرد و خردورزی» که به انگیزه تجلیل از دینانی تهیه کرده است، می‌گوید: «این کتاب شامل سه بخش است. بخش نخست شامل گفت‌وگو با استاد است که در آن، خاطرات و دیدگاه‌هایش و مباحث فلسفی مطرح می‌شود. در بخش دیگر کتاب ۳۱ مقاله‌ای از صاحب‌نظران فلسفه درباره دینانی گردآوری شده است که در میان این مقالات، نقد هم وجود دارد و بخش آخر هم مجموعه‌ای از عکس‌های استاد چاپ شده‌اند.»

وی در پایان می‌گوید: «در برنامه‌ای که قرار است به مناسبت رونمایی از این کتاب برگزار شود، قصد دارم، هم نوعی ادای دین به استاد کنم و هم زوایای فکری وی کاویده و به جوانان معرفی شود. مراسم مفصل تجلیل از وی نیز قرار است همزمان با روز جهانی فلسفه در انجمن حکمت و فلسفه ایران برگزار شود.»

پیش‌تر، اعلام شده بود که آیین رونمایی کتاب «خرد و خردورزی» علی اوجبی و نکو داشت استاد ابراهیمی دینانی، عصر دوشنبه ۲۵ خرداد در سرای اهل قلم برگزار می‌شود که اجرای این برنامه، فعلا به تعویق افتاده است.

اصل علیت در فلسفه و کلام



حسین قدیمی: کتاب «اصل علیت در فلسفه و کلام» به قلم دکتر محمدحسن قدردان قراملکی از سوی موسسه بوستان کتاب تجدید چاپ شد.

این رساله در مقام استحکام بخشیدن به اصل علیت و دفع شبهات آن است؛ شبهاتی که براهین اثبات باری تعالی را مورد تاخت و تاز قرار داده‌اند.

بر اساس مطالب کتاب، کندوکاو و کاوش در مورد اصل علیت و دترمینیسم (Determinism) که به مثابه درختی تنومند در کویر بشریت است و انسان‌های رهگذر جاده تاریخ از ثمرات و شکوفه‌های عطرآگین آن منتعم می‌شوند، شاید برای کسی که صدای مهیب و سهمگین توفان‌های فلسفی و علم را که این درخت مبارکه مورد آماج تهاجمات قرار گرفته است نشنیده باشد، چنین بحث گسترده‌ای یک بحث کم‌اهمیت و ملال‌آور باشد، لکن اگر کنکاشی در تشکیکات دوران باستان که از

سوی شکاکان و سیتیسیم‌ها (Sceptics) حدود ۲۵ قرن پیش مطرح شده است داشته باشیم یا نظر به تشکیکات اشاعره که در آثار غزالی و رازی به صورت نظریه «عاده‌الله» مطرح شده بیفکنیم و همچنین اگر به تاثیر این نظریه در میان متکلمان و فلاسفه متدین غرب، مانند مالبرانش و دکارت که چون اشاعره، معتقد به تقارن غیر علی و اکیشنالیسم شدند، نیم‌نگاهی داشته باشیم... و اگر نظری به آیات و روایات، به ظاهر در رد علیت و اکازیونالیسم و تایید جبر و سرنوشت ازلی وارد شده داشته باشیم، و خلاصه اگر ذهن نقاد خودمان را به جولانگه این اگرها بیندازیم، به اهمیت و عمق موضوع علیت پی خواهیم برد و توان و نیروی خود را برای اثبات این اصل و رفع شبهات آن مهیا خواهیم کرد؛ زیرا این وظیفه متکلم و فیلسوف دین است که از بنیادهای دین در مقابل زلزله‌های وارد بر آن محافظت کند و در مقابل شبهات مخلفان و منتقدان دین، چون کوه استوار باشد و از حقیقت دین دفاع کند.

نویسنده در بخشی از مقدمه خود می‌نویسد: «امروزه متاسفانه بعضی از اندیشوران تحت تاثیر فلسفه امثال هیوم و کانت، داعیه جداکناری حوزه دین و عقل را سر می‌دهند و معتقدند که وجود خدا و ادیان الهی امر معقول و پسندیده‌ای است، اما این که آیا واقعا و منطقا

هم چنین است، با تردید و در بعضی موارد با جزم به نفی آن پاسخ می‌دهند و در توصیه مشفقانه به متکلمان و فلاسفه دین متذکر می‌شوند که وظیفه آن دفاع از حقیقت و واقعیت داشتن اعتقادات دینی نیست، بلکه حداکثر وظیفه‌شان دفاع از مقبولیت و عقلانیت آن اعتقادات است. رهاورد چنین آشفته‌بازاری، احتمال نقد اصل علیت که براهین اثبات وجود باری تعالی بر پذیرش آن استوار است، و درآینده نزدیک به یقین مبدل می‌شود. به اصل علیت اهمیت و جلوه تازه‌ای بخشیده و مسئولیت متکلم و فیلسوف دین را چندین برابر می‌کند.»

از منابع نویسنده در تدوین این اثر می‌توان کتاب‌های شرح نهج البلاغه (علامه جعفری)، آفرینندگان جهان نو، اجود التقریرات، احیاء العلوم، الاربعین، الاشارات، اسفار الاربعه، اصول فلسفه و روش رئالیسم، اصول کافی، اصول المعارف، بحوث فی علم الاصول، پیدایش فلسفه علمی، تاریخ علم، تاریخ فلسفه، تاریخ فلسفه و علم، تاثیر و مبادی آن، تهافت التهافت، جبر و اختیار، جهان و اینشتین، حکمت الهی، خدا در فلسفه، رساله دین، روان‌شناسی و دین، القیسات و... را نام برد.

چاپ دوم کتاب «اصل علیت در فلسفه و کلام» در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، ۲۱۲ صفحه و بهای ۳۱۰۰ تومان راهی بازار نشر شده است.

۴۵ سال ردیای موساد در کتاب «قضاوت نهایی»

قاتل کندی کیست؟



سپرده شود.»

به عقیده پایپر، اسرائیل بیشتر با حمایت معنوی، مادی و سیاسی میرلانسکی و زیردستان او در گروه جنایتکاران حرفه‌ای به وجود آمد و در حقیقت منافع میرلانسکی و اسرائیل را مشترک می‌داند.

پایپر همچنین نقش بخش زیرزمینی سازمان جاسوسی آمریکا را نیز که به صورت خودسر و مخفی فعالیت می‌کند، در ترور کندی نادیده نمی‌گیرد و در فصل هشتم این کتاب از روابط غیر صمیمی کندی با بخشی از سازمان سیانیز پرده برمی‌دارد. به نوشته پایپر، در سال ۱۹۸۵ میلادی طی یک محاکمه بی سر و صدا، «هارک لین»، محقق که مدت‌ها ترور کندی را بررسی کرد، با ارائه مدارک محکم و مورد پذیرش هیات منصفه ثابت کرد که سازمان سیانیز ترور جان اف کندی دست داشته است اما باید توجه داشت که مدارک و شواهد ارائه شده در آن محاکمه به طور ضمنی به ارتباط اسرائیل با سازمان سیانیز اشاره دارند.

فصل سیزدهم کتاب مذکور به این موضوع که چرا نقش اسرائیل در ترور کندی نباید افشا شود اختصاص دارد و در آن پایپر عنوان می‌کند که نفوذ اسرائیل و گروه فشار آن کشور در رسانه‌های آمریکایی برای افرادی که به دخالت اسرائیل در ترور کندی مشکوک شده بودند، شرایط دشواری را پیش آورد به طوری که نتوانستند سخنان خود را با مخاطبان خویش در میان بگذارند.

نویسنده در بخش چهاردهم کتاب به رابطه نزدیک سیانیز و شاه ایران نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ریچارد هلمز، کسی که بعدها در سال ۱۹۶۶ رییس سیا شد، در اوایل دهه ۱۹۳۰ در مدرسه شبانه‌روزی سوییس همکلاس شاه ایران بود و آنها دوستان خوبی بودند.»

پایپر در پایان نتیجه می‌گیرد که دولت اسرائیل با همه گروه‌های قدرت که می‌خواستند کندی را عزل کنند، روابط کامل داشت. به گفته پایپر شبکه جهانی اسرائیل قدرت داشت که هم ترور کندی را سازماندهی و هم حقیقت این ترور را کتمان کند.

ترجمه فارسی محمد علی شیخ علیان از «قضاوت نهایی» که ۳۸۴ صفحه دارد در یک هزار نسخه و با قیمت شش هزار تومان از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

و دیگران، به دفعات مسئول جنایاتی شناخته شده‌اند که یا مستقیماً به دست موساد یا با هماهنگی آن انجام شده است. پایپر در ادامه کتاب، به روابط غیر حسنه جان اف کندی با مافیای جنایتکار آمریکایی که با حمایت اسرائیل فعالیت می‌کردند، اشاره می‌کند و آن را بی ارتباط با قتل وی نمی‌داند.

نویسنده در بخش پنجم این کتاب که «منشاء» نام دارد به بیان دلایل قتل کندی اشاره می‌کند و با استفاده از منابع تاریخی به اعتبار بخشی به نوشته‌های خود می‌پردازد. به گفته پایپر، چند هفته پس از ترور کندی بیشترین منافع عاید اسرائیل شد. البته هیچ‌یک از رسانه‌ها در این باره چیزی به مردم آمریکا نمی‌گویند. به عقیده او «لیندون جانسون» معاون کندی بیشترین سود را از قتل کندی می‌برد چرا که پس از به قدرت رسیدن، به سرعت سیاست آمریکا در خاورمیانه را تغییر می‌دهد و روابط آمریکا و اسرائیل را کاملاً ترمیم می‌کند.

نویسنده حتی معتقد است اگر حادثه ترور کندی صورت نمی‌گرفت و جانسون سر کار نمی‌آمد، هیچ‌گاه سرزمین فلسطین به کام صهیونیسم، به این شکل اشغال نمی‌شد. بخش عمده‌ای از این کتاب تحلیلی به نقش «میرلانسکی» که از او به عنوان رئیس جنایتکاران بین‌المللی در اواخر قرن بیستم یاد می‌شود، اشاره دارد و نویسنده بارها نقش او را در ارتباط با موساد و سیا و اکاوی می‌کند. او در این باره می‌نویسد: «اگر میرلانسکی رئیس جنایات بین‌المللی نبود شاید امروز چیزی به نام دولت اسرائیل وجود نداشت و این واقعیتی است که اسرائیل ترجیح می‌دهد این موضوع به دست فراموشی

۱۹۹۴ میلادی روانه بازار نشر شد اما پس از گذشت چهار نوبت چاپ از این مجموعه، مطالب و نظریه‌هایی برای قوام و اعتبار بخشیدن به کتاب اضافه شد. نویسنده، خود عنوان کرده که از ویرایش چهارم به بعد، به نتایج قطعی تری درباره طرح موساد برای ترور کندی دست یافته است.

پایپر بخش دوم این کتاب را که «او را از میان بردارید» نام دارد با طرح این سوال آغاز می‌کند که آیا موساد ترور رئیس جمهور آمریکا را - اگر دشمن اسرائیل به نظر برسد - در دستور کار خود قرار می‌دهد؟

نویسنده این سوال را از زبان یکی از ماموران سابق موساد؛ ویکتور اوستروسکی عنوان می‌کند و سازمان جاسوسی اسرائیل که طرح کشتن جورج بوش را بررسی می‌کرد به آن پاسخ می‌دهد.

نویسنده کتاب معتقد است اگر کندی، رییس جمهور آمریکا، بر اثر توطئه‌ای که تا اندازه‌ای آن را موساد سازماندهی کرده بود به قتل رسیده باشد، این نخستین بار نیست که موساد چنین عملیاتی را طراحی کرده و صحبت‌های اوستروسکی نیز مویز این موضوع است. در فصل بعدی کتاب، نویسنده به تحقیقات انجام شده در قتل کندی اشاره می‌کند و می‌گوید که بارها سرخ‌هایی گمراه کننده ارائه شد که در اغلب آنها «لی هاروی اوزوالد» به عنوان ترور کننده صوری کندی معرفی می‌شد اما توطئه‌گران واقعی سرخ‌هایی دروغ را به گونه‌ای چیدند که به نظر بیاید اوزوالد، مامور فیدل کاسترو یا شوروی یا هردوی آنها بوده است در صورتی که مافیا و افراط‌گرایان دست راستی

کمت کسی در آمریکا یا هر جای دیگر جهان گزارش رسمی دولت آمریکا مبنی بر ترور جان اف کندی، سی و پنجمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا را باور می‌کند.

۲۲ نوامبر سال ۱۹۶۳ میلادی (۱ آذر ۱۳۴۲) جان اف کندی کندی، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا که به تعبیری بیشتر شبیه هنرمندان هالیوود بود تا رییس جمهوری از دو قدرت وقت، در حالی که در خودروی روباز لیموزین در کنار همسرش ژاکلین کندی نشسته و از شهر دالاس ایالت تگزاس بازدید می‌کرد، در مقابل چشمان هزاران نفر از مردم و میلیون‌ها بیننده تلویزیونی به ضرب گلوله کشته شد. دو گلوله از طبقه پنجم یک ساختمان انبار کتاب شلیک شد، ساعت ۱۲:۳۰ کندی دیگر زنده نبود و تنها دو ساعت و هشت دقیقه بعد لیندون بی جانسون، معاون رئیس جمهور که رابطه نزدیکی با رژیم صهیونیستی داشت، رئیس جمهور آمریکا شد.

«قضاوت نهایی» کتابی از مایکل کالینز پایپر است که با شرح وقایع و دست‌های پشت پرده در قتل کندی، ارتباط‌های مفقود در ترور او را مشخص می‌کند. این نویسنده خواننده را به سمت حلقه‌ای گمشده در قتل کندی یعنی «موساد»، سرویس جاسوسی اسرائیل جلب می‌کند و نقش این حلقه پررنگ را می‌کاود و مدارک خود را برای ادعای دست داشتن این سازمان مخوف در قتل رئیس جمهور آمریکا، ارائه می‌دهد.

در ابتدای این کتاب که توسط محمد علی شیخ علیان ترجمه شده و آن را پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات منتشر کرده، نویسنده به حمایت‌های جان اف کندی و برادرش رابرت کندی از آرمان عدالت خواهی سیاه پوستان یاد و آن را خطری بزرگ برای برخی قدرت خواهان جهان توصیف می‌کند.

پایپر به نقل از «رابرت ال بروک» موسس کمیته استقلال فردی، می‌نویسد: «در خلال قرن بیستم تشکیلات سیاسی سیاه پوستان در آمریکا، به ویژه در زمینه‌های مهم مالی، کاملاً تحت سلطه و نفوذ لابی صهیونیسم بود. سازمان‌هایی چون «جبهه ضد افترا»، که از اصلی‌ترین عناصر جبهه صاحب نفوذ اسرائیل به شمار می‌رفت و وابسته به سازمان «ب نای ب رت» بود، با جسارت تمام برای امور داخلی و سیاست کلی آنها تصمیم می‌گرفت، البته با روی کار آمدن کندی، آمریکایی‌های آفریقایی تبار صاحب سخنگویی کارآمد در کاخ سفید شدند. جان اف کندی به تمام معنا به مثابه صدایی برخاسته از درون جامعه آمریکایی، برای توانمندسازی سیاه‌پوستان پایه‌عرصه سیاسی گذاشت.» نخستین چاپ از کتاب «قضاوت نهایی» در سال

شماره‌های جدید فصلنامه «نامه پژوهش فرهنگی»

شماره دوم و سوم از سال نهم فصلنامه «نامه پژوهش فرهنگی» که ویژه فصل‌های تابستان و پاییز سال گذشته است به پیشخان کتابفروشی‌ها و روزنامه‌فروشی‌ها آمده است.

شماره‌های دوم و سوم سال ۸۷ این فصلنامه تخصصی که به ارائه آخرین تحقیقات نظری و تجربی در حوزه علوم اجتماعی و فرهنگ می‌پردازد، به سردبیری محمد سپهری منتشر شده است. در شماره تابستان فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی، هشت مقاله به قلم پژوهشگرانی چون حسن بشیر و مرتضی جاسبی به نگارش درآمده‌اند. از جمله مقالات این شماره از فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی، می‌توان به مقاله «بررسی عوامل موثر در اعتیاد جوانان ۱۴ تا ۱۹ سال شهر تهران بر اساس نظریه آگنیو» اشاره کرد که به قلم رضا عبدالرسولی نگاشته شده است. محمد سپهری، سردبیر این نشریه تخصصی در بخش «سخن نخست» به طرح ضرورت‌های انجام تحقیق و پژوهش‌های بنیادین اجتماعی در تحقق سند چشم‌انداز کشور پرداخته است.

«تصویر اسلام به روایت کاریکاتورهای غربی بعد از ۱۱ سپتامبر» نیز عنوان مقاله‌ای از حسن بشیر و مرتضی جاسبی است که به صورت مشترک نگارش شده است. شماره پاییز نامه پژوهش فرهنگی نیز به شش مقاله با عنوان‌های «ایجاد مسئله معنا از دیدگاه فلسفی» (مرتضی گوهری پور)، «تحول تاریخی مفاهیم» (سید محمد رضا بهشتی)، «دیالکتیک و معنا» (فرزین بانکی و مرتضی گوهری پور)، «آشنایی با مکاتب معناشناسی معاصر» (احمد پاکتچی) و «نگاهی دوباره به ارشاد اسلامی» (علیرضا رحیمی) اختصاص یافته است. این دو شماره از فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی با قیمت هزار و دویست تومان منتشر شده‌اند.

معرفی کتاب

دو کتاب جدید از پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات علاوه بر کتاب «قضاوت نهایی»، به تازگی دو کتاب دیگر با عناوین «تعامل فرهنگ و سیاست»؛ از تئوری تا واقعیت» و «نقش گروه‌بندی‌های سنی در جهت‌گیری ارزشی، نگرشی و رفتاری» را به ترتیب به قلم حسن بشیر و منصوره اعظم آزاد در روانه بازار نشر کرده است.

بشیر در ابتدای کتاب «تعامل فرهنگ و سیاست؛ از تئوری تا واقعیت» به طرح مسائل نظری و مفهومی درباره نحوه تعامل فرهنگ و سیاست

و هنجاری در گروه‌بندی‌های سنی می‌پردازد. نویسنده در این کتاب، به روش فراتحلیلی، مجموعه‌ای از نتایج تجربی مطالعات مستقل از یکدیگر را طراحی کرده و به صورت جداگانه از آمارهای تحلیلی نیز بهره برده است.

منصوره اعظم آزاد در این کتاب پس از مساله‌یابی فضای مفهومی و رویکرد‌های جامعه‌شناختی، تحقیقات مورد استناد خود را ارائه می‌دهد. نظریه‌های رادیکال تحلیل سن و نظریات رادیکال خرده فرهنگی جوانی، از جمله نظریاتی‌اند که در این کتاب پایه بررسی نویسنده قرار گرفته‌اند. بخش مهمی از کتاب «نقش گروه‌بندی‌های سنی در جهت‌گیری ارزشی، نگرشی و رفتاری» را جدول‌های آماری ارائه شده تشکیل می‌دهد. کتاب‌های «تعامل فرهنگ و سیاست از تئوری تا واقعیت» در هزار نسخه و با قیمت دو هزار تومان و کتاب «نقش گروه‌بندی‌های سنی در جهت‌گیری ارزشی، نگرشی و رفتاری» در شمارگان هزار نسخه و با قیمت سه هزار و ۴۰۰ تومان منتشر شده‌اند.

می‌پردازد و نظریه «سازنده‌گرایی» را در فصل نخست شرح می‌دهد. نویسنده از مولفه‌های ساختار، عامل اجتماعی، تعامل سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی، هویت، منافع ملی و پیشرفت به عنوان مفاهیم اصلی نظریه سازنده‌گرایی یاد می‌کند.

مفاهیم توازن کلی، کنش‌مندی و کنش‌پذیری و داشتن ارزش عقلی از جمله مفاهیمی‌اند که در این کتاب به طرح آن پرداخته شده است.

پرداختن به الگوهای دینی درباره تعامل میان سیاست و فرهنگ، از دیگر بخش‌های این کتاب است که نویسنده در آن الگوهای تعاملی میان دین و دولت را مطرح کرده است. فصل چهارم و پایانی کتاب «تعامل فرهنگ و سیاست؛ از تئوری تا واقعیت» به مبحث جمهوری اسلامی ایران و مدل‌های تعاملی همگانی در سیاست و فرهنگ اختصاص یافته است. دیگر کتاب پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات که با عنوان «نقش گروه‌بندی‌های سنی در جهت‌گیری ارزشی، نگرشی و رفتاری» منتشر شده نیز به صورت تخصصی به بررسی تفاوت‌های ارزشی، نگرشی



فوتبالی‌ها دست به قلم نمی‌شوند؛ چرا؟!!

دوستان برمی‌خیزد؛ افرادی که فراتر از رنگ‌های آبی و قرمز بودند و ایران و عشق به مملکت، در ذره ذره وجودشان متبلور بود. از جمله آنها، استاد اخلاق پرویز دهداری بود؛ فردی که آمیزه اخلاق خوش و نظم بسیار عالی او با علم مربیگری، از او فردی قابل احترام و دوست داشتنی ساخته بود. اما صدافسوس که او نیز بدون آن که کتابی از خود و خاطراتش بر جای بگذارد، از دنیا رفت.

مرحوم سیروس قایقران، کاپیتان سابق تیم ملی و بازیکن محبوب خطه شمال کشور به شکلی بسیار ناگهانی در جریان یک تصادف خودرو، جان به جان آفرین تسلیم کرد. او بازیکنی نامدار در فوتبال ایران و آسیا بود که به تازگی به جرگه مربیان وارد شده بود و بسیاری از کارشناسان برای او آینده‌ای درخشان متصور بودند، اما درگذشت غافلگیرکننده او، همه خاطرات و دانسته‌هایش را مدفون کرد. ای کاش قایقران، دهداری و امثال این بزرگان دست به قلم برده و خاطرات و علم‌شان را به صورت کتاب در آورده بودند تا امروز فوتبال ایران تنها به زنده نگه داشتن یاد آنها اکتفا نمی‌کرد، بلکه می‌توانست از تجربیات گرانبهای آنان نیز بهره‌بردار.

به یقین مسوولان فرهنگی سازمان تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال، وظیفه دارند اقدامات موثری در این راه انجام بدهند و به بحث کتاب در حوزه ورزش، طراوت و پویایی دیگری بخشند.



و خاطرات دوران سرمربیگری‌اش را به کتاب تبدیل کرد. البته ذوق مایلی کهن برای نگارش هنگامی به اصطلاح کور شد که او از حق‌التالیفش گذشت تا ناشر اثرش، آن‌را به‌خانه سالمندان شهر رشت بدهد که به گفته وی این کار هم عملی نشد!

دنیا دنیا تجربه مدفون می‌شود

در فوتبال ایران چهره‌هایی بوده‌اند که هرگاه صحبت از آنها به میان می‌آید، آه از نهاد فوتبال

سابق تیم ملی ایران است. مایلی کهن هنگامی که در جریان مسابقات جام ملت‌های آسیا در سال ۱۹۹۶ و همچنین مرحله مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، سرمربیگری تیم ملی ایران را برعهده داشت، آماج هجوم انتقادات کارشناسانه و غیرکارشناسانه شد و در نهایت دست به قلم برد و خاطرات دوران مربیگری‌اش را در قالب کتاب نوشت.

مایلی کهن در پاسخ با این سوال که چرا چهره‌های سرشناس فوتبال کمتر دست به قلم می‌برند، پر مشغله بودن این افراد به ویژه مدیران ورزشی را علت آن می‌داند و می‌گوید: «به نظر من این افراد فرصت نگارش ندارند. مادیات در زندگی افراد ورزشی نیز مانند سایر اقشار نقش اساسی را بازی می‌کنند.» او درباره سایر دلایل، می‌گوید: «انسان برای انجام هر کاری باید عاشق کارش باشد و متأسفانه این روزها، عشق به نوشتن نیز کم شده است.»

یکی از دلایلی که اهالی حرفه‌ای فوتبال کمتر سراغ نوشتن کتاب می‌روند، درآمد بسیار کم حاصله از این کار در مقایسه با درآمد فوتبالی آنهاست. مایلی کهن نیز این مطلب را قبول دارد و می‌گوید: «عایدات یک مربی از این راه بسیار کمتر از حرفه مربیگری است.»

البته سرمربی سابق تیم ملی دلیل دیگری را هم ذکر می‌کند و می‌گوید: «نوشتن به تخصص نیاز دارد و اگر قرار باشد یک فرد فوتبالی، قلم به دست بگیرد و بنویسد، باید به فن نگارش نیز وارد باشد. به نظر من باید تجربیات و علم افراد ورزشی در اختیار قلم‌کسانی قرار گیرد که علاوه بر دارا بودن تخصص در کار نوشتن، اهل ورزش هم باشند.»

سوالی که اینجا پیش می‌آید، این است که در فوتبال بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای صاحب‌نام در این عرصه، مربیان و بازیکنان فراوانی که اتفاقاً به فنون نویسندگی تسلطی ندارند، دست به قلم برده‌اند و دست کم خاطرات خود یا آموزش تخصص‌های خودشان را به رشته تحریر در آورده‌اند، همان‌گونه که خود مایلی کهن نیز دست به قلم شد

فوتبال، جذاب‌ترین و پرطرفدارترین رشته ورزشی جهان است که علاقه‌مندان چندصد میلیونی آن هرگز قابل مقایسه با دیگر ورزش‌ها نیست. پخش مسابقات فوتبال و بحث‌های کارشناسی درباره این مسابقات در تلویزیون، از پربیننده‌ترین برنامه‌هاست و دنیای توپ‌گرد فوتبال و اخبار مربوط به آن، حجم وسیعی از سایر رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های مکتوب نظیر روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده است.

در این میان، کتاب‌های متعددی نیز درباره رشته ورزشی فوتبال منتشر شده است. شاید بتوان این کتاب‌ها را در دو بخش عمومی و تخصصی دسته‌بندی کرد. در دسته کتاب‌های عمومی، آثاری جای می‌گیرند که به زندگینامه بازیکنان، مربیان و حتی روسای باشگاه‌های فوتبال و موضوعاتی نظیر آموزش فوتبال به زبان ساده برای قشرهای مختلف به ویژه نوجوانان و نونهالان می‌پردازند.

در دسته دوم، یعنی کتاب‌های تخصصی نیز می‌توان به کتاب‌هایی در حوزه استعدادیابی، مربیگری حرفه‌ای، حرکت‌شناسی و... اشاره کرد که مخاطبان خاص خود را بین قشر دانشجویی رشته تربیت بدنی و همچنین بازیکنان، مربیان و مدیران فوتبالی دارد.

اگرچه تاکنون کتاب‌های قابل توجهی در حوزه عمومی و تخصصی فوتبال به رشته تحریر درآمده است، اما تعداد فراوان علاقه‌مندان به این رشته ورزشی از یک طرف و همچنین پیشرفت روزافزون این رشته در جهات مختلف از سوی دیگر، نشان‌دهنده حجم اندک کتاب‌های فوتبالی است.

یکی از سوالاتی که پاسخگویی به آن می‌تواند زوایای گوناگونی از کمبود کتاب‌های فوتبالی را روشن کند، این است که چرا اهالی حرفه‌ای فوتبال نظیر بازیکنان حرفه‌ای، مربیان سرشناس و حتی کارشناسان کارکشته، کمتر دست به قلم می‌برند؟ یکی از این افراد که اتفاقاً دست به قلم برد و کتاب هم نوشت، اما انتظار جامعه فوتبالی را در ادامه دادن به این کار برآورده نکرد، محمد مایلی کهن، سرمربی

چند کلام با داوود مهابادی

همیشه روی ریل مطالعه

شهاب وفایی: بسیاری از اهالی فوتبال، کمبود وقت را مشکل اصلی بر سر راه مطالعه خود می‌دانند، اما داوود مهابادی، بازیکن سابق فوتبال ایران که این اواخر و در حالی که هنوز در مستطیل سبزپا به توپ می‌شد، خیلی زود به جرگه مربیان پیوست و روی صندلی داغ مربیگری نشست. مهابادی اگرچه مربیگری را با تیم راه‌آهن تهران شروع کرد، اما هرگز از ریل مطالعه خارج نشد. او هر روز کتاب می‌خواند و این عادت را ترک نمی‌کند. مهابادی رابطه خوبی نیز با کتاب‌های دینی دارد و مطالعه را عامل مهمی در موفقیتش می‌داند.



رابطه بسیاری خوبی با کتاب و مطالعه دارم و هر روز حداقل یک ساعت کتاب می‌خوانم. گاهی نیز مطالعه‌ام تا سه ساعت ادامه می‌یابد. از مطالعه کتاب‌های ورزشی نیز لذت می‌برم، اما مطالعه‌ام هرگز به این حوزه محدود نمی‌شود. روان‌شناسی، تاریخ و شعر نیز از حوزه‌های مطالعاتی مورد علاقه من به حساب می‌آیند.

محیط فرهنگی خانواده‌ام به من کمک کرد که به مطالعه کتاب علاقه مند شوم. در دوران دبیرستان، کتاب‌های تاریخی زیادی می‌خواندم و به شعر هم خیلی علاقه داشتم. در دوران دانشجویی نیز علاوه بر این که کتاب‌های درسی‌ام را می‌خواندم، از مطالعه آزاد نیز غافل نمی‌شدم. آثار بسیاری از نویسندگان ایرانی و خارجی را می‌پسندم، اما پائولو کوئیلو برزیلی را خیلی دوست دارم. او در نوشته‌هایش رموز موفقیت را آموزش می‌دهد.

در حوزه ورزش و تربیت بدنی نیز بیشتر کتاب‌های علمی و ورزشی نظیر فیزیولوژی، آناتومی و روان‌شناسی ورزشی را خوانده‌ام که به نظرم سطح کیفی این کتاب‌ها در حد متوسطی‌اند. در بین کتاب‌های مذهبی و دینی نیز به خواندن قرآن کریم و نهج‌البلاغه علاقه مندم، زیرا مملو از درس‌های موفقیت و کامیابی‌اند. من از این دو کتاب درس‌های زیادی آموخته‌ام.

دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد

دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب، دوم آذرماه ۱۳۸۸، هم‌زمان با سالروز تولد نویسنده تولد و صاحب سبک جلال آل احمد برگزار می‌شود. موضوع‌های مورد ارزیابی هشت داوران عبارتند از:

داستان بلند مستند نگاری
داستان کوتاه تاریخ نگاری

از تمامی نویسندگان، منتقدان، ادیبان، تاریخ نگاران و ناشران دعوت می‌شود، آثار خود را که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است، تا تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۸۸، به دبیرخانه ارسال کنند.

به نقرات برگزیده در هر کدام از رشته‌های این جایزه، نشان ادبی جلال آل احمد، تندیس، لوح تقدیر به اعضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۱۱۰ سکه بهار آزادی اعطا می‌گردد.

- برگزیدگان نخستین دوره:
داستان: قاعده بازی، تالیف فریوز زتوزی جلالی، تهران، نشر علم.
از دهکشان، تالیف یوسف علیحاجی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
تقدایی.
آین آینه، تالیف حسینی‌فدایی با همکاری محمدبیرلوندی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
از اسطوره تا حماسه، تالیف سجاد آیدنلو، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
تاریخ نگاری و مستندنگاری: پیدایی تا فرجام سازمان مجاهدین خلق، به کوشش جمعی از پژوهشگران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین جنوبی و برادران مظفر، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲ -
تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۲ - تلکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸



گفت و گو با نویسندگان و کارشناسان حوزه کتاب کودک و نوجوان

کتاب خواندن؛ اول لذت بعد آموزش

دارد! وقتی بسیاری از ارزش‌ها مادی باشد، نگاه به کتاب نیز چنین است.»

شاعر مجموعه «شعرهای بی خیال میرزا» لذت را اصل فراموش شده کتاب‌های کودک می‌داند و براین باور است که کودکان و نوجوانان امروز، بیش از هر چیز کتاب کمک آموزشی می‌خوانند و این کتاب‌ها نمی‌توانند لذت مطالعه را به آنها بچشانند. شعبانی به ناکارآمد بودن کتابخانه‌های مدارس اشاره می‌کند و می‌گوید: «این کتابخانه‌ها از هر گونه پویایی و جنبش بی بهره‌اند و از سوی دیگر، برخی معلمان نیز با کتاب بیگانه‌اند. البته نباید فراموش کرد چه معلمان و مربیان و چه پدران و مادران، با ذهنیت خاص خود سراغ کتاب‌های کودک می‌روند، بدون آن که سلیقه و پسند بچه‌ها را در نظر بگیرند.»

شاعر مجموعه «پرچم سبز درخت» فکر می‌کند زمانی کتاب در سبد خرید خانواده‌ها جای می‌گیرد که به اهمیت و ضرورت وجودش پی ببرند و گر نه وقتی مردم فکر کنند آن که کتاب می‌خواند با کسی که نمی‌خواند برابر است، چه انگیزه‌ای برای مطالعه در درونشان باقی می‌ماند؟

شعبانی، افسانه‌ها را یکی دیگر از کتاب‌های جذاب برای نوجوانان می‌داند، چرا که این گونه کتاب‌ها، پاسخگویی نیاز و خواسته بشر در هر دوره و زمانی‌اند، به شرط آن که به روز باشند. وی می‌افزاید: «البته نقش تبلیغات را هم نمی‌توان نادیده گرفت. راستی چرا بچه‌ها هری پاتر را می‌شناسند اما با «پارسیان و من» نوشته آرمان آرین که هری پاتر ایرانی لقب گرفته، بیگانه‌اند؟»

ارتباط دوسویه مخاطب و کتاب

محبوبه نجف‌خانی از مترجمان پرکار گروه سنی نوجوان است که علاقه خاصی به ترجمه مجموعه‌های داستانی دارد و ترجمه مجموعه کتاب‌های رولد دال، «در جست و جوی دلتورا»، «زیر درخت زالزالک» و... از جمله کارهای اوست. او که سال‌هاست کتابدار یکی از مدارس تهران است و مخاطبان نوجوان و سلیقه آنها را می‌شناسد براین باور است که هنوز فرهنگ مطالعه کتاب‌های غیردرسی در کشور ما جا نیفتاده و در مدرسه‌های ما کمتر کتابخانه‌های فعال و پویا و کتابداران آشنا با مخاطب و کتاب وجود دارند، از این رو دانش آموزان به مطالعه و کتابخوانی تشویق نمی‌شوند. نجف‌خانی تعداد اندکی از کودکان و نوجوانان را جزو قشر کتابخوان برمی‌شمرد و می‌گوید: «اگرچه نمی‌توان نقش مهم رسانه‌ها و بازی‌های رایانه‌ای را در به حاشیه رانده شدن کتاب نادیده گرفت اما کتاب‌ها اگر بتوانند لذت مطالعه را به مخاطبان خود بشناسانند و ارتباط دوسویه‌ای با آنان برقرار کنند، به راحتی می‌توانند خواننده خود را بیابند.»

او گسترش کتابفروشی‌ها را یکی از عوامل موثر در این زمینه می‌داند و با عرضه کتاب درده‌های روزنامه‌فروشی مخالف است و فکر می‌کند این کار از شأن و جایگاه کتاب می‌کاهد. گسترش کتابخانه‌ها نیز از موارد مهمی است که شهرداری، وزارت ارشاد و دیگر نهاد‌های وابسته باید به آن توجه کنند.

نجف‌خانی حضور کتابدارانی که با روحیه و دنیای کودکان آشنا هستند را ضروری می‌داند و می‌گوید: «کتابداران باید با دنیای کودکان آشنا باشند و سلیقه آنها را بدانند و گر نه نمی‌توانند آنها



شکل جدیدی به خود گرفته‌اند و می‌کوشند تا نیاز انسان امروز را برآورده کنند. انسان امروز در هر جای جهان که زندگی کند در برخورد با تنش‌های اجتماعی به آرامش احتیاج دارد و یکی از راه‌های رسیدن به این آرامش، رهسپار شدن به دنیای خیال و افسانه است.

نجفی، توجه به محله‌های گوناگون را ضروری می‌داند و براین باور است که متولیان فرهنگی باید به محله محوری توجه کنند، در هر منطقه، جشن کتاب برگزار کنند و این کالای ارزشمند فرهنگی را با روش‌های درست و کارشناسانه و در رنگ‌ها و طرح‌های شاد در اختیار بچه‌ها بگذارند.

نویسنده کتاب «۳۵ داستان برای نوجوانان» معتقد است که یک سوم جمعیت ایران را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند و این برعهده وزارت آموزش و پرورش است که با نویسندگان، شاعران و ناشران خوب کودک و نوجوان ارتباط برقرار کند و کتاب‌های مفید را شناسایی و خریداری کند و به تجهیز کتابخانه‌های مدارس بپردازد، اما مدارس، آنچنان که باید کتاب‌های غیردرسی را به رسمیت نمی‌شناسند از سوی دیگر، ارتباط چندانی با نویسندگان ندارند و مخاطبان خود را هم ناگزیر نمی‌شناسند.

عبدالمجید نجفی به ناکافی بودن کتابخانه‌های کانون پرورش فکری اشاره می‌کند و می‌گوید: «نهاد کتابخانه‌های عمومی باید در همه کتابخانه‌ها، قفسه‌هایی رابه مخاطبان کودک و نوجوان اختصاص دهد. از طرفی، این پدر و مادرها هستند که برای کودکان خود کتاب انتخاب می‌کنند و از این رو باید کتاب را بشناسند هرچند نقش رسانه‌ها را هم نمی‌توان در این عرصه نادیده گرفت. در حقیقت، چهره فرهنگی هر جامعه به پزلی می‌ماند که همه چیز در آن، لازم و ملزوم یکدیگرند.»

اصل فراموش شده کتابخوانی

اسدالله شعبانی شاعر و نویسنده کودک و نوجوان، تاکنون کتاب‌های فراوانی برای بچه‌ها نوشته و جایزه‌هایی را به خود اختصاص داده است. او همچنین داستان‌هایی را از مثنوی، کلیله و دمنه و شاهنامه برای کودکان و نوجوانان بازنویسی کرده است.

شعبانی، کتابخوان بودن خانواده‌ها را یکی از دلایل اصلی گسترش فرهنگ کتابخوانی می‌داند و می‌گوید: «بسیاری از خانواده‌های ما با کتاب بیگانه‌اند و فکر می‌کنند کتاب خواندن چه فایده‌ای

و براین باور است که بسیاری از کتاب‌های کودک و نوجوان به لایه‌های زیرین توجه نمی‌کنند و لذت کشف و شهود را از مخاطب می‌گیرند در حالی که کتاب جذاب باید در ذهن مخاطب باقی بماند، جریان یابد و با خواننده خود بزرگ شود و رشد کند اما چند درصد از کتاب‌ها ما این گونه‌اند؟

او توجه به ادبیات کهن و ریشه‌های عرفانی را یکی از راه‌های جذابیت کتاب‌های کودک و نوجوان برمی‌شمرد و می‌گوید: «اگر نویسندگان ما به مطالعه در آثار گذشتگان بپردازند و با عرفان و فلسفه ایرانی آشنا شوند، می‌توانند کتاب‌های جذاب و پرمخاطبی بنویسند. اگرچه غیر از آشنایی با ادبیات کهن، باید با ذهن و زبان کودکان هم آشنا باشند و علاوه بر آن، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی کودک را هم بشناسند و گر نه به بیراهه می‌روند.»

خلعتبری به نقش رسانه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «شما داوری کنید و ببینید که کتاب‌های کودکان چه جایگاهی در رسانه ملی و روزنامه‌ها دارند؟»

واقعیت را با فراتر از آن بیاموزیم

عبدالمجید نجفی از نویسندگانی است که تاکنون داستان‌های فراوانی برای نوجوانان نوشته؛ کسی که توانسته جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی را هم از آن خود کند. «پیر کوهستان» و «حکایت علی جان و راز نازخاتون» از دیگر کارهای اوست که به زودی منتشر می‌شوند و «دختری به نام پریا» هم بازنویسی افسانه‌ای قدیمی است که تجدید چاپ می‌شود.

عبدالمجید نجفی، علاقه خاصی به افسانه‌ها دارد و درهم آمیختگی واقعیت و خیال را می‌پسندد؛ از این جهت که توجه به واقع‌گرایی محض، کار را به کسالت می‌کشاند و پرداختن بیش از حد به افسانه نیز انسان را از واقعیت دور می‌کند؛ از این رو تلفیق میان رئالیسم و سوررئالیسم، چیزی است که باید به آن توجه شود.

او باردیگر به اهمیت سهیم کردن کودک در خوانش کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید: «یادتان هست، حل کردن مسائل ریاضی تاچه‌اندازه برایمان لذت بخش بود؟ کتاب خواندن هم چنین است؛ نویسنده باید بتواند خواننده‌اش را در خواندن کتاب شرکت دهد نه این که به آموزش مستقیم او بپردازد.» این نویسنده کودک و نوجوان فکر می‌کند انسان، بدون اسطوره نمی‌تواند زنده بماند و زندگی کند. او براین باور است که اسطوره‌ها در عصر حاضر،

چگونه می‌توان «یار مهربان» را به کودکان شناساند؟ رسانه‌های دیداری و نوشتاری، به ویژه سیمای جمهوری اسلامی چه نقشی در این زمینه دارند و اصلاً چطور می‌توان کتاب را به عنوان یک کالای مهم فرهنگی در سبد اقتصادی خانواده‌ها گنجانند؟ وجود گسترده کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های تخصصی کودک و نوجوان تا چه اندازه در آشنا کردن بچه‌ها با کتاب موثر است؟ نقش خانواده‌ها در این میان چقدر است و آموزش و پرورش چه تاثیری بر گسترش فرهنگ کتابخوانی می‌گذارد؟ اینها پرسش‌هایی‌اند که ذهن هر دوستدار مطالعه و کتابی را به خود مشغول می‌کند. اما چگونه می‌توان به تک‌تک این سوالات پاسخ داد و راهکاری عملی برای هر کدام از آنها اندیشید؟ به این انگیزه، به گفت و گو با چندتن از اهالی فرهنگ و دست‌اندرکاران کتاب کودک و نوجوان نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

به عمق مطالب بپردازیم

فریده خلعتبری، مدیر انتشارات شب‌اویز است. او فکر می‌کند کتاب‌هایی که در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرند، آن گونه که باید و شاید، لذت مطالعه را به آنها نمی‌چشانند و کتاب‌هایی که برای این گروه سنی منتشر می‌شوند در کنار آموزشی بودن، باید لذت بخش هم باشند و این در صورتی امکان‌پذیر است که این کتاب‌ها به آموزش غیرمستقیم بپردازند. نویسنده کتاب «سرزمین نیلوفرها» براین باور است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و سازمان فرهنگی - هنری شهرداری، باید به خرید کتاب‌هایی بپردازند که لذت مطالعه را به کودکان می‌چشانند؛ به ویژه وزارت ارشاد باید حساسیت بیشتری در انتخاب و خرید کتاب از ناشران به خرج دهد.

خلعتبری به ناکارآمد بودن سیستم توزیع اشاره می‌کند و می‌گوید: «توزیع کتاب‌ها به گونه بایسته و شایسته‌ای نیست و هر گروه برای خودش کار می‌کند. انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان، اگرچه

یک اسم فراگیر است اما با ناشران محدودی کار می‌کند و این مسئله در ارتباط با سازمان‌ها و نهاد‌های دیگر هم وجود دارد؛ بنابراین کتاب‌ها فرصتی برای دیده شدن پیدا نمی‌کنند و این به صنعت نشر و رشد و گسترش فرهنگ کتابخوانی در جامعه ما آسیب می‌زند.»

نویسنده کتاب «اتوبوس عوضی»، مخاطبان کتاب‌های حوزه کودک در گروه‌های سنی متفاوت را از یکدیگر متمایز می‌داند و براین باور است که در بعضی موارد، گروه‌بندی سنی کتاب‌های کودک و نوجوان، بی‌فایده است چراکه تعداد بچه‌های کتابخوان بسیار زیاد است و آنها کتاب‌هایی را می‌خوانند که در رده سنی آنها گنجانده نمی‌شود. از سوی دیگر، بچه‌هایی هم هستند که هیچ دوستی و ارتباطی با کتاب و کتابخوانی ندارند؛ بنابراین رده سنی نمی‌تواند چندان با اهمیت باشد و در واقع مخاطب در این عرصه دارای اهمیت است و این که کتاب برای هر گروه سنی که نوشته شده، جذاب، شیوا و پرکشش باشد.

خلعتبری، یکی از راه‌های جذابیت داستان را فاصله گرفتن از سطح و نزدیک شدن به عمق می‌داند

را به درستی راهنمایی کنند و کتاب مورد علاقه شان را در اختیارشان بگذارند.»

این مترجم کودک و نوجوان نیز توجه به افسانه‌ها و ادبیات کهن را یکی از دلایل جذب کودکان به کتاب و کتابخوانی می‌داند و براین باور است که داستان‌های جادو و جادوگری در همه جای دنیا، طرفداران خاص خود را دارند و این به ما بستگی دارد که به چشم خرافات و رواج خرافه پرستی به آنها نگاه کنیم و یا این گونه داستان‌ها را مجالی برای خیال پردازی بدانیم یا از درون آنها به تعالیم و آموزه‌های حکمی و معنوی شان پی ببریم.

نجف خانی، افسانه‌ها را گریزگاهی برای بشر امروز برمی‌شمرد و می‌گوید: «نوجوانان، عاشق مدرسه‌ای هستند که از قوانین خشک و دست و پاگیر در آن خبری نباشد اما چون سازوکار آموزشی ما، اجازه وجود چنین مدرسه‌ای را نمی‌دهد، نویسنده در فضای ذهنی خود چنین مکانی را توصیف می‌کند و خوانندگان نیز آن را می‌پذیرند و دوستش دارند. چه خوب که ما ایرانیان هم نیازها و کمبودهای خود را بشناسیم و به آن توجه کنیم.»

مترجم «غول مهربان» اثر رولد دال در پاسخ به این پرسش که بعضی فکر می‌کنند، ترجمه به تالیف آسیب می‌زند پاسخ منفی می‌دهد و می‌گوید: «هریک از این دو عرصه جایگاه خاص خود را دارند و کتاب‌های خوب ترجمه می‌توانند نویسندگان را با کارهای قوی آشنا کنند و خوانندگان را با کتاب آشتی دهند. از این رو، نباید انتخاب مخاطبان را نادیده بگیریم و به شعور و هوشمندی آنها بی‌اعتنا باشیم.»

نجف خانی تالیف و ترجمه را در تقابل با یکدیگر نمی‌داند و می‌افزاید: «مگر چند درصد آثار خارجی، ترجمه و منتشر می‌شوند؟ در همه جای دنیا، آثار بی‌ارزش و بی‌بهره از بن مایه‌های ادبی منتشر می‌شوند و مترجمان باید بسیار کتاب بخوانند و از این میان، یکی را برای ترجمه انتخاب کنند پس نمی‌توان از نویسندگانی که مخاطب خود را نمی‌شناسند و دغدغه‌هایش را نمی‌دانند، انتظار داشت که با کودکان و نوجوانان ارتباط بگیرند و کارهایی ماندگار خلق کنند.»

او نیز به نقش رسانه‌ها در آشنا کردن کودکان با کتاب اشاره می‌کند و معتقد است باید اهمیت و شیرینی مطالعه را به کودکان چشاند آن‌گاه از آنها انتظار داشت که وقتی راهم در کنار دیدن تلویزیون و بازی با رایانه به مطالعه اختصاص دهند.

بازی با قصه‌ها

اغلب مربیان آموزشی ما عادت داشته‌اند به آموزش، منحصر از طریق کتاب‌های درسی و به شیوه صرفاً نظری بپردازند و از نقش و تاثیر قصه و بازی بر ذهن کودکان بی‌خبر بوده‌اند.

کیقباد یزدانی، نویسنده کتاب «قصه بازی» است. وی در این مورد می‌گوید: «دیگر، دوره روش‌های بسته و تک بعدی سنتی که در آن معلم به عنوان دانای کل، روبه روی دانش آموزان قرار می‌گرفت و با استفاده از وسایل محدودی مانند تخته سیاه و قلم و کاغذ، هدف‌های آموزشی خود را پیش می‌برد، گذشته است. در عصر انفجار اطلاعات و در دنیایی که رایانه و اینترنت، انسان‌ها را در سراسر جهان به هم مرتبط کرده و بشر با شتابی وصف ناپذیر به بازنگری در روش‌هایش به جلو می‌تازد، به آموزش و پرورش نیاز داریم.»

یزدانی، وجود آموزش و پرورش زنده و پویا را یکی از دلایل علاقه مند کردن کودکان به کتاب می‌داند و می‌گوید: «در این آموزش و پرورش، معلم راهنمایی است که پا به پای کودک، او را در شناخت خود و محیط اطرافش و کشف و پرورش توانایی‌ها و خلاقیت‌هایش یاری می‌رساند.»

او قصه یا افسانه را از کهن‌ترین شکل‌های ادبیات شفاهی برمی‌شمارد و می‌افزاید: «در دنیا، هیچ قوم و ملتی را نمی‌توان یافت که قصه نداشته باشند. همه کودکان ما، این گونه ادبی را دوست دارند چنان که در دنیای مدرن امروز، افسانه‌های نو، جای

افسانه‌های کهن را گرفته‌اند.»

یزدانی به تاثیر افسانه‌ها در آموزش کودکان اشاره می‌کند و می‌گوید: «قصه‌ها و افسانه‌ها به دلیل برخورداری از زبانی ساده و صمیمی، کوتاه بودن متن، تخیل قوی، بی‌زمان و بی‌مکان بودن و جنبه روایی داشتن، جایگاه بسیار مهمی نزد کودکان و در آموزش آنان دارند.»

او همچنین به نقش مهم بازی در آموزش کودکان اشاره می‌کند و می‌افزاید: «بازی، فعالیتی آزادانه است که هدف اصلی آن لذت بردن به شمار می‌آید. بازی، هم در رشد جسمانی و عقلانی کودک و هم در شکل‌گیری شخصیت و جنبه‌های احساسی و عاطفی‌اش، نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای دارد و او را از درگیری‌های روزمره زندگی، خشونت‌ها و... دور می‌کند و فضایی امن و لذت بخش را برای وی فراهم می‌آورد.»

یزدانی به نقش و تاثیر مهم «قصه بازی» اشاره می‌کند و آن را بازی کردن یک قصه می‌داند و می‌گوید: «یکی از محبوب‌ترین شکل‌های کار نمایشی با کودک و متناسب‌ترین شیوه آموزشی در مدارس ابتدایی، قصه بازی است که زمینه‌های وسیع و متنوعی از اهداف آموزشی - تربیتی را دربرمی‌گیرد.»

او با اشاره به جنبه‌های مثبت قصه بازی، بیان می‌کند: «در این روش آموزشی، متن قصه شنیده، خوانده و درک می‌شود. همچنین، حافظه کودک با از برکردن بخشی از متن تقویت شده و حواس پنجگانه، قوه تخیل و اندیشه، خلاقیت‌های فکری و در نتیجه حس زیبایی‌شناسی او پرورش می‌یابد؛ از این رو، بسیاری از کتاب‌های قصه را می‌توان برای کودکان برگزید و بازی کرد. البته متن کتاب‌ها باید قابلیت اجرا داشته باشند و هدف‌های آموزشی مشخصی را دربرگیرند. به همین دلیل مربیان باید بدانند چه می‌خواهند، همچنین بتوانند قصه‌ها را به نمایشنامه تبدیل کنند.»

یزدانی براین باور است که مربیان می‌توانند مطالب کتاب‌های درسی را به شکل قصه درآورند و آن را بازی کنند. البته قصه باید تا حد امکان، کوتاه، ساده و جذاب باشد. زبان قصه نیز برای کودکان بسیار مهم است و باید زنده، امروزی و قابل فهم باشد.

۲۰ میز و صندلی برای ۵۰۰ نفر

کتابخانه شهید قدیریان در خیابان کارگر جنوبی، میدان حر، ضلع شمال شرقی قرار گرفته اما فضای این کتابخانه، بسیار کوچک است به گونه‌ای که تنها گنجایش ۲۰ میز و صندلی را دارد در حالی که به طور متوسط، روزانه ۵۰۰ نفر به این کتابخانه مراجعه می‌کنند.

شهناز بیگدلی، مسوول کتابخانه شهید قدیریان، کتابخانه‌ها را آیین تمام‌نمای سازمان‌های فرهنگی می‌داند و می‌گوید: «یکی از بخش‌های مهم و تاثیرگذار بر فرهنگ و هنر هر جامعه، کتابخانه‌ها هستند و شهرداری باید بودجه ویژه‌ای را به این مراکز اختصاص دهد و گرنه گسترش فرهنگ کتابخوانی در حد حرف و شعار باقی می‌ماند.»

وی به امکانات موجود در کتابخانه شهید قدیریان اشاره می‌کند و می‌افزاید: «بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب در این کتابخانه وجود دارد که حوزه‌های گوناگونی چون علوم اجتماعی، کاربردی، فرهنگی، سیاسی و... را در برمی‌گیرد و تمام تلاش ما بر این است که نیاز بخش گسترده‌ای از مخاطبان را پوشش دهیم.»

بیگدلی درباره چگونگی انتخاب کتاب‌ها می‌گوید: «ما بر گه‌هایی را در اختیار خوانندگان می‌گذاریم تا کتاب‌های مورد علاقه خود را یادداشت کنند و ما براساس آن، به خرید کتاب می‌پردازیم، ضمن این که تعدادی از کتاب‌ها نیز، جزو آثار پرفروش و پرمخاطبند و ما این کتاب‌ها را نیز تهیه می‌کنیم.»

وی به تعداد ۱۵۰۰ جلد کتاب کودک و نوجوان اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما کتاب‌هایی را برای این گروه سنی انتخاب می‌کنیم که در عین سودمند

بودن، شیرین و جذاب هم باشند و کودکان و نوجوانان را به کتاب علاقه مند کنند.»

بیگدلی با اشاره به ضرورت وجود کتاب‌هایی با مخاطب خاص، مانند کتاب‌های بریل، می‌افزاید: «وجود چنین کتاب‌هایی ضروری است اما خرید این گونه آثار به بودجه‌های هنگفتی نیاز دارد که سازمان در اختیار ما قرار نمی‌دهد و تنها یکی از کتابخانه‌ها (اندیشه) از این امکان برخوردار است.»

مسوول کتابخانه شهید قدیریان در پاسخ به این پرسش که آیا افرادی در کتابخانه حضور دارند تا مراجعان، به ویژه کودکان و نوجوانان را در انتخاب کتاب راهنمایی کنند؟ می‌گوید: «هریک از مخاطبان، به دنبال کتاب خاصی اند اما آنان که موضوع ویژه‌ای را پی می‌گیرند، کتابدارانی حضور دارند که اطلاعات لازم را در اختیارشان بگذارند.»

ضرورت وجود کتابداران تخصصی

حسین فتاحی متولد ۱۳۳۶ یزد، دارای مدرک کارشناسی در رشته حسابداری است. فتاحی در سه حوزه تالیف، ترجمه و بازنویسی آثار کلاسیک فارسی برای کودکان و نوجوانان آثار متعددی



منتشر کرده که «آتش در خرمن» و «پسران جزیره» در زمینه ادبیات پایداری و «عشق سال‌های جنگ» رمان دیگر او از سوی نشر قدیانی تاکنون شش بار تجدید چاپ شده‌اند. «مدرسه انقلاب»، «کودک و توفان»، «امیرکوجولوی هشتم»، بازنویسی «قصه‌های شاهنامه» و «سمک عیار» از دیگر آثار اوست. او چند عامل را درباره کتابخوان بودن یا نبودن کودکان و نوجوانان موثر می‌داند و می‌گوید: «جذابیت، یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عوامل در کتابخوان کردن کودکان است، اما یک مجموعه عوامل بر این روند تاثیر می‌گذارد، به این معنی که هر قدر نویسندگان و ناشران به تولید کتاب‌های

خوب بپردازند تا زمانی که محیط مناسبی برای مطالعه وجود نداشته باشد، هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد.»

فتاحی، محیط مناسب را این گونه تعریف می‌کند: «مادران و پدران باید فضای مناسبی را برای کتاب خواندن کودکان خود فراهم آورند به این معنی که بچه‌ها نمی‌توانند کتاب بخوانند وقتی تلویزیون و ماهواره روشن است، بچه‌های دیگر بازی می‌کنند و... پس فضا باید به گونه‌ای باشد که به کودکان اجازه دهد در رویای خود غرق شوند و فضای داستان را به خوبی درک کنند.»

نویسنده کتاب «پسران جزیره» به نقش بزرگترها در گسترش فرهنگ کتابخوانی اشاره می‌کند و می‌گوید: «پدر و مادری که کتاب می‌خواند یا مربی و معلمی که کتاب خوب را از بد تشخیص می‌دهد و می‌تواند راهنمای خوبی برای بچه‌ها باشد، نقش بسیار مهمی در تقویت فرهنگ کتابخوانی دارد و گرنه تلاش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای انتشار کتاب‌های خوب، بی‌نتیجه باقی می‌ماند.»

فتاحی با اشاره به ضرورت وجود کتابداران تخصصی در مدارس بیان می‌کند: «همان‌گونه که هر مدرسه‌ای یک مربی ورزش دارد باید یک کتابدار هم وجود داشته باشد که ذهنیت کودکان را بشناسد و با روحیه و زبان آنها آشنا باشد، همچنین کتابخانه‌های مدارس نیز باید به گونه‌ای تجهیز شوند که سلیقه هر یک از دانش‌آموزان را پوشش دهد. از سوی دیگر چند درصد از کتابخانه‌های ما از یک فضای شاد و پویا برخوردارند تا کودکان با شادی و فراغ‌بال به کتاب خواندن در آن بپردازند؟» نویسنده کتاب «کودک و توفان» براین باور است که هنوز بسیاری از خانواده‌های ما، کتاب را هدیه ارزشمندی برای کودکان و نوجوانان نمی‌دانند و تا زمانی که نوع نگاه و برخورد مردم دگرگون نشود، شرایط بهتری برای رشد و گسترش فرهنگ کتابخوانی پیش نمی‌آید.

فراخوان

سومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می‌شود

این جایزه با هدف کشف استعدادها و تشویق هرچه بیشتر پدید آورندگانی است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده‌اند.

موضوع‌های مورد ارزیابی هیأت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را در سال ۱۳۸۷ در زمینه‌های یاد شده به چاپ رسانده‌اند، دعوت می‌شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان تیر ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۸۰ طبقه منهای ۲، دبیرخانه جایزه گام اول. تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹ - دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸

جستاری درباره آسیب شناسی کتاب های دینی

توجه به محتوا در آغاز عصری نوین



پژوهش های دینی نو در تمام رسانه ها اعم از کتاب، اینترنت، مجلات و آموزش های تخصصی است که این سه مورد اخیر می تواند در حکم پشتیبان برای تولید کتاب های دینی و نهادینه کردن اندیشه دینی مؤثر واقع شوند.

دکتر افراسیاب پور که مدیریت مجله عرفان راعهده دار است، در این باره نیز می گوید: «ما سعی کرده ایم در مجله عرفان به سبک جدیدی، عرفان اصیل اسلامی را معرفی و منتشر کنیم. به نظر من برای جذب مخاطب به کتاب های دینی، موضوع عرفان، ظرفیت و قابلیت بسیار خوبی دارد. خوشبختانه جوانان ما به عرفان که محور اسلام است و بسیاری از اندیشه های دینی ما در عرفان اسلامی متبلور است، توجه دارند و می توان از همین خصوصیت برای تقویت پایگاه کتاب دینی در جامعه کتابخوان کمک گرفت. آن چیزی که مورد اختلاف مذاهب و ادیان است، شریعت است حال آن که عرفان در بین تمام عقاید و افکار، یک اصل مشترک است که با استفاده از آن و تمرکز روی آن می توان گفت و گوی مؤثری را در حوزه دین ترتیب داد چرا که امروز کتاب های عرفانی جزو پرفروش ترین و پرمخاطب ترین کتاب های دینی اند. همان طور که کتاب مثنوی معنوی مولانا در آمریکا و چندین کشور دیگر طی سال های متعددی پرفروش بوده اند.»

او تصریح می کند: «به نظر من، راهکار اساسی برای حذف آسیب ها از تولید کتاب های دینی - که مهم ترین آن در حوزه محتوایی کتاب هاست - رجوع به عرفان اسلامی است. آنچه امروز ما را با مشکل مواجه کرده، آن است که حدود ۶۰۰ سال اجازه نداشتیم آرا و اندیشه های مولانا را تحلیل و بازخوانی کنیم. اگر چه امروز کارهایی در این حوزه انجام و به تازگی به این موضوعات توجه می شود، اما هنوز تا نقطه ایده آل فاصله داریم. برای این که کتاب های دینی خوب و شایسته تولید، عرضه و خوانده شوند، باید در همه بخش های فرهنگی تحرک اتفاق بیفتد. همین الان که با هم صحبت می کنیم، ۱۱۴ پرای بر گرفته از مثنوی معنوی روی صحنه های نمایش آمریکاست و این به رونق بازار کتاب هم کمک می کند.»

نقطه عطف تاریخی

به نظر می رسد ارائه جذاب، نو و تطبیقی مفاهیم دینی با کشف جنبه های حیات بخش و پاسخگو به دغدغه های امروز انسان ایرانی می تواند اقبال مخاطبان را به کتاب های دینی افزایش دهد. مؤلفان، ناشران و سیاست گذاران حوزه کتاب، امروز در جایگاه تاریخی وظایف خود قرار دارند و این افراد باید با مخاطب شناسی درست و آنالیز جامعه کتابخوان، قدم در راه تولید کتاب هایی بگذارند که علاوه بر تبیین اصول اعتقادی اسلام، مباحثه منطقی بین جریان های اصیل و جریان های ساختگی برقرار کنند.

می گوید: «طبق پژوهش های صورت گرفته معتبر، حدود هفت هزار فرقه شیطان پرستی در جهان وجود دارد که طبق آمار ۵۰ تا ۷۰ فرقه آن در ایران فعال است و در عرصه کتاب نیز سهم قابل توجهی را به تصرف اندیشه های خود در آورده اند. تنها در دهه هفتاد ۲۰۰ عنوان کتاب در این حوزه ها منتشر شده است و این تنها در بخش کتاب است و آنها در تولید سایر محصولات ضد فرهنگی نیز فعالند.»

به اعتقاد این استاد دین پژوه دانشگاه، گروه های دین زدایی که علیه معنویت در جهان کار می کنند، در حال بازپس گیری سهم مخاطب از جریان های اصیل اند. گروه های دین زدا عرفان های وارداتی را با جذابیت باز تولید و منتشر می کنند، در حالی که ما هنوز به شیوه های غیر کارآمد برای مخاطبان قدیمی خود کار می کنیم و مخاطب جوان را تقریباً فراموش کرده ایم.

خطر، جدی است

دکتر افراسیاب پور در پاسخ به این پرسش که «چرا همه از خطر بزرگ حرف می زنند اما برای مقابله با این خطر بزرگ، یک هم اندیشی و اجماع و استراتژی در تولید کتاب های دینی به چشم نمی خورد؟» می گوید: «یکی از ایرادهای پایه ای برخی افراد، ترس از ارائه نظریات و قرائت های نو از دین است. در برابر شنیدن حرف نو مقاومت وجود دارد. هراس من از این است که با این طرز فکر جریانات جهانی ما را با خود ببرد و بعید نیست این اتفاق بیفتد. چرا که اکنون بازار کتاب از عرفان سرخپوستی و عقاید بودیسم پر شده است، اما عرفان اسلامی را آن طور که شایسته است، به جوانان خود معرفی نکرده ایم.»

برای رونق کتاب

تحرک در همه حوزه ها لازم است

یکی از اقدامات مؤثر، ارائه دیدگاه ها و حاصل

نیز کتاب های دینی که در صدر آنها آثار امام خمینی (ره)، شهید مطهری، دکتر شریعتی و ... قرار داشتند، در آگاهی بخشی به توده جوان و جستجوگر مؤثر بودند. این دوران نشان داد که اندیشه دینی، هم توانایی بسیج توده های مردم از روشنفکران تا طبقات فرودست اجتماعی را دارد و هم می تواند در یک گفتمان غالب، بر خرافه و اندیشه های تخدیری پیروز شود. امروزه با توسعه ارتباطات و به ویژه اتفاقات تازه ای که در تولید کتاب افتاده و جنگ سردی که در بین حقیقت و دروغ در میدانگاه معنا و معنویت در جریان است، عصر تازه ای در تولید کتاب های دینی آغاز شده است.

مهم ترین آسیب در تولید کتاب های دینی

دکتر علی اکبر افراسیاب پور، استاد دانشگاه، مؤلف چندین کتاب در حوزه دین و عرفان و مدیر مجله عرفان، از فعالان دست اندرکار عرصه تولید کتاب های دینی است. او ضمن این که نبرد نابرابر اندیشه های خرافی و باطل با اندیشه های راستین معنوی را تأیید می کند، به شیوه و روش معمول تولید کتاب های دینی نیز انتقاداتی دارد.

وی در پاسخ به این سؤال که مهم ترین آسیب در تولید کتاب های دینی چیست؟ می گوید: «متأسفانه کتاب های دینی و کتاب های حوزه دین و معنا همچنان به همان شیوه سنتی تولید می شوند؛ شیوه ای که امروزه دیگر کارایی زیادی ندارد و رقابت پذیری آن در بازار کتاب بسیار پایین آمده است. برخی از این کتاب ها هم خالی از جذابیت، تکراری و کتاب سازانه اند و نمی توانند در میان مخاطبان تازه ای که با عطش یافتن پاسخ برای پرسش های خود وارد این حوزه می شوند، پایگاه محکمی پیدا کنند.»

دکتر افراسیاب پور به رواج فرقه های انحرافی و بی پایه و اساس نیز اشاره می کند و در مقام مقایسه

کتاب های دینی، از نخستین کتاب هایی اند که آدمی، مطالعه و رونویسی آنها را با بضاعت اندک خود انجام داده است. تمام تلاش انسان های متفکر در ایران، یونان، حجاز، روم و دیگر کانون های تمدن دنیا در هزاران سال گذشته، معطوف پاسخگویی به عطش دین پژوهی و دغدغه های دینی بوده است. به همین سبب سابقه تولید، نشر و عرضه کتاب دینی بسیار غنی و ریشه دار است تا آنجا که نهضت ترجمه در سراسر دنیا، با برگردان متون دینی و متونی که درباره دین تولید شده بودند، آغاز شد.

علم نیز از منظر دین و به عنوان یک مکانیسم دینی برای کشف رازهای جهان مفهوم پیدا می کرد و تمام کتاب های علمی که در دوران باستان تا سده های اخیر منتشر شده اند، روح دینی داشته اند.

تولید کتاب های دینی امر مسبوق به سابقه ای است، آن هم سابقه ای بیش از چند هزار سال و با این سابقه طولانی هیچ موضوع دیگری در حوزه تولید کتاب نمی تواند با تولید کتاب دینی همپایی کند. رفتار بشر معاصر نشان می دهد چیزی از انگیزه های دین پژوهی و کنجکاوی او برای کشف جهان تازه در اندیشه معنوی کم نشده است. با این حال به اعتقاد عموم پژوهشگران حوزه دین، ناشران و دست اندرکاران تولید کتاب دینی، این حوزه نیاز به مطالعات آسیب شناسانه جدی دارد و باید برای یافتن راه های تازه ای در انتقال مفاهیم دینی و عرضه ایده های نو در عالم معنا و معنویت و مقابله با انحرافات که به تدریج به بنیان های تفکر دینی رسوخ می کنند، تلاش کرد. در این گزارش آسیب ها و کمبودهای تولید کتاب دینی در ایران بررسی شده است.

آغاز عصر تازه ای در تولید کتاب های دینی

اگر چه تولید کتاب های دینی دغدغه ای جهانی در میان متفکران منصف و اندیشمندان دلسوز محسوب می شود و منحصر به پیروان دین و مکتب خاصی نیست، اما این دغدغه در میان کشورهای مسلمان، جدی تر و بانگرانی های عمیق تر همراه است. چرا که هجمه فکری و تبلیغاتی غرب با اتکا به قدرت های رسانه ای آنها، شرایط را برای یک گفتمان عادلانه در میان اندیشه های دینی سخت کرده است و می توان گفت علمای مسلمان و روشنفکران دینی باید شیوه های مؤثر تبلیغی و تحقیقی برای حضور در این گفتمان را پیدا کنند تا این گفتمان به رابطه ای یک طرفه تبدیل نشود.

باشکل گیری جنبش های اسلامی در سرزمین های مسلمان، تحول در این حوزه اتفاق افتاد. نهضت های اسلامی سراسر جهان اسلام با اتکا به آرا و اندیشه های متفکران دینی که عنصر حیات بخش را در ذات اسلام یافته بودند، توانستند قلمروهای تازه ای را در حیات تاریخی خود فتح کنند. اسلحه مسلمانان در این دوران، اندیشه اسلامی و کتاب بود. در جریان انقلاب اسلامی

از طرح جلد تا توزیع

محمد مهدوی: آسیب های تولید کتاب دینی تنها در نگاه سنتی به محتوا خلاصه نمی شود. نوع چاپ، صفحه آرایی و طراحی جلد نیز از مواردی اند که در تولید برخی کتاب های دینی گرفتار همان نگاه سنتی اند و با وجود همه امکاناتی که در حداقل یک دهه اخیر فراهم شده، همچنان کتاب های دینی را می توان با ظاهر کتاب های سال های پیش در بازار کتاب شناخت. نمی خواهیم در این حوزه گرفتار مبالغه شوم، اما وقتی بهترین محتوا را در ساده ترین فرم خلاصه کنیم، آن محتوا را هم به بند کشیده ایم. در این میان، توزیع کتاب های دینی نیز

با مشکلات معمول حوزه نشر دست به گریبانند.

مصطفی پورامینی، مدیرعامل انتشارات دینی سمیع، درباره وضعیت توزیع کتاب های دینی می گوید: «وضعیت توزیع کتاب های دینی هم مثل بقیه کتاب ها نامناسب است. البته توزیع همواره از معضلات ناشران بوده و سال هاست آنها از این مشکل رنج می برند و هنوز گام مثبتی برای حل این معضل برداشته نشده و ما شاهد تحول مثبتی در این زمینه نبوده ایم.»

پورامینی وضعیت چاپ کتاب های دینی را مناسب ارزیابی می کند و می گوید: «امکانات پیشرفته ای برای چاپ در اختیار داریم و حتی از نظر ترجمه نیز، ناشران در بسیاری از اوقات هزینه های قابل قبولی

برای چاپ کتاب های ترجمه شده سرمایه گذاری می کنند.»

وی با اشاره به مساله تهاجم فرهنگی که با هدف سست کردن پایه های اعتقادی و دینی جوانان صورت می گیرد، بر ضرورت تقویت محتوای کتاب های دینی و فرهنگی تاکید می کند و می گوید: «مدیران و مسئولان فرهنگی جامعه باید با همکاری یکدیگر، عرصه کتاب های دینی را آسیب شناسی کنند و در راستای رفع آن اقداماتی را با تدوین راهکارهای مؤثر انجام دهند. مسئولان فرهنگی کشور باید برای پاسخگویی به نیازهای فکری و فرهنگی تمام اقشار جامعه اقدام کنند و در این میان مقوله قدرت خرید فرهنگی مردم را نیز مورد توجه قرار دهند تا تمام اقشار جامعه بتوانند از کتاب های دینی استفاده کنند.»

همه شعرهای پاز در یک کتاب

شعر؛ فضای مرتعشی از نشانه‌ها



نزدیک پاز بوده، استفاده کرده است. ولی مترجمان دیگری نیز شعرهای پاز را به زبان انگلیسی برگردان کرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به دونالد گاردنر اشاره کرد که ترجمه معروف «سنگ آفتاب» از روی آن انجام شد و از سوی انتشارات کتاب زمان به چاپ رسید. گاردنر همان فردی است که جمله بسیار معروف «این شعری است که همه محتاج سرودنش هستند» را نخستین بار درباره منظومه سنگ آفتاب بر زبان آورد. همین جا خوب است نخستین سطرهای ترجمه اسماعیل پور را از منظومه «سنگ خورشید» با همان سطرها از منظومه «سنگ آفتاب» کتاب زمان مقایسه کنیم:

سنگ آفتاب: «بیدی از بلور، سپیداری از آب، / فواره‌ای بلند که آب کمانی‌اش می‌کند، / درختی رقصان اما ریشه در اعماق، / بستر رودی که می‌پیچد، / پیش می‌رود، / روی خویش خم می‌شود، / دور می‌زند / و همیشه در راه است، / کوره‌راه خاموش ستارگان / با بهارانی که بی‌شتاب گذشتند، / آبی در پشت جفتی پلک بسته / که تمام شب رسالت‌رامی جوشد / حضوری یگانه در توالی موج‌ها...»

سنگ خورشید: «بید بلور، سپیدار آب، / فواره‌ای بلند با کمانه باد / درختی ژرف ریشه اما رقصنده / رودی رونده و پیچنده / دورزننده چو مداری دوار / همواره در راه، / رهکار آرام ستارگان / با بهارانی بی‌شتاب / آب با چشمان بسته / جوشنده در توالی شب / سرشار از مکاشفه، / حضوری تنها / در خیزاب موج‌ها...»

این بخش در ترجمه کتاب زمان، ۱۱ سطر و در ترجمه اسماعیل پور، ۱۳ سطر را دربردارد. چرا چنین است؟ پاسخ را باید در نکته‌ای جست که اسماعیل پور درباره جنس تقطیع شعرهای پاز در ترجمه خود در پیشگفتار این کتاب نوشته است. او این گونه توضیح می‌دهد که در ترجمه، معتقد است باید جان کلام را برگرداند و نه لفظ را: «من معتقدم که هر کوششی برای ترجمه به اصطلاح «نعل به نعل» شعر، با شکست مواجه می‌شود. از این رو، نحوه مصراع‌بندی، چیدمان و آرایش پلکانی مصراع‌ها در این کتاب در بسیاری موارد در ترجمه تغییر کرده تا با نحوه خوانش و هنجار آهنگین فارسی منطبق گردد. این یکی از شگردهای ترجمه شعر است که بسیاری از مترجمان آن را نادیده می‌گیرند...»

ترجمه همه شعرهای سی سال شاعری چون پاز به زبان فارسی، اتفاق مبارکی است اما مذاق خوانندگان شعر کاملاً متفاوت و متنکثر است. این کتاب ترجمه‌ای را عرضه کرده که بی‌شک برخی آن را بیشتر از ترجمه‌هایی که تاکنون در دست بوده، می‌پسندند و برخی کمتر.

دادن ویژگی‌های معنایی، صوتی و دیداری شعر اسپانیایی ناتوانند. صرفاً به عنوان یک نمونه، بر پیشانی شعر «تک‌خوانی دو صدایی» می‌خوانیم: «در هیچ زبان غربی دیگری، این همه واژه دگرگشته (تصحیف) به چشم نمی‌خورد». برای آن که این نکته روشن‌تر شود، از فارسی مثالی می‌آورم: مثلاً واژه‌های «بهر» و «نهر» یا «بوسه» و «توشه» صورت تصحیفی یکدیگرند و مشخص است که وجود چنین واژه‌هایی در سطرهای یک شعر، کارکردی دینامیک از لحاظ دیداری به آن سطر می‌بخشد؛ کارکردی که در ترجمه به کل از بین می‌رود.

«مجموعه کامل اشعار اکتاوپو پاز» کتاب حجیمی در دو جلد است که هر جلد بیش از ۴۳۰ صفحه دارد. ترجمه چنین حجمی از شعر شاعری چون پاز، با آن ویژگی‌های که برای شعرش ذکر شد، قطعاً کار ساده‌ای نیست. اسماعیل پور آن‌طور که در پیشگفتار کتاب آورده، در آغاز ترجمه قصد کتاب کردن این شعرها را نداشته: «چون اصل کتاب به دستم رسید، فقط می‌خواستم متن اصلی را بخوانم و بیشتر لذت ببرم. اما هنگام خواندن به تفاوت‌هایی در متن اسپانیایی و ترجمه انگلیسی و فارسی منظومه سنگ خورشید برخوردیم و همین، انگیزه‌ای شد برای برگردان نخستین منظومه و همچنین بقیه مجموعه‌های پاز که به قول معروف، کار دل بود و به تدریج در طول چند سال انجام گرفت.»

اسماعیل پور برای ترجمه این شعرها از ترجمه انگلیسی الیوت و اینبرگر که از شاگردان و دوستان

سیاست در دست است، کتاب «تک‌خوانی دو صدایی» با ترجمه کاوه میرعباسی است. این کتاب را نشر نی در سال ۸۱ منتشر کرد که مجموعه سه گفت‌گو با شاعر را دربرمی‌گیرد. نمونه‌هایی از بهترین توصیف‌های پاز درباره شعر در همین مجموعه آمده‌اند: «آیا شعر همان فضای مرتعشی نیست که بر آن مشتی نشانه، مانند علامت‌نگاری که فورانی از مفاهیم باشد، منعکس می‌گردد؟» «فضا»، «انعکاس»، «علامت‌نگار». این سه واژه عملی را تداعی می‌کنند که عبارت است از گستردن یک مکان «اینجایی» که نوشتاری را پذیرا می‌شود و برپانگه می‌دارد؛ قطعات پراکنده‌ای که بازگردیم می‌آیند و می‌کوشند شکلی پدید بیاورند مانند هسته‌ای از مفاهیم و آن‌گاه که شعر را به سان پیکربندی نشانه‌ها بر فضایی جنبنده مجسم می‌کنم، صفحه کتاب را مد نظر ندارم... به موسیقی‌ای می‌اندیشم که هرگز شنیده نشده است؛ موسیقی‌ای برای دیدگان - موسیقی‌ای که هرگز به چشم نیامده است.»

شاید از همین سطرها طرز برخورد پاز با شعر آشکار شده باشد. شعر او متعلق به فرهنگی به شدت التقاطی و شخصیت‌خودش، برآمده از مکزیکی است که معجونی از فرهنگ اسپانیایی، سرخپوستی و آمریکایی را درون خود جمع کرده است. به همه اینها، باید تأثیرپذیری‌های شاعر را از فرهنگ شرق دور و فرهنگ هند نیز اضافه کرد. به ویژه از زمانی که او به عنوان سفیر مکزیکی (۱۹۶۲) به هند رفت و شعرهایی مانند «گور امیر خسرو» نتیجه آشنایی او با همین نموده‌های فرهنگی شرق است. اما حتی اینها هم، همه آن گستره فرهنگی را که پاز از آن تأثیر پذیرفته، بازگو نمی‌کنند. او از جنبش سوررئالیسم فرانسوی نیز بسیار متأثر شد و از دوستان نزدیک آندره برتون به حساب می‌آید و همین آشنایی، مقدمه سفر او به پاریس در سال ۱۹۴۵ شد.

نگاهی به این شبکه پیچیده و نموده‌های فرهنگی گوناگون که شعر پاز را می‌پرورد، می‌تواند تا حدودی بغرنج بودن نوشتن درباره شعر او و نیز ترجمه شعرش را مشخص کند - ضمن آن که ما فارسی‌زبانان نه با متن اصلی شعر او که عمدتاً به زبان اسپانیایی است، بلکه در اغلب موارد با ترجمه فارسی و در موارد دیگر با ترجمه انگلیسی شعر او آشنایییم و آن هم ترجمه‌های فارسی‌ای که بیشتر ترجمه از زبان دوم (انگلیسی)‌اند. مقایسه‌ای بین دو بخش شعر پاز در دو ترجمه فارسی - که نمونه‌اش در آغاز این مطلب آمد - دگرگونی عظیمی را نشان می‌دهد که شعر ترجمه می‌تواند نسبت به زبان اصلی داشته باشد. حتی ترجمه‌های انگلیسی شعر پاز هم از نشان

ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور از تمامی شعرهای اکتاوپو پاز که طی ۳۰ سال از عمر شاعری او سروده شده‌اند، اخیراً در دو جلد از سوی نشر اسطوره منتشر شده و مقابله این شعرها با متن اسپانیایی را سعید آذین به عهده داشته است. این کتاب شعرهای پاز را از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ در بر می‌گیرد. پاز که متولد ۱۹۱۴ بود (و این تاریخ به دلیل اشتباه حروفچینی در متن کتاب حاضر ۱۹۴۱ ثبت شده - صفحه ۲۰) در سال ۱۹۹۸ از دنیا رفت.

«اگر گفته شود: نه/ به جهان به لحظه اکنون/ امروز که یلدای زمستان است، / هیچ چیز گفته نشده است / آری اگر / گفته شود کولاک زمستان است، / امروز در جهان / این / گفتاری نیست.»

«نه گفتن / به جهان / به اکنون / امروز / در انقلاب زمستانه / آری نگفتن است / اگر سخن است از / انقلاب زمستانه / امروز در جهان / نیست / آری گفتن...» مقایسه نخستین سطرهای شعر «تکنوازی برای دو صدا» ای پاز از ترجمه اقبال معتضدی (نمونه نخست از کتاب «اکتاوپو پاز، زندگی، آثار و گزیده شعرها») از سوی نشر مرکز (چاپ نخست ۱۳۷۸) و ابوالقاسم اسماعیل پور (نمونه دوم)، ویژگی‌های ترجمه اسماعیل پور از شعرهای پاز را تا حدی مشخص می‌کند.

تاکنون ترجمه‌های گوناگونی از آثار پاز در دست بود که البته هیچ یک، از گستره کتاب اسماعیل پور برخوردار نیستند. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به اینها اشاره کرد: «تک‌خوانی دو صدایی» و «پرتوی از هند» با ترجمه کاوه میرعباسی (کتاب نخست بخشی از تأملات پاز را در مسائل مختلف سیاسی و هنری و اجتماعی دربردارد و دومی، گزارش گونه‌ای است از تجربیات و خاطرات او در هند، «سنگ آفتاب» انتشارات کتاب زمان، «به من گوش سپار چنان که به باران» گزیده‌ای از شعر پاز با ترجمه سعید سعیدپور، «طرحی از سایه‌ها» با ترجمه حسن صدری و «آزادی» که گزیده دیگری از شعر پاز است با ترجمه حسن فیاد.

شرح حال مفصل پاز در کتاب‌های مختلفی به زبان فارسی موجود است و با یک جست‌وجوی اینترنتی ساده نیز می‌توان به اطلاعات مفید بسیاری درباره زندگی او رسید. پس این مطلب تنها نگاهی دارد به مهم‌ترین ویژگی‌های شعر پاز و مقایسه چند نمونه از ترجمه‌های اسماعیل پور با ترجمه‌های اقبال معتضدی و «سنگ آفتاب» انتشارات کتاب زمان.

بهترین منبعی که در زبان فارسی درباره آرای پاز در حوزه شعر، هنر و مسائل مختلف اجتماع و

یادداشت

ابوالقاسم اسماعیل پور



شاعری از جنوب اساطیر

در سال‌های دهه ۵۰، هنگامی که دانشجو بودم، ترجمه‌ای از شعرهای اکتاوپو پاز به دستم رسید و از آن بسیار لذت بردم. پس از آن کتابی دوزبانه که تمام سروده‌های این شاعر به زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی را در خود داشت، به دستم رسید. فقط می‌خواستم این کتاب را بخوانم و ترجمه آنها در ذهن نبود. اما سال‌ها پیش هنگامی که در «دریاکنار» روزگار سپری می‌کردم، روزانه یکی از این شعرها را ترجمه کردم تا در نهایت پس از پنج سال همه آنها ترجمه شد. تمام

سرخ‌پوستان و اساطیر آمریکای جنوبی را شناسیم، درک این شعرها سخت خواهد بود. در واقع او اسطوره‌های محل تولدش را با رنگ و بویی امروزی عرضه کرده است. به عنوان مثال، اسطوره «خورشید» و اهمیتی که مردم مکزیکی برای خورشید قائلند را با توجه به رویدادهای زمانه، بازخوانی کرده است و نام منظومه «سنگ خورشید» هم از همین واقعیت نشأت می‌گیرد. با توجه به همین مسائل و به منظور ایجاد سهولت بیشتر برای برقراری ارتباط خوانندگان با شعرهای پاز، یادداشتی به عنوان مقدمه برای کتاب تالیف کرده‌ام تا برخی از واقعیت‌های این کتاب را شرح دهم. همچنین، زیرنویس‌هایی در کتاب وجود دارند که در آنها ریشه‌شناسی واژه‌ها و تقابل کلمات در دو زبان انگلیسی و اسپانیایی درج شده‌اند.



ترجمه من با زبان اسپانیایی تطبیق داده شده و دوباره توسط یک مترجم زبان اسپانیایی ویرایش شدند. کار اصلی من اسطوره‌پژوهی است، اما رشته تحصیلی‌ام در دوره کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی بوده و ادبیات از جدی‌ترین علائق زندگی من است. اما مسئله این جاست که وقتی مترجمان زبان اسپانیایی به آثار این بزرگان توجه نمی‌کنند، چاره‌ای جز ترجمه آنها از زبان واسطه باقی نمی‌ماند. مثلاً اگر مرحوم قاضی رمان «دن کیشوت» را از زبان فرانسه ترجمه نکرده بود، ما هنوز هم ترجمه‌ای از این رمان بزرگ نداشتیم.

از طرفی، سروده‌های اکتاوپو پاز، تنها شعرهایی ادبی نیستند. آشخور سروده‌های پاز، اسطوره‌های مکزیکی و آمریکای جنوبی‌اند. شعرهای او با اسطوره پیوند خورده‌اند به شکلی که اگر اسطوره‌های



احسان استیری

به انگیزه انتشار کتاب هنر جهانی پانتومیم

مارسو در اعتراض به هیتلر پانتومیم را احیا کرد

حتی در انتخاب پانتومیم به عنوان یک ابزار بیانی، یک اندیشه و تفکر خاص و خودآگاهانه داشت و در اثر علاقه سطحی یا احساسات و عواطف، پانتومیم را انتخاب نکرده بود.

یکی از وجوه کاری مارسو، نقد مسائل سیاسی غرب است که جلوه بارزش را می توان در کتاب **گفت و گو با او** دید. آیا می توان درباره شیوه های آمریکایی مارسو حرف زد؟ شیوه هایی که در کتاب حاضر به آن پرداخته نشده است.

مارسو به سبک خاصی اعتقاد نداشت. او دنبال جوهر ذات پانتومیم بود و آن را یک زبان واحد، یکپارچه و جهانی می دانست که می تواند با همه مردم دنیا ارتباط برقرار کند. مارسو در تحقیقات خود متوجه آداب آیینی شد که در دوران گذشته وجود داشت و از ژست های این آداب نیز در بیان هنری خود استفاده می کرد.

مارسو در این کتاب مرتباً از قالب های خاص حرف می زند. آیا او تجربه هایی دیگرگونه نیز داشته است؟ مارسو اعتقاد داشت که پانتومیم باید بتواند در داستانی را به درام پانتومیم تبدیل کند. او خود در همین جهت و برای رسیدن به همین هدف تلاش می کرد و موفق شد. متأسفانه برخی تصور می کنند که نمایش های مارسو کلیشه هایی از پیش مشخص اند؛ اما این تصور نادرست است. اگر چنین ادعایی صحت داشت، مارسو نمی توانست موضوعات مختلف اجتماعی را تبدیل به پانتومیم کند.

لیموژ به نهضت مقاومت ملی فرانسه پیوست و به همین علت، نام خانوادگی اش را از مانژل به مارسو تغییر داد تا با این نام مستعار شناخته نشود. مارسو تا مدت ها تحت تعقیب گشتاپو بود و به همین دلیل، گریز از دیکتاتوری و درگیری با مسائل سیاسی و اجتماعی تا پایان عمر در کار او ماند. در واقع، روحیه سیاسی و انتقادی مارسو در مبارزات او علیه هیتلر - در دوران جوانی اش - ریشه دارد.

آیا می توان وجه انتقادی کار مارسو را به ابعادی عمیق تر نیز تعمیم داد؟

البته مارسو اعتقاد داشت که در زمان او و در زمان اشغال فرانسه، زبان به افشاح و اضمحلال کشیده شده بود و حکمرانان آلمانی هر استفاده ای را که می خواستند، از زبان می کردند؛ آنها دروغ می گفتند، متن های آتشین تنظیم می کردند و با زبان بازی، مردم را می فریفتند. اینجابود که مارسو به ضعف



یعنی به جای این که دانشجو عمل تئاتری را دیده باشد؛ عمل را برای او طوری بازسازی کنیم که تصویری مشابه کیفیت در ذهن مخاطب شکل گیرد. گرچه مخاطب ایرانی با کارهای مارسو آشنا نیست، اما هنر جهانی پانتومیم جزو آثاری است که به شکل گیری یک تصور از کار مارسو کمک می کند. در این کتاب هربرت ایسه رینگ که یکی از بارزترین و شناخته شده ترین منتقدان تاریخ تئاتر معاصر آلمان است، با در نظر گرفتن زمینه های تاریخی و بسترهای عینی پدید آمدن پانتومیم مارسو، شیوه کار او را بررسی می کند. در واقع، کتاب تنها به مسائل نظری محض درباره پانتومیم نمی پردازد، بلکه ریشه های پدید آمدن شیوه مارسو و کیفیت آن را نیز مورد بررسی قرار می دهد.

به رغم شهرت مارسو در ایران، کمتر کسی از نگاه انتقادی او آگاه است.

شما دلیل این مسأله را چه می دانید؟ آیا کتاب حاضر به تقویت این نگاه کمک می کند؟

بله. مارسو برخوردی انتقادی و شدید با جریانات سیاسی زمانه اش داشت. با اشغال فرانسه توسط ارتش فاشیستی آلمان هیتلری در سال ۱۹۴۰، خانواده مارسو مجبور به ترک و فرار از استراسبورگ شد. پدر مارسل مارسو توسط ماموران گشتاپو دستگیر شد و در اردوگاه کار اجباری آشویتس به قتل رسید. مارسو نیز در شهر

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات دلپام با دوازده عنوان کتاب پرکارترین ناشر در پوش صادق با هشت عنوان پرکارترین مولفا و مجد عمیق با سیزده عنوان پرکارترین مترجم بودند.

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

| شاخص ها | مقدار | مشخصات کتاب ها |
|------------------|-------------|---|
| ارزاترین کتاب | ۲۰۰۰ ریال | زیارت عشق را ترجمه روان فارسی و علامت و نقد مهدی الهی قمشه ای، ناشر: ام ایپیدا، چاپ ۱۸۰۲ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه |
| گرانترین کتاب | ۲۰۰۰۰۰ ریال | تجربه راهبردی در طراحی منظره و فضای سبز در ایران (بروشنی از باغ گیاهشناسی ملی ایران)، زینا جباران، ناشر: موسسه تحقيقات جنگلها و مراتع، چاپ ۱، ۴۲۲ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۷۴ مرتبه | مکاتبات دولت و فزونتگی، هارک فیشر، گیش خوشنسل، ناشر: لفظ، ۱۴۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۸۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۱۰۰۰۰۰ نسخه | طبخانقران، مسیح ۱، آموزش تولید آسوان به روایت حفص از غامبو، سیده حسن موسوی رفه، ناشر: احمد، چاپ ۵۶، ۵۶، ۱۱۰۰۰ ریال |
| کثیرترین شمارگان | ۲۵۰ نسخه | راهکارهای کاهش هزینه احداث زیرساخت های حمل و نقل جاده های، ناشر: وزارت راه و ترابری، معاونت آموزش تحقیقات و فناوری، پژوهشگاه حمل و نقل، چاپ ۱، ۲۱۶ صفحه، ۴۰۰۰۰ ریال |
| بیشترین صفحه | ۱۷۷۰ صفحه | Robert H. Perry Perry's chemical engineer's handbook ناشر: اسپریداران، چاپ ۱، ۲۰۰۰ نسخه |
| کثیرین صفحه | ۱۶ صفحه | کچه باید در مورد مدیریت زمان بدانید، رانیه شجاعی، ناشر: ارتقای سلامت ایرانیان، چاپ ۱، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۰۰ ریال |

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

| شاخص ها | مقدار | مشخصات کتاب ها |
|------------------|-------------|---|
| ارزاترین کتاب | ۹۰۰۰ ریال | من دوست دارم، تاروش صادق، ناشر: کتاب نیستان، چاپ ۱۶، ۱۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه |
| گرانترین کتاب | ۱۴۸۰۰۰ ریال | مجموعه سوالات کارشناس ارشد رشته حسابداری همراه با پاسخ تشریحی، ۸۸-۹۰ زبان انگلیسی - ریاضی و آمار - حسابداری مالی - حسابداری صنعتی - حسابداری، ناشر: ناشر: نگاه دانش، چاپ ۱۷، ۲۳۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۵۸ مرتبه | پوشش های چهارگانه ای ایسی (۳) بهمن بازرگان، ناشر: میتراکان، ۲۴۴ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۷۲۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۲۰۰۰۰ نسخه | تمرین گام به گام ریاضی سال دوم ابتدایی: تمرین های ریاضی طبقه بندی شده بر اساس موضوعات کتاب درسی، قابل استفاده برای تکلیف هر شب و هر موضوع تدریس شده، ناشر: ازین، چاپ ۲۸، ۲۷۷ صفحه، ۲۹۰۰۰ ریال |
| کثیرترین شمارگان | ۱۰۰۰۰ نسخه | تئوری های مدیریت (۲) ویژه گروه علوم انسانی شامل: تئوری، نکته، مثال های حل شده، سعید حسینی پور، ناشر: نظری فرهیخته، چاپ ۱، ۲۸۸ صفحه، ۱۱۵۰۰۰ ریال |

| تعداد ناشران در این هفته | تعداد ناشران در این هفته | تعداد پدیدآورندگان | | تعداد کتاب های بدون قیمت | تعداد کتاب های بیست |
|--------------------------|--------------------------|--------------------|-------|--------------------------|---------------------|
| | | مؤلف* | مترجم | | |
| ۴۴۲ | ۱۴۵ | ۷۰ | ۱۷۰ | ۸۰ | ۷ |

* مؤلف نامی پدیدآورگان (با نداشتن نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به مترجم

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۱۶/۳/۸۸ تا چهارشنبه ۲۰/۳/۸۸، ۱۱۲۷ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع کودک و نوجوان و سپس ادبیات بوده است. پس از آن به ترتیب: موضوعات علوم عملی، دین، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

| ردیف | موضوع | تعداد کل | تعداد* | ترجمه | چاپ اول | چاپ تجدید | تهران | تهرانستان | شمارگان متوسط | صفحه متوسط |
|------|----------------------|----------|--------|-------|---------|-----------|-------|-----------|---------------|------------|
| ۱ | ادبیات | ۳۵ | ۲۹ | ۶ | ۱۸ | ۱۷ | ۳۵ | ۰ | ۲۱۶۱ | ۴۳۰ |
| ۲ | فلسفه و روانشناسی | ۴۰ | ۱۸ | ۲۲ | ۱۲ | ۲۸ | ۲۷ | ۲ | ۲۲۲۹ | ۱۲۲ |
| ۳ | ادب | ۱۲۸ | ۱۱۳ | ۱۵ | ۶۴ | ۶۴ | ۸۱ | ۴۷ | ۴۳۸۰ | ۲۴۶ |
| ۴ | علوم اجتماعی | ۱۲۴ | ۹۶ | ۲۸ | ۵۵ | ۶۹ | ۱۱۹ | ۵ | ۲۴۲۳ | ۲۸۹ |
| ۵ | زبان | ۲۲ | ۲۷ | ۰ | ۱۲ | ۱۹ | ۲۸ | ۴ | ۲۶۷۱ | ۳۱۸ |
| ۶ | علوم طبیعی و ریاضیات | ۴۷ | ۳۹ | ۸ | ۲۶ | ۲۱ | ۴۱ | ۶ | ۲۲۴۰ | ۴۰۲ |
| ۷ | علوم عملی | ۱۳۸ | ۹۸ | ۴۰ | ۷۸ | ۶۰ | ۱۲۳ | ۱۵ | ۲۱۴۶ | ۲۶۲ |
| ۸ | هنر | ۳۹ | ۲۲ | ۱۷ | ۱۷ | ۲۲ | ۲۸ | ۱ | ۲۰۹۰ | ۲۱۱ |
| ۹ | تاریخ | ۱۵۷ | ۱۲۴ | ۳۳ | ۹۲ | ۶۵ | ۱۲۳ | ۳۵ | ۲۰۷۴ | ۲۷۱ |
| ۱۰ | تاریخ و جغرافیا | ۴۶ | ۳۷ | ۹ | ۱۹ | ۲۷ | ۴۰ | ۶ | ۲۲۲۹ | ۲۳۰ |
| ۱۱ | آموزشی و کمک درسی** | ۹۰ | ۸۸ | ۲ | ۳۹ | ۲۱ | ۸۸ | ۲ | ۲۲۵۹ | ۱۶۲ |
| ۱۲ | کودک و نوجوان | ۲۵۱ | ۱۶۹ | ۸۲ | ۱۰۸ | ۱۴۳ | ۲۴۰ | ۱۱ | ۵۳۱۱ | ۵۷ |
| | جمع بندی | ۱۱۲۷ | ۸۶۰ | ۲۶۷ | ۵۴۱ | ۵۸۶ | ۹۹۲ | ۱۴۵ | ۲۷۴۲ | ۲۶۸ |

* جایگاه به نامی اثری اطلاع می رسد که ترجمه باشد. آثاری چون تصحیح، ترمیم، گردآوری، تنظیم، تم و نظیر آن. ** منظور از موضوع آموزشی و کمک درسی، کلیه کتاب های است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی نام مطابقت ندارند. راجعاً به فهرست موضوعات و معادلان آنها دانش آموزان از پیش بیستالی تا بیست و هشتاد.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

| شاخص ها | مقدار | مشخصات کتاب ها |
|------------------|-------------|---|
| گرانترین کتاب | ۱۰۰۰۰۰ ریال | فوت کوزه گری، متل های فارسی و داستان های آن، شبنم پیدرایی، ناشر: سازمان پژوهش و پرورش، چاپ ۳، ۶۰۲ صفحه |
| بیشترین صفحه | ۲۵۰۰۰ صفحه | هستی به دست گل می نشاند، احسان سیاه سیسی، ناشر: لفظ، ۱۲ صفحه، ۱۵۰۰۰ نسخه، ۲۵ مرتبه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۲۵ مرتبه | حفا و دقا در زلزله، زینت السادات طباطبایی، ناشر: موسسه فرهنگی هنری طاهر، چاپ ۱۶، ۲، ۱۶۰۰۰ نسخه |
| بیشترین شمارگان | ۵۰۰۰۰ نسخه | پرنده ای به نام اثریات، ریچارد دیوید باغ، سوذانه پرتوی، ناشر: امیرکبیر، کتاب های شکوفه، چاپ ۸۸، ۸۸ صفحه، ۱۲۰۰۰ ریال |



یوجین لوتر گورویدل (متولد ۱۳ اکتبر ۱۹۲۵) ملقب به گورویدل یکی از مطرح ترین نویسندگان معاصر آمریکاست که در کنار نویسندگانی چون نوام چامسکی همواره به نقد سیاست های کشورش پرداخته است. وی را می توان یکی از جنجالی ترین نویسندگان معاصر دانست. مهم ترین اثر حماسی او، رمان «آفرینش» است. او در فیلم «گاتاکا» نیز نقش آفرینی کرده است. کتاب های «یولیانس»، «ستیز خدایان»، «امپراتوران بیزانس»، «دو خواهر» و «آرون بر» از جمله آثار ویدال به شمار می رود که به فارسی ترجمه شده است. ویدال همواره سیاست های جاه طلبانه آمریکا را مورد نقد قرار داده است. متنی که در پی می آید، بخشی از گفت و گوی وی با روزنامه ایتالیایی «لاستامپا» است.

گفت و گو با گور ویدال، نویسنده منتقد آمریکایی

شکسپیر مدرن تر از نویسندگان معاصر بود

قرار نگبرد.

آیا شما نوشته های خودتان را هم مورد انتقاد قرار می دهید؟

بله. من همواره به این کار مشغول بوده ام و در آینده نیز چنین می کنم. به نظر من یک اثر هنری هیچ وقت کامل نیست و همواره باید کوشید تا آن را کامل کنیم. اما ممکن است تکامل یک اثر در کتابی دیگر انجام شود. من معتقدم یک نویسنده در همه عمرش تنها یک کتاب می نویسد و همواره در راه تکامل همین کتاب است. گاه ممکن است او به ظاهر مسیری متفاوت را بپیماید، اما در واقع مسیر او یکی است و همان طور که فصل های مختلف یک کتاب گاه ممکن است با هم ارتباطی نداشته باشند، کتاب های یک نویسنده نیز ممکن است با هم متفاوت باشند.

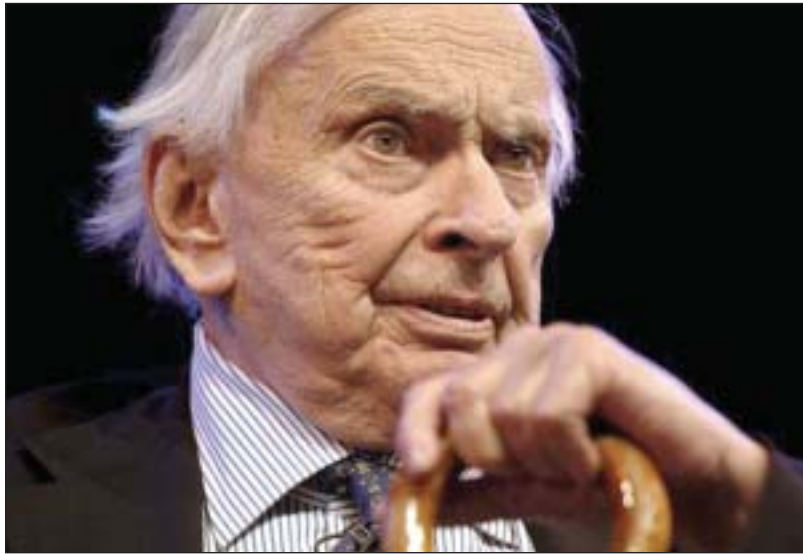
یعنی آخرین کتاب نویسنده، عصاره همه تجربیات اوست؟

جواب شما بله و نه است. بله از این جهت که نویسنده می تواند همه تجربه های خویش را از نظر فرمی و ساختاری در کتاب جمع کند. اما نباید فراموش کنیم که نویسنده همیشه به سوی تعالی ادبی پیش نمی رود. مثلا کوهلت سن یا دیدگاه های خاص ممکن است او را دچار مشکل در عرصه نویسندگی کند. اما سوی دیگر، کار یک نویسنده را نمی توان با کار یک دانشمند مقایسه کرد. یک دانشمند ممکن است همواره در حال حرکتی خطی باشد، اما یک نویسنده تحول خود را در مسیری خطی جست و جو نمی کند. بگذارید از ادبیات مثال بزنم. شما ممکن است بهترین و جذاب ترین قسمت داستانان را در فصل دوم کتابان بگذارید و در پایان کتاب تنها به گره گشایی بپردازید. در این حالت آیا کسی می تواند بگوید که فصل آخر کتاب، کامل ترین فصل آن است؟ یک نویسنده نیز در طول دوران کاری اش، فرازها و فرودهای بسیاری دارد و به همین دلیل، آخرین کار او لزوماً بهترین کارش نیست. شما در جایی گفته اید که کلاسیک ترین آثار جهان، به نوعی مدرن ترین آنها نیز هستند. آیا هنوز به این عبارت معتقدید؟

من هرگز چنین جمله ای را با چنین قاطعیتی نگفته ام، اما همواره به این نکته اعتقاد دارم که باید آثار کلاسیک را بارها و بارها خواند و اسرارشان را کشف کرد، علتش هم همان نکته ای است که در سوال قبل به آن اشاره شد؛ این که نمی توان تقدم و تأخر را عاملی برای تحول در دنیای ادبیات دانست. به طور مثال من معتقدم که گاه شکسپیر مدرن تر از برخی نویسندگان معاصر می نویسد. من معتقدم ریزه کاری آثار نویسندگانی همچون سروانتس، به هیچ وجه کمتر از نویسندگان معاصر نیست. او حدود چهارصد سال پیش می دانست که طنز چه ارزشی در ادبیات دارد و آن را در رمانش به کار گرفت. آیا توجه شما به مسائل تاریخی را می توان خوانشی دوباره از آنها به حساب آورد؟

به طور حتم این توجه، شبیه نویسندگانی نیست که دو بیست یا سیصد سال قبل زندگی می کرده است. حتی شبیه نویسندگانی نیست که سی سال پیش کار می کرده است. حتی من شبیه بیست سال قبل خودم نیستم و همواره در تلاشم تا نگاهی نو به زندگی داشته باشم.

نویسنده ای که چنین نباشد، چیزی کم دارد.



صحبت می شود، اما فعلیت نیافته است. هشتاد درصد مردم در آمریکا فقیرند و احساس خوشبختی نمی کنند، در حالی که بیست درصد خوشبخت هستند، زیرا برای شرکت های چندملیتی کار می کنند؛ شرکت هایی که ثروت جهان را در اختیار دارند. تصمیمات رئیس جمهور آمریکا معرف نظر مردم نیست. از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، دولت آمریکا به طور غیرقانونی در بیش از پنجاه جنگ شرکت کرده و این جنگ ها غیرقانونی است، زیرا بر اساس قانون به تصویب کنگره نرسیده اند.

اما انتقاد شما فقط به دایره سیاست بر نمی گردد. به عنوان مثال شما انتقاداتی جدی به شیوه نوشتن نورمن میلر داشته اید. آیا یک نویسنده همواره باید در حال انتقاد باشد؟

به نظر من بله. اگر دقیق تر به ماجرا نگاه کنیم، همه آرای ادبی به انتقاد مداوم نویسنده اعتقاد دارند. مثلا شما فرمالیست ها را در نظر بگیرید که مدام به ساختار زبانی و فرمی در کار خود توجه دارند. آنها همواره به فرم ها و ساختارهای زبانی پیشین انتقاد دارند. اگر آنها به این مساله توجه نداشته باشند، پیشرفتی در کار نخواهد بود و مدام مجبورند کارهای گذشته را تکرار کنند. پس حتی در خنثی ترین فرم ادبی، ما نویسندگان و منتقدانی داریم که مدام در حال انتقاد کردن هستند. اما از سویی دیگر نویسنده باید مراقب باشد که ملعبه دست گروه های سیاسی

انتخابات را می پردازند. نمایندگان کنگره آمریکا ایالت های خود را نمایندگی نمی کنند و در واقع نمایندگان جنرال موتورز و دیگر صنایع بزرگ آمریکا به شمار می روند. واقعیت این است که نه تنها نمایندگان کنگره آمریکا، بلکه نمایندگان مجالس تمامی کشورهای غربی را ثروتمندان و نمایندگان مراکز قدرت مالی تشکیل می دهند و در حقیقت تمامی مناصب قدرت، اعم از مجالس قانونگذاری، اعضای دولت و... در دست صاحبان پول و ثروت است.

انتقاد جدی شما به عنوان یک نویسنده از سیاست های آمریکا چیست؟

مردم آمریکا در نظامی زندگی می کنند که آنها را تحت کنترل دارد و سانسور به صورت جدی همه چیز را در سیطره خود قرار داده است. تعلیم و تربیت مردم هم بر مبنای تبلیغات سیاسی، آن هم از دوره دبستان، آغاز می شود. در آمریکا، مردم مالیات بسیاری می پردازند، در حالی که حتی فاقد پوشش درمانی (دولتی) بوده و نظام آموزش و پرورش آن در شرایط بسیار بدی به سر می برد. از جنبه سیاسی هم در آمریکا تنها یک حزب وجود دارد که دارای دو شاخه است (جمهوری خواه و دموکرات) و مردم پیوسته شست و شوی مغزی می شوند. آزادی از آمریکا گذر کرد بدون آن که در این کشور دوام بیاورد، نمونه ای از آن آزادی سیاهپوستان و زنان است که از آنها فقط

پایان امپراتوری آمریکا

به گمان من امپراتوری آمریکا تا ۱۰ سال دیگر پایان می پذیرد. ما در طول چند دهه اخیر به هیچ وجه رؤسای جمهور کارآمدی نداشته ایم یا سلطه اقتصاد بر سیاست سلطه داشته است. اما جورج بوش، علاوه بر این که رئیس جمهوری احمق بود، حتی نمی توانست ظاهرش را حفظ کند. گاه حرف های او مرا به یاد افراد لمین محله های حاشیه نشین می انداخت. او کمتر کتابی به دست می گرفت و هیچ گونه اطلاعی از جهان نداشت. دست کم ریگان بازیگر خوبی بود. بوش حتی این هم نبود. به هر حال، هیچ امپراتوری ای در جهان پایدار نمانده است. امپراتوری روم ۵۰۰ سال و امپراتوری بریتانیا ۱۵۰ سال عمر داشتند و آمریکا با مشکلات خود اگر تا ۱۰ سال دیگر به امپراتوری خود بر جهان ادامه دهد، شانس آورده است. واقعا به این حرف ریچارد نیکسون فکر کرده ایم که آمریکا چگونه می تواند بدون دولت اداره شود؟ حتما منظور نیکسون این بوده که صاحبان صنایع بزرگ باید امور داخلی را رتق و فتق می کنند. در واقع در آمریکا از رئیس جمهور فقط در زمینه سیاست خارجی استفاده می شود. کلینتون از ملت آمریکا خواست تا با مراجعه به اطلس (جغرافیایی) با موقعیت کوزوو آشنا شوند، در حالی که بیشتر آمریکایی ها هنوز نمی دانند که اطلس چیست. این برای ما یک فاجعه است.

شما در کتاب هایتان همواره به مسائل تاریخی و اسطوره ای می پردازید، حال آن که به مسائل سیاسی روز توجه دارید. به گمان شما این دو با هم متفاوت نیستند؟

هرگز. ما تاریخ و اسطوره ها را می خوانیم تا بیاموزیم که راز شکست آنها چه بوده است. تاریخ برای ما یک کتاب درسی به حساب نمی آید که بعد از خواندن آن دورش بیندازیم. تاریخ به ما می آموزد که در زندگی امروز خود چه راهی را در پیش بگیریم. اصلا با این نکته موافق نیستم که کسانی که با تاریخ سرو کار دارند، نباید به زندگی امروز بپردازند. ما نباید این نکته را فراموش کنیم که امروز نیز بخشی از تاریخ است و ما زمانی می توانیم درباره امروز قضاوت کنیم که نگاهی تاریخی، یعنی نگاهی بی طرف به آن داشته باشیم.

به عنوان مثال شما اوپاما را به سازش با جمهوری خواهان متهم می کنید. برخورد تاریخ مدارانه شما با این موضوع چیست؟

اوپاما مثلا می خواهد فراجزبی عمل کند، اما بهای این کار او برای مردم آمریکا بسیار گزاف است؛ مشکل اینجاست که وی می خواهد با همه دوست باشد و مخالفی نداشته باشد. اوپاما خود وکیل است و این مسئله را باید به خوبی بلدانند که وقتی قانون اساسی نقض می شود، باید از آن دفاع شود و رعایت آن مورد تاکید قرار گیرد. در نتیجه وی باید از افرادی که در کنگره خواستار محاکمه علنی عاملان زیاده روی های دوران ریاست جمهوری جورج بوش هستند با قدرت حمایت کند. وظیفه نخست رئیس جمهور، کسب محبوبیت نیست، بلکه باید از قانون اساسی دفاع کند و مسئولیت محاکمه ناقضان قانون اساسی را مانند دوران ریاست جمهوری ریچارد نیکسون برعهده بگیرد. ریچارد نیکسون از رؤسای جمهوری پیشین آمریکا در سال ۱۹۷۴، وادار شد تا به علت رسوایی واترگیت از سمت خود استعفا کند. بزرگ ترین کاری که اوپاما باید در آینده انجام دهد پاک کردن هر چه سریع تر رسوایی ها، شکنجه ها و شکنجه گاه هاست؛ از زندان های سیاهگرفته تا گوانتانامو.

اما ننگتید که برخورد تاریخ مدارانه شما با این موضوع چیست؟

نگاهی به روم باستان نشان می دهد که چگونه این امپراتوری فروریخت. شما همه نشانه های این سقوط و زوال را در آمریکا می بینید. فساد، نابرابری اجتماعی، دروغ، مصرف گرایی و پایبند نبودن به قانون از جمله مسائلی است که به سقوط امپراتوری روم انجامید. حال همین عوامل در آمریکا نیز وجود دارد. کشور ما در حالی که نمی تواند محیط داخلی خودش را امن نگاه دارد، به جاهای دیگر سرک می کشد. مثلا شما به عملیات سیا در کودتای ۲۸ مرداد ایران دقت کنید. حاصل این کار برای آمریکا چه بود؟ آیا این سبب بی اعتباری ما نشد؟ ما آمریکایی ها چه سال است که فاقد زندگی دموکراتیک هستیم و به همین دلیل من معتقدم که امپراتوری آمریکا در حال سقوط است. اگر برای دموکراسی به دنبال چراغ راهنمایی گردید، آن را در آمریکا جست و جو نکنید. ۸۰ درصد مردم آمریکا وضعیت اقتصادی خوبی ندارند و در این کشور این مردم نیستند که تصمیم می گیرند بلکه شرکت های بزرگ و سازمان های نظامی هستند که مخارج تبلیغاتی



روایت اول شخص

«آلیس» در سرزمین ترجمه

■ محمود حسینی زاد، مترجم



این روزها مشغول ترجمه جدیدترین رمان «یودیت هرمان» بانوی نویسنده آلمانی ام که در ماه گذشته، روانه بازار کتاب آلمان و با استقبال خوب خوانندگان مواجه شد. این کتاب برنده جایزه ادبی «هولدرلین» نیز بود.

نام این مجموعه داستان ۲۰۰ صفحه‌ای، «آلیس» است که شامل پنج داستان به هم پیوسته درباره مرگ می شود و امیدوارم ترجمه آن هر چه سریع تر به پایان برسد و آن را به ناشر بسپارم که تا پاییز امسال روانه کتابفروشی ها شود.

تقریباً تمام آثار این نویسنده زن آلمانی را در ایران ترجمه کرده‌ام؛ آثار او جزو ادبیات مدرن آلمان با نثری بسیار ساده و زیباییست که به موضوعاتی از قبیل انسان، تنهایی انسان، دور شدن افراد از هم و مرگ می پردازد.

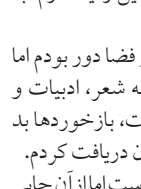
پیش تر، ترجمه سه داستان هرمان را در مجموعه داستان «گذران روز» که توسط نشر ماهی و سایر داستان‌هایش را در مجموعه داستان‌های «این سوی رودخانه ادر» توسط نشر افق و «آسمان خیس» نشر ماهی ارائه کردم.

مجموعه داستان دیگری نیز توسط نشر افق در دست چاپ دارم که در آن، داستان‌هایی از چهار نویسنده آلمانی زبان مانند پتر اشتام و یودیت هرمان ارائه شده است.

پس از مجموعه داستان نخستم با عنوان «سبایه ترسناک شب»، که در سال ۸۴ توسط انتشارات کاروان منتشر شد، مجموعه داستان دیگری به قلم من با عنوان «هنوزم گاهی» شامل ۱۳ داستان کوتاه با موضوع مرور خاطرات گذشته و همراه بودن همیشگی این خاطرات با افراد، توسط نشر آگه منتشر خواهد شد.

از شعر تا ماهی طلا

■ فرزانه شهنشاهی، شاعر



شاعر، مستمّر و پیگیر می نویسد، با شعرش و خودش کلنجار می رود تا همان چیزی را به دست آورد که او را به عنوان خالق اثر راضی کند.

پس از مجموعه شعر نخستم با عنوان «زانو به زانو پنجره»، روی مجموعه دوم شعرم کار می کنم اما این مجموعه . به دلیل حساسیتی که در این زمینه دارم . به این زودی ها منتشر نخواهد شد.

درباره مجموعه نخستم، مدتی از فضا دور بودم اما با توجه به اینکه نظر افراد راجع به شعر، ادبیات و سلیقه های شعری افراد متفاوت است، بازخوردها بد نبود و نظرات مختلفی را نسبت به آن دریافت کردم.

اولویت نخست من، همیشه شعر است اما از آن جایی که رشته تحصیلی ام زبان و ادبیات فرانسه بوده گاهی هم ترجمه ادبی را زنگ تفریحی بر شعر می گیرم و این روزها هم بیشتر به این زنگ تفریح علاقه پیدا کرده ام!

قبل از اینها تنها فعالیتیم در حوزه ترجمه، چاپ ترجمه برخی شعرهای شاعران جهان در نشریات ادبی بود، اما امروز ترجمه ام از رمانی با عنوان «ماهی طلا» اثر ژان ماری گوستاو لوکلزیو، برنده فرانسوی نوبل ادبیات، قرار است به همت نشر افق منتشر شود و ترجمه مجموعه داستانی با عنوان «بهار و فصول دیگر» از همین نویسنده را نیز در دست دارم.

لوکلزیو نویسنده فرانسوی بشر دوست بانگاه انسانی است که از خشونت به ویژه خشونت زاده تمدن بیزار است و اجتناب می کند. عشق به انسان و طبیعت در آثارش دیده می شود، مشتاق سفر است و همین امر آثار او را بسیار رنگارنگ و جذاب کرده که برای مخاطب نیز خوشایند است.

مجموعه مقالاتی درباره خاقانی

■ محمدرضا ترکی؛ شاعر



این روزها مجموعه شعر جدیدی حدود صد صفحه شامل غزل و اشعار نو سروده شده در سال گذشته را برای انتشار آماده دارم، این در حالی است که هنوز عنوانی برای آن برنگزیده ام و ناشر آن را هم انتخاب نکرده ام. از سوی دیگر از آن جا که در دانشگاه متون نظم تدریس می کنم، حاصل مطالعات و دقت نظر درباره خاقانی را به صورت مجموعه ای از مقالات و نوشته های خاقانی در دست تدوین دارم. این مقاله ها به شناخت شخصیت خاقانی و فهم مشکلات و دشواری های دیوان او کمک شایانی می کنند و در عین حال بخش دیگر این مقاله ها، ارائه نقد و بررسی آثار و دیدگاه هایی اند که درباره خاقانی منتشر شده اند.

در نمایشگاه امسال سه اثر از من با نام های «پارسی پارسی» (سلمان فارسی به روایت متون فارسی) از معدود کتاب های ادبیاتی درباره سلمان فارسی توسط انتشارات علمی و فرهنگی، مجموعه شعر «هنوز عشق اول است» نشر تکا و «پرسه در عرصه کلمات» شامل ۵۵ مقاله و یادداشت در زمینه ادبیات توسط انتشارات سخن ارائه شد.

استقبال از این آثار بسیار گسترده بود به ویژه «پرسه در عرصه کلمات» که مورد توجه صاحب نظران و استادان زبان و ادب فارسی قرار گرفت.

کتاب «پارسی پارسی» تا مرحله نهایی جایزه کتاب فصل زمستان نیز پیش رفت اما به دلیل اینکه چند سال قبل، چاپ نخست آن منتشر شده بود و طبق قانون، تنها کتاب های چاپ اولی در جایزه کتاب فصل می توانند شرکت کنند، از این جایزه حذف شد.

چاپ نخست این کتاب کامل نبود و به دلیل توزیع نامناسب دیده نشد، اما در چاپ دوم کتاب از نظر محتوایی کامل و بخش های جدیدی به آن اضافه شده است. اصلی که همواره درباره کتاب اهمیت داشته و دارد، توجه به آن از سوی صاحب نظران و پیدا کردن مخاطب است نه جایزه گرفتن.

دایرة المعارف تئاتر ملل

■ رضا شیرمرز، مترجم و نمایش نامه نویس

جلد اول دایرة المعارف تئاتر معاصر ملل (آسیا) که ترجمه آن پنج سال به طول انجامید، به زودی منتشر می شود. این اثر جامع ترین دایرة المعارف تئاتر جهان در شش جلد است که توسط انتشارات راتلج انگلستان به چاپ رسیده و در آن ۱۶۷ نویسنده از ۱۳۰ کشور جهان هنر تئاتر خود را از ۳۰۰۰ سال پیش تا سال ۲۰۰۳ بررسی کرده اند.

نخستین جلد از نمایش نامه های دو زبانه اکبر رادی با عنوان «از پشت شیشه ها» با ترجمه من به زبان انگلیسی نیز در راه است. این آثار توسط انتشارات قطره منتشر شده یا در دست انتشارند.

در نمایشگاه امسال، چاپ ششم «زیبایی شناسی ژان پل سارتر توسط انتشارات آهنگ دیگر، چاپ پنجم «فن بیان» اونجیلین میچلین و چاپ چهارم «کالبدشناسی درام» به قلم مارگری بولتن عرضه شد.

ترجمه مجموعه شش نمایش نامه تک پرده ای از نمایش نامه نویسان جهان با عنوان های از جمله «رویین تن» به قلم هارولد بک هاوس و «بازگشت سرباز به خانه»، دو نمایش نامه از ترنس راتبگان، مجموعه هفت جلدی آثار نویسنده یونانی و پدر کمدی کهن «آریستوفان»، نمایش نامه ای بلند از سه گانه جنگ ادوارد

باند به نام «صلح کبیر» و دو نمایش نامه مدرن از «ایاکونوس کامبالیس» با عنوان های «مرد و شلوارش» و «زن و مرد عوضی» به زودی منتشر خواهند شد.

ترجمه آثار آریستوفان مورد توجه یونانیان قرار گرفت و از من دعوت کردند تا در یونان حضور یابم. همچنین ترجمه نمایش نامه های «ایاکونوس کامبالیس» را برای کارگردان یونانی آماده کرده ام که تصمیم دارد این اثر را در ایران اجرا کند و بازیگرانی چون فاطمه معتمدآریا در آن ایفای نقش می کنند. این نمایش ابتدا در تهران و سپس در لندن و کن اجرا خواهد شد.

هفت نمایشنامه هم از «مناندر» نویسنده یونانی و پدر کمدی نو به انتشارات نمایش و نمایشنامه «چاقوی بزرگ» نوشته نمایشنامه نویس معاصر آمریکا، کلیفورد اودتس برای چاپ به انتشارات نیلا سپرده شده اند.

ترجمه من از این آثار از روی نسخه انگلیسی انجام شده که البته آثار یونانی را پس از ترجمه با زبان یونانی مقابله کرده ام، در زمینه نمایشنامه، تالیفاتی نیز دارم از جمله «اتاک بلور و دست های من» که هنوز آن را به ناشری تحویل نداده ام اما چاپ دوم نمایشنامه «ستاره های سربی» همراه «دریای عمیق آبی» به زودی منتشر می شود.

کودک و تصویر

■ جمال الدین اکرمی؛ نویسنده کودک و نوجوان



تا آخر تابستان باید جلد سوم کتاب «کودک و تصویر» را تحویل ناشر دهم. این کتاب شامل بررسی تصویرگری کتاب کودک ایران و جهان و در واقع یک مجموعه پژوهشی است. پس از مجموعه میزگردهای کتاب ماه کودک و نوجوان که به بررسی تصویرگری کتاب کودک در ایران می پرداخت، اطلاعات به دست آمده از این میزگردها انگیزه ای شد برای پژوهش در این زمینه، به ویژه که در این رابطه، کار پژوهشی چندانی صورت نگرفته است. پیش از این حدود ۷۰ مقاله درباره این موضوع نوشته ام که در مجلات کتاب ماه و تندیس به چاپ رسیده اند و جلد نخست آن توسط انتشارات مدرسه و جلد دوم با عنوان فرعی «داستان هایی در مباحث نظری تصویرگری» شامل هشت بخش توسط انتشارات سروش در دست چاپ است، جلد سوم نیز بیشتر به ویژگی تصویرگران برجسته ایران اختصاص دارد که از سال ۱۲۵۰ تا زمان معاصر، به چهار دوره تقسیم بندی شده اند.

در نمایشگاه امسال، دو کتاب «کودکان ماه» توسط انتشارات به نشر و «فانوسی در باد» با موضوع روزهای جنگ در مناطق غربی ایران توسط انتشارات شاهد ارائه شد. البته هنوز نتوانسته ام بازخورد و دیدگاه نوجوانان را نسبت به آنها دریافت کنم و منتظر چنین فرصتی هستم. در ارتباط با رمان «چهل تکه» که اواخر سال ۸۷ توسط نشر پیدایش منتشر شد، طی جلسات گفت و گویی که با نوجوانان داشتم، متوجه علاقه مندی شان به طرح موضوعاتی درباره مرگ شدم، دیدگاه آنها نسبت به این موضوع بسیار جالب و شنیدنی بود.

دو اثر دیگر، یکی رمانی با عنوان «دور از خانه» و پژوهشی در «تصویرگری کتاب های دینی» که از دوره ایران باستان آغاز و به تصویرگری معاصر ختم می شوم، توسط انتشارات سروش منتشر خواهد شد.

مسائلی هستند که همیشه توصیه شده تا با کودکان و نوجوانان در میان گذاشته نشود، مانند عشق و مرگ، این در حالی است که عشق در دوران نوجوانی رنگ و بوی خاصی دارد و طرح این مسائل نیاز یک نوجوان است. بسیاری از نوجوانان نیز با مرگ در اطراف خود مواجه می شوند و لازم است از آن بداندند.

در رمان «کودک، سرباز و دریا» که از معروف ترین رمان ها برای نوجوانان است یا در رمان «راز گل سرخ» موضوع مرگ بسیار مشهود است، اما با شکل، زبان و بیان خاص نوجوان. بچه ها از این که فقط راجع به خوشی های زندگی با آنها صحبت شود، راضی نیستند. عشق و حتی غم و درد، جایگاه ویژه ای برای آنها دارد اما گذراندن این مراحل برای آنها بسیار متفاوت تر از آن چیزی است که ما تصور می کنیم.

یادداشت



کاووس حسینی
شاعر و مدرس دانشگاه

ادبیات برای همه حتی کیارستمی



از خاطرمان نرود که ادبیات برای همه است. هر انسان را اختیار هست تا همان گونه که خوش دارد از ادبیات فیض بجوید.

کسی را هم حق اعتراضی نیست که چرا فلان کس از فلان اثر هنری، به چنین و چنان درکی رسیده و چرا همان گونه که خواسته با آن ارتباط گرفته است.

باورم نیست که این منحصر به فرد است. همه با همان سلیقه و ادراک خودشان است که آثار هنری را می فهمند و از همان روزن است که بدان دل خوش می کنند یا بر بنای همان دیدگاه از آفرینه ای حظی نمی برند.

این واقعیت را حتی می توان به ابرمردانی چون حافظ و سعدی و پدید آورندگان آثار کلاسیک هم تعمیم داد. هر کس را اجازه آن هست که برابر با احساس و سلیقه اش از ایشان کامی بجوید یا نجوید.

عباس کیارستمی از سینماگران ایرانی ای است که آثار ارزنده ای را در این زمینه خلق کرده و در سینمای ایران نقش مهمی داشته است. البته کیارستمی فقط یک سینماگر نیست. در عکاسی و ادبیات نیز علاقه اش را نشان داده و اخیراً دو کتاب «حافظ به روایت کیارستمی» و «سعدی به روایت کیارستمی» از وی منتشر شده اند.

موضع گیری های گوناگونی نسبت به این آثار کیارستمی صورت گرفت و برخی نسبت به دیدگاهش در رابطه با اشعار حافظ و سعدی و انتشار این کتاب ها انتقاد کردند. اما من معتقدم کیارستمی حتی اگر هنرمند هم نبود، به عنوان شهروند یا خواننده آثار کهن این حق را داشت که گلچینی از سروده های حافظ یا سعدی را ارائه و آن را به سلیقه خودش منتشر کند.

کیارستمی در شعر حافظ دخالت نکرده و آن را تغییر نداده، بلکه تعدادی از این سروده ها را متناسب با سلیقه خودش برگزیده و از نظر نوشتاری به گونه ای دیگر تنظیم کرده. تنها نخواسته اشعار به شیوه سنتی روبه روی هم قرار گیرند، متناسب با دریافتش آن مصرع هایی را که به نظرش شبیه به شعر نیمایی بوده با سبکی خاص گردآورده است.

پرسش من از افرادی که به این کار ایراد گرفته اند این است که آیا اگر فردی به سلیقه خودش گلچینی از حافظ و سعدی را منتشر کند . همان طور که تاکنون گزیده ها و گلچین های مختلفی ارائه شده اشکالی ندارد اما اگر به شیوه ای متناسب با سلیقه خودش اشعار برگزیده را بنویسد، لطمه ای به شعر حافظ و سعدی وارد می کند؟

کیارستمی به عنوان خواننده این حق را داشته که شعر آن گونه که دوست دارد بخواند، برخی از سروده ها را انتخاب کند، آنها را به شیوه روایی خودش بیان و در نهایت در کتابی منتشر کند.

هر فردی که به این سبک علاقه ندارد، می تواند این کتاب ها را نخواند. از سوی دیگر نباید فراموش کرد که این گونه آثار هیچ پدیده مهمی نیست و تاثیر گذاری ویژه ای در حوزه حافظ شناسی و سعدی شناسی نخواهد کرد. این کتاب ها با توجه به نامشان این تصور را برای خیلی ها ایجاد می کنند که کتاب توضیحی درباره سعدی و حافظ است اما آنها تنها بیانی جدید از دیدگاه کیارستمی نسبت به شعر کهن هستند. این نحوه روایت هیچ ضرری به شعر حافظ، سعدی، ادبیات و فرهنگ ما وارد نمی کند بلکه پاسخی است به سایر سلیقه هایی که از طریق کیارستمی به شعر روی می آورند.